فیروز رفاهی علمداری

درآمدی بر لهجه شناسی زبان ترکی آذربایجانی

(آواشناسی)

تهران
۱۳۹٤

سرشناسه :	رفاهی، فیروز، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور :	مبانی لهجه‌شناسی زبان ترکی آذربایجانی (آواشناسی). فیروز رفاهی علمداری
مشخصات نشر :	تهران: فیروز رفاهی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری :	۲۰۵ص.: جدول.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۰۴۳۱-۸۶-۰
وضعیت فهرست نویسی :	فیپا
یادداشت :	ص.ع. به انگلیسی: .Refahi Alamdari، Firuz. An introduction to phonological structure of Azeri Turkic dialects in Iran
موضوع :	زبان ترکی آذربایجانی-- گویش‌شناسی
موضوع :	زبان ترکی آذربایجانی -- آواشناسی
رده بندی کنگره :	PL۳۱۳/ر۷م۲ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی :	۴۹۴/۳۶۱۳فا

****

درآمدی بر لهجه شناسی زبان ترکی آذربایجانی

فیروز رفاهی علمداری

چاپ اول ۱۳۹۴

تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

شابک **۹۷۸-۶۰۰-۰۴۳۱-۸۶-۰**

پخش

انتشارات فیروزان تلفکس ۲۲۷۴۵۶۷۰

****

مندرجات

اشارات شرطی

ثبت يك پديده آوایی گفتاری نیاز به اشاراتی فراتر از الفبای معمولی دارد. اشارات زیرگ جهت روشن کردن تلفظ آواها مورد استفاده قرار گرفته اند و شرطی هستند، اگرچه برخی از این اشارات در زبانشناسی رایج میباشند:

> این اشاره نشان میدهد که تلفظ واژه از کدام کلمه است.
ˇ این اشاره تلفظ کوتاه آوا را نشان میدهد.
یـˇ (ĭ) براي نشاندادن تلفظ کوتاه واکه ı
ۇˇ (ŭ) براي نشاندادن تلفظ کوتاه واکه u
ۆˇ (ǚ) براي نشاندادن تلفظ کوتاه واکه ü
: این اشاره تلفظ کشیده آوا را نشان میدهد.
ˆ این علامت کوتاه بودن صدا را نشان میدهد
~ گونه دیگر تلفظ را نشان میدهد
// یعنی بطور موازی هر دو نوع استفاده میشود.
- قبل از پسوند نوشته میشود (ع لامت پسوند بودن است).
ٲ **(ã)** - برای نشاندادن واکه (آ-a) خیشومی
ٱ **(ë)** - برای نشاندادن واکه (أ-ə) خیشومی
ێ **(Ĩ)** - برای نشاندادن واکه (ای-ı) خیشومی
ۑ **(į)** - برای نشاندادن واکه (ای-i) خیشومی
ۊ **(ũ)** - برای نشاندادن واکه (اۇ-u) خیشومی
ۋ **(ǜ)** - برای نشاندادن واکه (اۆ-ü) خیشومی
ۏ **(ŏ)** - برای نشاندادن واکه (او-o) خیشومی
ڼ **(ń)** - برای نشاندادن صامت ن خیشومی
ك` **(ķ)** - یعنی صامت ك به صورت ه تلفظ میشود.

مقدمه

لهجه شناسی (dialectology) یکی از مباحث عمده زبانشناسی بشمار میرود و دارای دو وجه متمایز میباشد : یکی لهجه شناسی عمومی که قواعد، قانونمندیها و روشهای عام لهجه ها را مورد بررسی قرار میدهد و لهجه شناسی خاص که بررسی لهجه های خاص یك زبان یا گویش را مورد نظر قرار میدهد. لهجه شناسی عمومی در زبانشناسی همگانی فرایندهای فونولوژی، مورفولوژی، نحوی و لغوی تغییرات و قانونمندیهای کلیه لهجه ها را مدنظر قرار میدهد.

زبانشناسی ، گویش شناسی و لهجه شناسی اصطلاحات متفاوت زبانی هستند که تغییرات مختلف بخشهای گوناگون زبانها را با توجه به مفاهیم ویژه این بخشها بررسی مینمایند. همانطوریکه میدانید در مبحث زبانشناسی زبانهای جهان از نظر ساختاری ، دستوری و لغوی به انواع گوناگون تقسیم میشوند. طبق آخرین داده های زبانشناسان هم اینك بیش از دو هزار زبان رایج در دنیا مورد استفاده کاربران میباشد. از طرف دیگر تاکنون نزدیك به هشت هزار زبان شناسایی شده اند. این زبانها در گروه های مختلف به خانواده های زبانی تقسیم میشوند. زبانهای هر خانواده از نظر ساختار آوایی، دستوری و لغوی دارای وجوه اشتراك هستند. زبانهای فارسی ، کردی، دری، تاجیکی جزء خانواده زبانهای ایرانی هستند همانطوریکه زبانهای ازبکی، تارتاری، قرقیزی ، خلجی ،و قشقایی و ترکمنی از خانواده زبانهای ترکی میباشند.

در گویش شناسی شاخه های منشعب شده از یك خانواده زبانی مورد بررسی قرار میگیرند. روند انشعاب گویش ها در طی هزاران سال واقع میشود. گویش ها بدلیل بعد جغرافیایی و ارتباط کمتر با زبان مادری بتدریج تغییر یافته و رشد مستقل خود را از نظر لغوی ، ساختاری طی مینماید. در بررسی زبانها آنها را به انواع قدیم ، میانه و امروزی تقسیم میکنند، لیکن در بررسی گویشها این شکل میسر نمیباشد و در واقع آنها دارای یك منبع واحد بوده و از زبان مادر جدا شده اند. گویشهای فارسی ، مازندرانی ، گیلگی ، تاتی دارای نیای مشترکی هستند ، همانطوریکه گویش قشقایی، آذری، ساوجی و سونقوری دارای نیای مشترك هستند.

در لهجه شناسی حالتهای شفاهی-کاربردی زبانها و گویشها مورد نظر هستند. لهجه ها شکل جغرافیایی و محلی یك گویش یا زبان هستند که در محدوده جغرافیایی خاصی مورد استفاده می باشند. لهجه ها عمدتا در شکل شفاهی و در اثر راحت طلبی اندامهای صوتی بوجود میایند. انواع لهجه های گویش فارسی شامل تهرانی، اصفهانی، سبزواری و سایر است همانگونه که لهجه قرداغی، زنجانی ، مراغی و اردبیلی دارای گویش مادری مشترك هستند ، که همانا زبان ترکی آذربایجانی میباشند.

زبانها و گویش ها از نظر آوایی ، دستوری و واژگانی دارای تفاوتهای بسیاری هستند و یادگیری آنها مستلزم آموزش خاص میباشد. کاربران زبانها و گویشها در فهم متقابل دچار مشکل میشوند و برقراری ارتباط مستقیم میان کاربران آنها براحتی میسر نمیباشد. در حالیکه کاربران لهجه های مختلف در ایجاد رابطه مشکلی نداشته و تفاوتهای گوناگون حالات دستوری و واژگانها براحتی قابل درك میباشد. برای مثال گویشوران فارسی و گیلگی و سمنانی براحتی نمیتوانند ارتباط برقرار نمایند. در میان گویشهای قراقی ، اویغوری و ترکی آذربایجانی نیز این امر صدق می کند.

نزدیکی یا دوری لهجه ها از یکدیگر و از زبان مبداء در زبانهای گوناگون متفاوت است. برای مثال تفاوت میان لهجه های مختلف زبان آلمانی نسبت به تفاوت میان لهجه های زبان فارسی و ترکی آذربایجانی بسیار بیشتر میباشد و اغلب اتفاق میفتد که کاربران لهجه های زبان آلمانی در درك همدیگر دچار مشکل میشوند.

در زبان شناسی گونه دیگری از لهجه ها مورد مطالعه قرار میگیرد که به آن ژارکون میگویند. ژارکون لهجه خاص میان مشاغل و دسته های متفاوت اجتماعی است. باید یادآور شویم که همه زبانهای دنیا لزوما دارای گویش نمیباشند و شکل گیری گویش مختص زبانهای قدیمی تر میباشد. برخی زبانها مثل ژاپنی و ارمنی دارای گویش نمیباشند. زبان ارمنی کنونی دارای لهجه لبنانی ، سوری و ایروانی (لهجه موجود در جمهوری ارمنستان) است. البته در گذشته این زبان دارای گویش آشقارابار و آقرابار بوده است.

خانواده زبانهای ترکی شامل ۳٦ گویش متفاوت از آنجمله گویش ترکی آذربایجانی، ترکی خراسانی، ترکی خلجی ، ترکی استانبولی، ترکمنی، قاقاوزی، ترکی عراقی (تورکمنی)، تاتاری، باشقیردی، قاراقالپاغی، قاراچایی، ازبکی، قزاقی، قرقیزی، یاکوتی، آلتایی، اویغوری، توینی ، توفاری ، چوواشی، بالغاری، خاکاسی، و ...است.

دسته بندی گویشهای زبان ترکی برای اولین بار توسط ترك شناس قرن پنجم هجری محمود کاشغری انجام شده است. وی در کتاب "دیوان لغات الترك" گویشهای مختلف ترکی را بر اساس نام طوایف مختلف ترکی مثل اوغوزی، چگنی،... دسته بندی کرده است. سپس از اواخر قرن نوزدهم با پیشرفت زبانشناسی و توجه به السنه مختلف گویشهای زبان ترکی بر اساس خصوصیات جغرافیایی دسته بندی شدند. در دسته بندی جغرافیایی زبانهای ترکی ، گویشهای ترکی آذربایجانی در شاخه جنوب

غربی زبانهای ترکی در کنار زبانهای قاقاوزی، ترکمنی ، ترکی استانبولی و خلجی قرار گرفته است. محمود کاشغری در کتاب ''دیوان لعات الترك'' زبان اوغوزی (زبان مادر گویشهای جنوب غربی) را سلیس ترین زبان در بین زبانهای ترکی میداند.

گویش های متفاوت زبان اوغوزی تا اواسط قرون هفتم دارای یادمانها و وجوهات مشترك بسیاری بودند. رشد مستقل و گونه واره این گویشها از قرن هفتم آغاز و تاکنون نیز ادامه دارد. قدیمیترین یادمان مربوط به زبان اوغوزی ''کتاب ددقورقود علی لسان طایفه اوغوزان'' می باشد که در ٤٦٦ هجری کتابت شده است[١]. بنا بر نظر بسیاری از زبانشناسان مثل دمیرچی زاده، محرم ارگین، توفیق حاجی اف، اورهان شایق و... شکل گیری این داستان ها به دوره های بسیار دورتر برمی گردد.

زبان ترکی آذربایجانی یا ترکی آذری به عنوان یکی از گویش های اوغوزی (ترکی غربی) در منطقه وسیع جغرافیایی که از شمال به دربند قفقاز و داغستان از جنوب به ساوجبلاق (مهاباد) و بخشهایی از اراك و همدان از شرق تا ساوه و استان مرکزی و از غرب تا آناتولی مرکزی گسترده است. علاوه بر اینها بخشهای از لهجه های ترکی رایج در خراسان زبان ترکی آذربایجانی بعد از ظهور اسلام با قبول اسلام به استفاده از الفبای عربی روی آورد و سیستم منسجمی را برای ثبت و ضبط ترکی آذربایجانی مورد استفاده قرار داده است.

امروزه زبان ترکی آذربایجانی در کشورهای افغانستان، جمهوری آذربایجان ، ترکیه ، عراق ، سوریه، جمهوری فدرال روسیه و ایران مورد استفاده میلیونها کاربر میباشد.

---

[١]. حاجیییف توفیق ، رفاهی علمداری فیروز،«دده قورقوو»-ون سون صحبفه سی حاققیندا- «أدبیات و اینجه صنعت قزئتی» ، ١٩٨٦ ، آپریل ٤

زبان ترکی آذربایجانی از اواخر قرن هیجدهم مورد توجه و بررسی زبانشناسان قرار گرفته است. از میان نخستین کسانیکه به پژوهش زبان ترکی آذربایجانی پرداخته اند میتوان خودزکو ، میرزاکاظم بیگ، کارل فوی، بارتولد را نام برد.

لهجه های زبان ترکی آذربایجانی نیز از قرون گذشته مورد توجه قرار گرفته و زبانشناسانی مانند کارل فوی ، ولادیمیر مینورسکی ، شاپشال ، هانِدا و سایرین در اینمورد تحقیقاتی انجام داده اند.

فصل اول

تاریخچه پژوهش لهجه های
ترکی آذربایجانی

مطالعه و پژوهش لهجه های هر زبان مسلتزم بررسی های میدانی، گردآوری مواد ، دسته بندی و بررسی تطبیقی آن لهجه ها میباشد. اصولا برای بررسی تصویری هر لهجه در وهله نخست وجود زبان معیار لازم می باشد. زبان معیار یا زبان استاندارد گونه ای از زبان است که طی سالیان طولانی در فرایند انتخاب و انتخاب مجدد واحدهای آوایی، لغوی ، صرفی و نحوی هر زبان مورد استفاده قرار میگیرد. این زبان ابتدا بصورت نوشتاری و سپس بصورت نوشتاری و شفاهی و در اشکال متفاوت ادبی ، علمی ، دینی ، رسمی و سایر بصورت رسمی و یا بر اساس توافق متقابل آحاد جامعه مورد استفاده قرار میگیرد. زبان رسمی به کندی تغییر میکند و نسبت به شکل گفتاری زبان قواعد و مقررات سختگیرانه تری دارد.

زبان معیار ترکی آذربایجانی از قرون پنجم هجری (براســـاس یافته-های کنونی) بصورت کتبی مورد استفاده بوده و در هر قرنی ویژگیهای معینی را درون خود پرورده است. لیکن ، زبان معیار کنونی ترکی آذربایجانی از زمان استفاده از خط و کتابت به الفبای عربی مورد استفاده بوده است. زبان معیار ترکی آذربایجانی ابتدا در آفرینشهای ادبی خاستگاه خود را تثبیت کرده است. در مراحل اولیه شکل گیری زبان معیار نثر و نظم ادبی نقش بسزایی داشته اند. سپس با قبول اسلام و لزوم آموزش دستورهای دینی و تاریخ دین سبك دینی با ویژگیهای لغوی و

ساختاری خاص خود به سبك ادبی پیوسته است. در پی سبك دینی سبك علمی و ترجمه کتب از سایر زبانها باعث رونق بیشتر زبان معیار گشت. زبان معیار ترکی آذربایجانی در دورانی از تاریخ این سرزمین بصورت زبان دولتی نیز مورد استفاده بوده است. مکاتبات پادشاهان صفویه ، آغ قوینلوها با دولت مردان کشورهای دیگر به ترکی آذربایجانی در دست میباشد. بسیاری از امیران این سرزمین مثل سلطان یعقوب قره قوینلو، سلطان میرزاجهانشاه ، سلطان احمد جلایر ، شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی به این زبان وقفنامه نوشته اند و شعر سروده اند. اوج شکوفایی زبان معیار ترکی آذربایجانی از اوایل قرن نوزدهم و با اشغال بخشهایی از سرزمین ایران و جداسازی قسمتهای آذربایجان وقوع یافت. در آن زمان امپراطوری روسیه برای کنترل سرزمینهای اشغالی چاره بجز تربیت کادرهای ملی و آشنا به زبان و سنن محلی نداشت. لذا در شهرهای اشغال شده مثل گنجه ، نخجوان ، ایروان و تفلیس اقدام به ایجاد مراکز آموزشی به زبانهای بومی کرد. در این دوران تاترهای بومی ظهور یافتند و نمایشنامه نویسی به زبان ترکی آذربایجانی برای نخستین بار در شهر تفلیس شکل گرفت. جالب است که نخستین نمایشنامه نویس و بانی نمایشنامه نویسی در شرق یعنی میرزا فتحعلی آخوندزاده خود از مامورین عالیرتبه امپراطوری روس به حساب می آمد. این اتفاقات توجه معارف پروران و اندیشمندان داغستان ، آذربایجان و گرجستان را به خود جلب کرد. به تدریج مراکز علمی و روزنامه ها به زبانهای محلی تاسیس و فراگیر شدند. بدین ترتیب سبکهای رسانه ای به زبان معیار افزوده شدند. حتی کسانی مثل میرزا کاظم بیگ که در یك خانواده ترك و در شهر رشت بدنیا آمده بود برای تدریس در آکادمی سن پطرزبورك به این شهر دعوت شدند. نخستین روزنامه ها به زبان ترکی آذربایجانی به نام اکینچی (کشاورز) توسط معارف پروران و اندیشمند آن دوران حسن بیگ زردابی در یکصد و هشتاد سال قبل منتشر شد. با نشر مجلات علمی و فنی و استفاده از زبان ترکی آذربایجانی در مدارس عالی و دوایر

دولتی زبان معیار ترکی آذربایجانی به شکل امروزی آن پا به میدان گذاشت.

امروزه برای بررسی لهجه های مختلف ترکی آذربایجانی استفاده و مقایسه آن با زبان معیار امری واجب میباشد. زبان معیار در دو شکل کتبی و شفاهی مورد استفاده میباشد. لیکن لهجه تنها به صورت شفاهی میتواند مورد استفاده قرارگیرد.

نخستین تلاشها برای بررسی زبان (تاحدی هم لهجه های) ترکی آذربایجانی به شکل پراکنده در سالهای گذشته انجام گرفته است. میرزا کاظم بیگ (رشت ۱۸۰۲-۱۸۷۰) در سال ۱۸۳۹ در شهر غازان کتاب "دستور زبان ترکی-تاتاری"[۱] را منتشر کرد. در این کتاب زمان حال ساده لهجه های دربند و قوبا در مقایسه با زبان معیار مورد بررسی قرار گرفته است[۲]. بر اساس توضیحات میرزاکاظم بیگ پسوند دوم شخص مفرد زمان حال با ویژگیهای دوم شخص زمان حال لهجه زنجان و پسوند سوم شخص مفرد زمان حال با خصوصیات سوم شخص زمان حال در لهجه تبریز مطابقت مینماید. این اثر در محافل ترك شناسی آن زمان مورد توجه قرار گرفت و در سال ۱۸٤۸ در شهر لایپزیك تحت عنوان Allgemeine Grammatik der türkisch-tatarischen Sprache توسط J.th. Zenker ترجمه و منتشر شد[۳].

---

[۱]. در ادبیات علمی روسیه قرن نوزدهم زبان ترکی آذربایجانی را نیز به غلط "تاتاری" می نامیدند.م.

[۲۲]. М.А.Каземь Бек , Грамматика турецко-татарского языка, Казань,۱۸۹۳

(میرزا کاظم بیگ زمان حال ساده را اینگونه تصریف کرده است: سئویرم-سئویرن-سئویری-سئویریك-سئویرسیز-سئویرلر)

[۳]. Hasan Eren,Türklük Bilimi sözlüğü,Yabancı türkologlar, Ankara , ۱۹۹۹, s.۱۸۹

زبانشناس آلمانی کارل فوی (۱۸۵٦-۱۹۰۷) در سال ۱۹۰۳ و ۱۹۰٤ در شهر برلین در مجموعه " Mitteilungen des Seminars für Orietalische Sprachen " طی دو مقاله تحت عنوان Azerbajganische Studien mit einer Charakteristik des Südtürrkischen لهجه تبریز و اطراف آن را مورد پژوهش قرار میدهد[۱].

سرایا شاپشال (۱۸۷۳-۱۹٦۱) پس از فارغ التحصیل شدن از مدرسه السنه شرقی سن پطربورگ به عنوان مترجم وارد وزارت امور خارجه شد و در سال ۱۹۰۱ برای یادگیری زبان های فارسی و ترکی آذربایجانی به تبریز اعزام شد. شاپشال مدتی در مدرسه لقامانیه تبریز بعنوان مدرس زبان روسی فعالیت کرد. وی که معلم خصوصی محمدعلی شاه بود بهمراه وی به تهران رفت. اثر وی به نام Proby literatury ludowej turkow Azerbajdzanu perskiego (نمونه های ادبی ترکان آذربایجان ایران) که در سال ۱۹۳۵ در شهر کراکوف به زبان لهستانی نگاشته شده است به بررسی لهجه های ترکی آذربایجانی در ایران میپردازد و در واقع تکمیل کننده اثر میرزاکاظم بیك بشمار میرود[۲].

آرمین وامبری (۱۸۳۲-۱۹۱۳) زبانشناس مجار پایه گذار ترك شناسی در مجارستان در سال ۱۸٦۲ به منظور مطالعه علمی به ایران سفر میکند. در تهران بهمراه زوار با نام رشیدافندی به سیاحت خود ادامه میدهد[۳]. وی پس از مراجعت به مجارستان در سال ۱۸۷۷ کتاب A török-tatar nyelvek etymologiai szotara را در بوداپست منتشر میکند و در پی آن در سال ۱۸۷۸ کتاب Etymologisches

---

۱ .Hasan Eren, yenə orada, s.۱۵۸

۲. Memoires de la Commission Orientaliste No.۱۸,Krakoü ,۱۹۳۵, Xİİİ, ص۱۰۰

۳. برای اطلاعات بیشتر به کتاب "سیاحتنامه درویش دروغین" مراجعه کنید.

Wörterbuch der turko-tatarischen Sprachen را منتشر میکند. در کارهای وامبری به لهجه های ترکی آذربایجانی در ایران اشارات بسیاری شده است. اثر دیگر وی به نام Die primitive Cultur des turko-tatarischen Volkes (Leipzig) در سال ۱۸۷۹از طرف محافل ترك شناسی با استقبال بسیاری مواجه میشود.

دیگر زبانشناس مجار لایوش لیگئتی (۱۹۰۲-۱۹۷۸) در سال ۱۹۵۷ در مورد زبان افشارها تحقیق کرده است که در مجموعه شرقشناسی آکادمی علوم مجارستان تحت عنوان زیر منتشر کرده است.

Sur la langue des Afchars d Afghnistan (AOH VII, p.۱۰۹-۱۵٦)

آلکساندر راماسکویچ (۱۸۸۵-۱۹٤۲) پس از اتمام دانشگاه با تسلط به زبانهای فارسی، ترکی، عربی در سال ۱۹۰۸ جهت تحقیق به ایران سفر میکند. وی سفر دومش را در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۵ میان قشقاییان فارس سپری میکند ، که حاصل آن کتاب " ترانه های قشقایی" است که در سال ۱۹۲۵ منتشر میشود. عمده فعالیت راماسکویچ در مورد لهجه قشقایی زبان ترکی میباشد[۱].

تادئوش کووالسکی (۱۸۸۹-۱۹٤۸) زبانشناس لهستانی الاصل فرانسوی نیز به لهجه ترکی آذربایجانی توجه کرده و در سال ۱۹۲٦ در مقاله ای تحت عنوان Die altersten Erwahnungen der Türken in der arabischen literatur و Les Turcs dans le Sah-name به لهجه ترکی آذربایجانی در ایران اشاره میکند.

---

[۱]. Romaskovich A.Alexander, Pesni kashkaitse v Zbornik Muzeya antropoloji I etnografi Petra Velikovo pri Akademi Nauk SSSR Lningrad ۱۹۲۵ pp. ۵۷۳-٦۱۰ - (www.orientalstudies.ru)

کونتر یارینگ (۱۹۰۷-۲۰۰۲) ترك شناس و دیپلمات سوئدی در سال ۱۹٤٥ به عنوان دبیر سفارت در تهران آغاز به فعالیت میکند. در دوران اقامتش در ایران به بررسی لهجه های زبان ترکی آذربایجانی میپردازد[۱].

کارل هنریش منگس (۱۹۰۸-۱۹۹۹) آلمانی در کتاب Research in the Turkic dialects of Iran که در سال ۱۹٥۱ منتشر کرده است. ضمن گزارش سفر به ایران به ترکی سلجوقی در جنوب و جنوب غرب کرمان اشاره میکند. علاوه بر آن وی در منطقه سیستان و بلوچستان به طوایف ترک زبان اشاراتی میکند. وی لهجه عینالی را لهجه زیر مجموعه قشقایی میداند. علاوه بر آن ترکی سنقری لهجه میانی ترکی آذربایجانی و ترکی خراسانی بشمار میرود[۲].

ولادیمیر مینورسکی (۱۸۷۷-۱۹٦٦) زبانشناس روسی الاصل سالهای متمادی در ایران به عنوان دیپلمات فعالیت کرد. وی پس از انقلاب روسیه در ایران ماند و سپس به فرانسه مهاجرت کرد. مینورسکی با تسلط کافی به زبانهای فارسی، ترکی و عربی تحقیقات مفصلی را در مورد این زبانها انجام داده است. وی در سال ۱۹۰٦ تحقیقات مفصلی در مورد زبان ترکی خلجی در ایران انجام داد که حاصل آن تحت عنوان The Turkish dialect of the Khalaj در سالهای ۱۹٤۰ و ۱۹٤۲ در "بولتن مدرسه السنه شرق" BSOS به چاپ رسید[۳]. اثر قابل توجه دیگر وی "Anallu/Inallu" است که در سال ۱۹٥۱ منتشر شده است[٤].

---

۱. *Turcica et Orientalia*. Studies in honur of Gunnar Vilfred Jarring on his eightieth birthday ۱۲ Oct. ۱۹۸۷, p.۲۰٤

۲. Karl Heinrich Menges Research in the Turkic dialects of Iran , ۱۹٥۱, p.۲۷۹ -۲۷۳

۳. BSOS, X/۲, ۱۹٤۰-۱۹٤۲, p.٤۱۷-٤۳۷

٤. Rocznik Orientalistyczny, XVII, ۱۹٥۱. p.۱-۱۱

سالومون سرگویچ مایزل (۱۹۵۲-۱۹۰۰) زبانشناس روس پس از تحصیل در دانشگاه علوم شرق و با تسلط به زبانهای ترکی، عربی و فارسی ابتدا مدتی در ترکیه و سپس در سالهای ۱۹۴۲-۱۹۴۱در سفارت شوروی بعنوان مترجم فعالیت کرد و مطالعات وسیعی در مورد زبان ترکی در ایران انجام داد. مهمترین کار وی Turetski Izafat "حالت اضافه در زبان ترکی" است که در سال ۱۹۵۷ در مسکو منتشر کرده است.

گرهارد دورفر (۱۹۲۰) زبانشناس نامی آلمان نیز در زمینه لهجه های ترکی آذری و سایر زبان های ترکی در ایران تحقیقات مفصلی دارد. از نخستین کارهای وی میتوان به سلسله تالیفات وی تحت عنوان "عناصر زبان ترکی در فارسی امروزی اشاره کرد" Türkische Elemente im Neupersischen (Wiesbaden. -۱۹۶۵ (۱۹۷۵-۱۹۶۷. در مورد لهجه های ترکی آذربایجانی دورفر ابتدا اقدام به جمع آوری و نشر کارهای تادئوش کووالسکی و سر اورل استاین Sir Aurel Stein تحت عنوان Sprachaufzeichunggen im Aǽnallu- Dialekt aus Südpersien. Krakow ۱۹۳۷ کرد. دورفر در مورد زبان ترکی خلجی ایران تحقیقات جامعی دارد و کارهای وی هنوز هم منحصر به فرد هستند. وی از سال ۱۹۶۹ تاکنون بطور پیوسته ضمن سفرهای متعدد به ایران به جمع آوری و نشر مطالب علمی در مورد زبان خلجی پرداخته است. وی علاوه بر خلجی در مورد لهجه خراسانی زبان ترکی و لهجه سونقوری ترکی آذربایجانی نیز تحقیق کرده است از جمله کارهای وی میتوان به تالیفات زیر اشاره کرد:

"Ein turkischer Dialekt aus der Gegend von Hamadan (AOH XXXVI , ۱۹۸۲, p/۹۹-۱۲٤) و "Das Sonqor-Turkische"(StO ٤۷,۱۹۷۷,p.٤۳-۵۵) و "Das Chorasanturkische" (TDAY ۱۹۷۷, p.۱۲۷-۲۰٤) و "Chorasanturkisch aus dem Turkenkessel" (CAJ ۳٦,۱۹۹۲, p.٤٤-۷۷)

در جدول زیر دورفر پسوند اول شخص و دوم شخص مفرد و جمع را در زبانها و لهجه های گوناگون ترکی موجود در ایران ارائه کرده است:

		اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع
A	T.Türkçesi ترکی استانبولی	-Im (batı Anadolu -In	-sIn (-sIń,-Iń)	-Iz (-sIK,orta Anadolu –IK)	-sInIz (sIńIz, -IńIz, -sIz)
B	Azeri Türkçesi ترکی آذربایجانی	-Am	-sAń (-sAn)	_IK (-UK)	-sInIz (-sIńIz,-sIz,-sUz, Galugah –sUyz)
B`	Zencan لهجه زنجان	-Am	-sAňAn	-IK	-sIz˘ -Iz
C	لهجه سونقر sonqor	-Am	-sA	-AK	-sIz
C`	خلجستان شمالی Kuzey halacistan	-Am	-An (Ay)	-IK(-UK)	-Iz
D	Qazvin-Hamedan لهجه قزوین-همدان	-Am	-An(-Ay)	-AK	-Iz
D`	Kaşkay vb. لهجه قشقایی	-Am	-Ań (-An,-Ayń)	-AK	-AńIz (-AnIz,-AyńIz,-Ayz)
E	Batı ve Güney Horasan Türkçesi	-Am	-Ay)-Ań,-An)	-AK (-Ay)	-Ays (-AńIs)
E`	Güneydoğu Horasan T.	-Am	-Ay (-An)	-IK	-Is (-IyIs)

E`	Kuzey Horasan T.Özbekçe	-mAn	-sAn	-mIs (mIz)	-sIs (-sIz)
E`	Doğu Horasan T.=Karşı Özbekçe	-mAn	-sAn	-bIs	-sIs
F	Türkmence	-In	-sIń (--Iń)	-Is (-IK,sIK)	-sIńIz (-IńIz)

گرهارد دورفر در حال حاضر فعالترین زبانشناس اروپایی در مورد بررسی زبانهای ترکی ایران میباشد. وی در یك سخنرانی در فرهنگستان زبان ترکیه که متن آن بعدها منتشر شد اعلام نمود که در حدود ۵۰۰۰ صفحه دستنویس در مورد لهجه های ترکی آذربایجانی ، خلجی و ترکی خراسانی را گردآوری کرده است[۱].

و. منتیه (V.Monteil) زبانشناس فرانسوی در سال ۱۹۵۶ طی مقاله ای تحت عنوان Sur le dialecte turc de l Azerbajdjan iranien لهجه های ترکی آذربایجانی ایران را بررسی کرده است. یکی از کارهای نو در فرانسه تز دکتری سونل بوسنالی است که در سال ۲۰۰۳ در دانشگاه پاریس ۳ (سوربن جدید) تحت عنوان ”میراث ادبی، زبانشناسی ترك زبانان ایران-تحلیل زبانشناسی-اجتماعی“ 'Patrimoine linguistique et litteraire turcophone de l'Iran: une etude sociolinguistique میباشد. این پایان نامه در سال ۲۰۰۷ به ترکی استانبولی ترجمه و منتشر شده است[۲].

---

۱ . ۲۳ Kasim ۱۹۸۷ günü Türk Dil Kurumunda yapilan konuşma. Türk Dili, TDK Yay., Sayi: ۴۳۱, Kasim ۱۹۸-

۲ .Sonel Bosnalı, İran Azerbaycan Türkçesi / Toplumdilbilimsel Bir İnceleme,kebikeç yayınları,İstanbul,۲۰۰۷

کوئیچی هاندا ترك شناس ژاپنی در سال ۱۹۷۹ بهمراه علی گنجه لو به بررسی لهجه تبریزی پرداخته است. حاصل کار آنها کتاب "Tabrizi Vocabulary an Azeri-Tutkish Dialect in Iran" است که توسط موسسه مطالعات فرهنگ و زبانهای آسیا و آفریقا در توکیو منتشر شده است. در این اثر تحقیقی ۱۰۰۰ واژه لهجه تبریزی با ترجمه فارسی و انگلیسی را جمع آوری شده است[۱]. این کتاب در سالهای اخیر توسط دکتر حسین محمدزاده به فارسی ترجمه شده است. این پژوهشگر خستگی ناپذیر درمقدمه ای که بر این ترجمه افزوده است به پاره ای از فرایندهای آوایی لهجه شهر تبریز می پردازد. اگرچه نوشته ایشان بسیار مختصرست، لیکن برای مححقان لهجه های زبان ترکی آذربایجانی در ایران حائز اهمیت بسیارست.

در روسیه شوروی توجه به لهجه های زبان ترکی آذربایجانی از سال ۱۹۱۸ یعنی زمان تاسیس جمهوری دمکراتیك آذربایجان که در آن برای اولین بار زبان ترکی آذربایجانی بعنوان زبان رسمی دولتی اعلام شد، آغاز گردید. البته این حکومت بیش از دو سال دوام نیاورد و با یورش ارتش سرخ در سال ۱۹۲۰ حکومت اذربایجان شوروی برقرار گردید. حکومت جدید که تملایلات ملی و توجه به ملل تحت ستم در آن نمود اساسی داشت قادر نبود دستاوردهای حکومت دمکراتیك را لغو نماید ، لذا زبان ترکی آذربایجانی مجددا زبان رسمی دولت آذربایجان شوروی اعلام گردید.

اشاره به لهجه های مختلف ترکی آذربایجانی برای نخستین بار توسط فریدون بیگ کوچرلی انجام شده است. وی در کتاب بسیار ارزشمندش "تاریخ ادبیات ترکی آذربایجانی" ، که حاوی زندگانی و نمونه آثار

---

۱ .Koichi Haneda,Ali Ganjelu,Tabrizi Vocabulary an Azeri-Turkish Dialect in Iran, Institute for the study of languages and cultures of Asia and Afica,Tokyo,۱۹۷۹

بزرگان ادب ترکی آذربایجانی بر اساس محل تولد آنان است ، درمورد زبان ترکی آذربایجانی،در مقدمه می نویسد: "ترکان آذربایجانی به لهجه های متفاوت سخن می گویند ، لیکن همه آن لهجه ها از یک منشاء واحد سرچشمه می گیرند. بدین ترتیب مردم هر منطقه بـه یک لهجه و شیوه متفاوت سخن میگویند. هر منطقه مسکونی و هر محله نیز دارای واژه ها و اصطلاحات خاص خود است. اهالی قراباغ و قازاق یک نوع ، اهالی شکی نوعی دیگر و ساکنین شیروان ، ساليان، باکو و قوبا به سیاقی دیگر سخن می گویند. اهالی ولایات ایروان، نخجوان، تبریز، خوی و ماکو هم به لهجه ای دیگر صحبت می کنند. با وجوداین، زبان (ادبی م.) واحد همه یکسان است و اهالی مناطق مختلف آذربایجان براحتی زبان یکدیگر را می فهمند. ... زبان ترکی اهالی آذربایجان به مرور ایام تغییر کرده است، اشکال متفاوتی بخود گرفته است ، بطوری که ترکی جدیدی امروزی با ترکی قدیمه شباهت ندارد."[۱]

تحقیق و بررسی لهجه های زبان ترکی آذربایجانی بطور جدی از سال ۱۹۲٤ توسط ”انجمن مطالعات آذربایجان“ آغاز گردید. در همان سالها آکادمیسین نیکلای آشمارین بنا به دعوت دانشگاه دولتی آذربایجان و انجمن مطالعات آذربایجان اقدام به تدوین ”راهنمای گردآوری و بررسی لهجه های زبان ترکی آذربایجانی“ کرد. بدین ترتیب کار گردآوری ٦۰۰۰۰ واژه در ”فرهنگ لهجه های ترکی-آذربایجانی“ تا سال ۱۹۳۰ ادامه یافت. جلد نخست شامل حرف الف (۱۹۳۰) و جلد دوم حرف ب (۱۹۳۱) بلافاصله منتشر گردید. آشمارین بدنبال سفرهای متعدد به شهر شکی و جمع آوری مواد مورد نیاز در سال ۱۹۲٦ کتاب ” نگاهی کلی به لهجه مردم شهر شکی“ را منتشر کرد. این کار پایه و اساس مطالعات بعدی در گردآوری و تحقیق لهجه های گوناگون زبان ترکی آذربایجانی

---

[۱] . Firidun Bəy.Köçərli, Azərbaycan Ədəbiyyatı iki cilddə, Bakı, ۲۰۰٥, ۱-ci cild , s.٥۰-٥۱

قرار گرفت. در همان سال ها اثر علمی ای. حسن اف تحت عنوان ''تصریف اسامی در لهجه گنجه'' منتشر گردید.

در سال ۱۹۳۳ با تاسیس شعبه آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در آذربایجان کار مطالعه و اعزام گروه های کاری برای گردآوری و بررسی لهجه های شماخی و قوبا (در سالهای ۱۹۳۳-۱۹۳٤) و لهجه زاقاتالا- قاخ (۱۹۳۵) آغاز گردید. در این سالها کار تحقیق در مورد لهجه آیروم که متکلمان آن در آذربایجان و ارمنستان ساکن بودند زیر نظر زباشناس شهیر بابازاده انجام شروع شد ، لیکن با درگذشت وی این کار ناتمام ماند. در سالهای ۱۹۳۸-۱۹٤۰ کار گردآوری و بررسی لهجه باکو انجام گرفت که نتیجه آن پایان نامه لهجه شناس و زبانشناس شهیر محمد شیرعلی اف تحت عنوان ''لهجه باکو'' بود[۱].

با تاسیس آکادمی علوم جمهوری آذربایجان شوروی در سال ۱۹٤۵ و شعبه لهجه شناسی انستیو زبانشناسی کار تحقیقات و اعزام گروه های علمی برای گردآوری مواد لهجه به این موسسه سپرده شد. نخستین گروه به شهر زاکاتالا و قاخ اعزام شدند که گزارش کارهای آنها در سال ۱۹٤۵ و ۱۹٤۷ منتشر شدند.

از سال ۱۹٤۵ الی ۱۹۵۰ سه موسسه آکادمی علوم ، دانشگاه دولتی آذربایجان و انستیو تربیت مدرس کار مطالعه و بررسی لهجه ها را بطور مستقل ادامه دادند.

انستیتو زبانشناسی آکادمی علوم لهجه های صابرآباد، سالیان و اوغوز را پی گرفتند. نتیجه آن چاپ کتاب '' لهجه های گروه مغان'' بود که در سال ۱۹۵۵ منتشر شد. دانشگاه نیز کار بر روی لهجه های شماخی ، آغسو ، مرزه ، اسماعیللی ، گوی چای را آغاز کرد. دانشگاه تربیت مدرس نیز

---

[۱] .M.Ş.Şirəliyev. Bakı dialekti, Bakı, ۱۹٤۹

لهجه های وارتاشن ، قوتقاشن (در نخجوان) را به عهده گرفت. از سال ۱۹۵۰ الی ۱۹۵٦ کار بررسی لهجه های گروه نخجوان آغاز شد. در پی آن کتاب حجیم " لهجه ها و نیم لهجه های جمهوری خودمختار نخجوان" در سال ۱۹٦۲ منتشر گردید.

در سالهای ۱۹۵٦ الی ۱۹۵۸ گروه های لهجه شناسی انستیتو زبانشناسی لهجه های آغستافا، کازاخ، تووز در جمهوری آذربایجان و مارنئولی در جمهوری گرجستان را مورد پژوهش قرار دادند. حاصل این کارها در کتاب "لهجه ها و نیم لهجه های گروه غربی" منتشر شد. بعدها سایر لهجه های آذربایجانی در جمهوری گرجستان توسط چوبان اف (۱۹۷۳) لهجه منطقه بولنیسی ، توماليشويلی (۱۹۷۸) منطقه قاردابان ، جانکیدزو (۱۹۵۵) منطقه دمانیسی ، مورد پژوهش قرار گرفت.

در سال ۱۹۵۵ لهجه های ترکی آذربایجانی رایج در جمهوری ارمنستان شوروی موضوع تحقیق قرار گرفت و در نتیجه پایان نامه دکتری ولی- اوف (۱۹۵٤) تحت عنوان "لهجه های ترکی آذربایجانی منطقه باسارکئچر" در ایروان منتشر شد. در سالهای بعد علی یف ع. طی مقالاتی پژوهشی لهجه های آذری منطقه مکری (مهری) را مورد مطالعه قرار داد. بعدها .ی.ا. محمد اوف (۱۹۵۷) ویژه گیهای لهجه قاریاکین ، لهجه های منطقه ماسیس ارمنستان و بعدها لهجه منطقه سیسیان مورد بررسی قرار گرفت و منتشر شد[۱].

در طول این سالها کتابهای درسی متعددی برای دانشجویان دانشگاهها و موسسات علمی تدوین شدند. از آنجمله "لهجه شناسی زبان ترکی آذربایجانی-بخش نخست" ۱۹٤۲توسط محمد شیرعلی اف، "لهجه شناسی زبان ترکی آذربایجانی-بخش دوم" ۱۹٤۳ و " لهجه شناسی زبان ترکی آذربایجانی"۱۹۵۸ تالیف آذر حسین اف را میتوان نام برد.

---

[۱]. فهرست این منابع در پایان این کتاب ارائه شده است. م.

در دهه ٦٠ کارتحقیق در مورد لهجه ادامه یافت و جنبه های خاص تر لهجه ها مورد توجه دانشوران قرار گرفت.

در قدم بعدی از سال ۱۹۵۸ کار جمع آوری و بررسی اطلس لهجه های ترکی آذربایجانی مد نظر قرار گرفت. این اطلس ابتدا شامل ۵۰ نقشه لهجه شناسی بود که بعدا کار تکمیلی آن پایان یافته و اطلس لهجه شناسی جمهوری آذربایجان متشکل از ۱۲۰ نقشه تدوین شده است.

پس از آن کار بر روی فرهنگ واژه های لهجه های ترکی آذربایجانی مورد توجه موسسات تحقیقی قرار گرفته که در سال ١٩٦٤ حاصل آن نشر کتاب "فرهنگ واژگان رایج در لهجه های ترکی آذربایجانی " میباشد[1].

تحقیق در مورد لهجه های زبان ترکی آذربایجانی در کشور ترکیه نیز انجام گرفته است. باید اذعان کرد که این کارها از نظر کمی بسیار ناچیز بوده و در حد تعداد انگشتان دست بیشتر نمیباشد. اگرچه بررسی گویش ترکی آذربایجانی پیوسته مورد بررسی و تحقیق ترك شناسان ترکیه بوده است ، ولی تحقیق در مورد لهجه ها گرایشی نو در موسسات علمی این کشور است. نخستین تلاش در این موضوع اثر علمی محرم ارگین به نام "ترکی آذری" است که در سال ۱۹۷۱ منتشر شده است. وی در مقدمه این کتاب مینویسد: "تفاوت میان ترکی آذربایجانی و ترکی عثمانی در شاخه جنوب غربی در واقع تفاوت لهجه ای میباشد. و تفاوت در تلفظ ، آواها ، حالتهای صرف نمیباشد. لهجه های ترکی آذربایجانی از نظر ارزش فولکلوریك به اندازه یك موسسه غنی و پربار است"[2]. محرم

[1] . Şirəliyev.M., ٤٠ ildə Azərbaycan dilçiliyinin inkişafı- Elm ٤٠ ildə,Bakı, AEA, ١٩٦٠

[2] .Prof.Dr.Muharrem Ergin, Azeri Türkçesi, Edebiyat Fakültesi Basımevi, İstanbul,١٩٨١,s.٩

ارگین ضمن نشر اشعار شهریار و نظیره های آن زبان ترکی آذری و لهجه های اشعار را مورد پژوهش قرار میدهد. از کارهای متاخرتر در این زمینه میتوان به تحقیقات فیلیز کرال در مورد لهجه تبریز ، تز دکتری طالب دوغان تحت عنوان " لهجه های اورمیه" سال ۲۰۱۰ در دانشگاه کیریك قلعه ، تز دکتری جهانگیر کارینی تحت عنوان " لهجه های شهر اردبیل" سال ۲۰۰۹ در دانشگاه قاضی، تز دکتری بیلگه خان آتسیز گوگداغ تحت عنوان "لهجه سلماسی – بررسی زبان ترکی آذربایجان جنوبی" ۲۰۰٦ ، تز فوق لیسانس محمد گئجه تحت عنوان "لهجه سراب" ۱۹۸۸ در دانشگاه قاضی ، تز دکتری گلجهان پهلوان تحت عنوان " لهجه ترکی شهربهار در استان همدان" ۲۰۱۲ ، تحقیقات دکتر سلطان تولو در مورد لهجه ترکی خراسانی و مقالات منتشره توسط سایر محققان اشاره کرد. اشکال عمده در بررسیهای لهجه شناسی در کشور ترکیه کم توجهی به زبان معیار ترکی آذربایجانی و توجه بیشتر در بررسی تطبیقی لهجه ها به زبان معیار ترکی استانبولی میباشد. همین امر باعث شده است تا در برخی موارد بحثهای مربوط به دستورزبان تاریخی و لهجه شناسی تاریخی و زبان معاصر درهم آمیزد.

در آلمان ابتدا در دانشگاه کوتینکن مقدم تز دکتری خود را تحت عنوان "گویش وفس و آشتیان و تفرش" را دفاع نمود که در آن به گویش خلجی زبانهای ترکی ایران پرداخته است[۱] . منوچهر امیرپوراهرنجانی تز دکتری " لهجه سلماس" و در سالهای اخیر نیز پایان نامه فارغ التحصیلی ایشیق سونمز در شهر گوتینگن " Untersuchungen zu den Aserbaidschanischen Dialekten von Qaradağ, Mugan, Zäncan" در سال ۱۹۹۸ به بررسی لهجه های مغان قره داغ و زنجان پرداخته است.

[۱] .G. Doerfer, İranda Türkler,- Türk Dili, TDK yayınları, sayı ٤٣١, ۱۹۷۸

در انگلستان توجه به زبان ترکی آذربایجانی از اوایل قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت و مقالات متعددی توسط ولادیمیر مینورسکی در نشریات "مدرسه السنه افریقا و آسیا" منتشر کرد، که مهمتریت آن مربوط به زبان خلجهای ایران میباشد. یکی از کارهای اخیر در اینمورد تز دکتری سومان نوح لی (۱۹۹٦) است ، که خودش اظهار میدارد طی چند سال اقامت در آذربایجان غربی (اورمیه) و گردآوری مواد لازم در دانشگاه ساسکس انگلستان انجام شده است[۱].

تحقیق پیرامون لهجه های زبان ترکی آذربایجانی در ایران که مسکن و ماوای تاریخی آنان است در پیش از انقلاب اسلامی به بوته فراموشی سپرده شده بود. تاکنون در این مورد کار قابل توجهی مشاهده نشده است.

یکی از نخستین کارهای علمی دراین زمینه تحقیق محمد مقدم است که تحت عنوان " گویشهای وفس و آشتیان و تفرش " درمورد لهجه های ترکی این مناطق در سال ۱۳۱۸ در مجله "ایران کوده" منتشر شده است. سلام الله جاوید هم در سال ۱۳٤۳ کتابی در مورد صرف و نحو زبان ترکی آذربایجانی نوشته که در ده صفحه نخست آن به بحث درمورد اصوات پرداخته و نمونه های فرایندهای آوایی را ارائه کرده است. در یك مورد هم در سال ۱۳٤٥ ساختمان افعال زبان ترکی (بدون تفکیك زبان معیار و لهجه) در دانشگاه تهران منتشر شده است[۲]. صمد بهرنگی هم در سه مقاله که برای نقد کتاب "دستور زبان کنونی آذربایجان" تالیف عبدالعلی کارنگ ، " آذربایجان دیلینه مخصوص صرف و نحو" تالیف س.م.جاد (سلام الله جاوید) و مقاله خودش " ماضی و مضارع در زبان کنونی آذربایجان" به مواردی اشاره میکند مثل صرف فعل در ماضی (ایدیم،

---

[۱] . Sooman Noah Lee, A Grammer of Iranian Azerbaijani, A thesis submitted for the degree of PHD in Linguistics, University of Sussex, ۱۹۹٦

[۲] . وزین پور ، نادر (۱۳٤٥) . بررسی صرف افعال در زبان ترکی آذری . رساله دکتری رشته زبان شناسی ، دانشگاه تهران

ایدین//ایدون، ایدی، ایدوخ//ایدیک//ایدیخ، ایدوز، ایدیلر) و س.، که در مقوله لهجه شناسی می گنجند[۱].

در سالهای اخیر مرحوم دکتر بهزاد بهزادی در مجموعه "زبان و ادبیات مردمی " که به صورت ضمیمه به فصلنامه "آذری " منتشر می شد در مقاله ای به بررسی "لهجه آستارا" پرداخته است[۲]. در شماره های بعدی مقالات ـ خراسان تورکلرینین دیلی» به قلم اسماعیل نعمتی پایدار (شماره ۲ ص. ٦۳ و شماره ۳ ص. ٤۳)، مقاله تحقیقی محمدرضا رزاقي در مورد "لهجه زنجان" (شماره ۲۳-۲۲ آذری) نیز کاری درخور تقدیر است. لازم به ذکر است که در همین مجموعه مقالات متعددی به صورت پراکنده و غیرسیستماتیك در مورد واژگان لهجه های مختلف انجام گرفته است. مرحوم حسن گیوی نیز در کتاب " دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی" با توجه به عدم احاطه به زبان معیار نگاهی به لهجه مادری خود یعنی روستای گیوی-خلخال داشته و در کار وی رگه های لهجه خلخالی ناخودآگاه ارائه شده است.

علاوه بر اینها با توجه به علاقه دانش پژوهان جوان ترك ایرانی به زبان بومی خود در سالهای اخیر پایان نامه هایی در مورد بررسی تطبیقی لهجه های گوناگون زبان ترکی آذربایجانی را میتوان مشاهده کرد. جهت اطلاع علاقمندان بخشی از اینکارها در زیر ارائه میگردد:

۱- ایزدی ، محمد سعید (۱۳۸۷) . مطالعه ، بررسی و توصیف زبانشناختی گویش ترکی سنقری .کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه شیراز.

---

[۱]. صمد بهرنگی،مجموعه مقالات،انتشارات شمس،تبریز، ۱۳٤۸، صص.۱۹۷-۲۱۳

[۲]. آذری – ائل دیلی و ادبیاتی ، - آستارادا تورکجه لهجه و شیوه اؤزل لیکلری و یئرلی سؤزلری ، تهران، ۱۳۸۱، ص. ۵۲

۲- ترابی ، محمدعلی (۱۳٦۱) . جنبه های اجتماعی دو زبانگی در آذربایجان (بحثی در زبان شناسی گویشی) . به راهنمایی دکتر علی اشرف صادقی ، رساله دکتری زبان شناسی همگانی ، دانشگاه تهران
۳- جعفری ، محمد علی (۱۳۸۲) . بررسی ساختمان فعل در گویش ترکی رزن . به راهنمایی دکتر سعید عریان ، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
٤- جعفری بنی اردلان ، محمد (۱۳۷٤) . بررسی ساختمان صرفی اجزاء کلام در گویش ترکی بهار (همدان) و مقایسه آن با زبان ترکی آذری . به راهنمایی دکتر مصطفی عاصی ، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
٥- جهاندیده ، حمیدرضا (۱۳۷۷) . بررسی گویش ترکی قشقایی ، راهنما دکتر لطف الله یار محمدی ، کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی ، دانشگاه شیراز
٦- حاجیلو ، تقی (۱۳۸۱) . توصیف جملات ساده ترکی زنجانی بر اساس مدل چیف . کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، دانشگاه شیراز
۷- خلیل زاده ، امیر (۱۳۷۹) . تجزیه و تحلیل فرایندهای واجی در نظام واکه ای گویش سلماس بر اساس نظریه واج شناسی زایشی . به راهنمایی دکتر علی افخمی ، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، دانشگاه تهران
۸- رستگار مندجین ، لیلا (۱۳۸۳) . نظام آوایی ترکی روستای مندجین: رویکردی زایشی و پسا زایشی . پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی زبان شناسی همگانی ،ارائه شده به گروه زبان شناسی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه ازاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۹- رضی نژاد ، محمد (۱۳۸۱) . واجشناسی گویشی ترکی مشکین شهر بر پایه نظریه خود واحد . به راهنمایی دکتر محمود بی جن خان ، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ،دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

۱۰- شریفی بهلولی ، محمد (۱۳۷۶) . بررسی مقابله ای معناشناختی زمانها در انکلیسی و ترکی قشقایی . پایان نامه فارسی ، دانشگاه تهران.
۱۱- شفی زاده ، ثریا (۱۳۸۲) . مقایسه دو گونه ترکی میانه و تبریز از لحاظ آوایی و واژگانی . پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی زبان شناسی همگانی ، ارائه شده به گروه زبان شناسی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه ازاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۲- صادقی نیارکی ، عبدالله (۱۳۷۵) . وندهای تصریفی و اشتقاقی زبان ترکی با تکیه بر گویش نیارکی . به راهنمایی دکتر مصطفی عاصی ، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۳- فتاحی ، ارشد (۱۳۷۵) . مقایسه نظام آوایی گویش تبریز با خلخال . پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی زبان شناسی همگانی ،ارائه شده به گروه زبان شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبائی
۱۴- فرهمند ، احمد (۱۳۸۵)، تفکیک زبان شهرنشینان دشت مغان براساس لایه های اجتماعی و تعیین زبان وجهه دار آذری، راهنما دکتر امید طبیب زاده ، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، دانشگاه بوعلی سینای همدان
۱۵- فیاضی ، علی (۱۳۷۴) ، بررسی گویش ترکی قره بلاغی ، راهنما لطف الله یارمحمدی ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه شیراز.
۱۶- محجوبی ، شهزاد ( ) . بررسی مقایسه ای واژگان در لهجه های ترکی آذری خلخال
۱۷- مرادی ، بهمن (۱۳۸۰)، مقایسه لهجه نقده با لهجه تبریز (دو گونه ترکی آذری)، راهنما دکتر ایران کلباسی، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
۱۸- مرسلوئی ، سیمین (۱۳۸۶)، بررسی شبکه فرایندهای واجی مرتبط با ساختارهای تصریفی فعل در ترکی آذربایجانی گویش میانه، پایان

نامه کارشناسی ارشد رشته ی زبان شناسی همگانی ، ارائه شده به دانشکده ادبیات دانشگاه الزهرا.
۱۹- مظلومی ، علیرضا (۱۳۷۹)، مقایسه آوایی و واژگانی گونه های ترکی چاپپاره و تبریز،راهنما دکتر یدالله ثمره ، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، دانشگاه ازاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۲۰- ناصر مهارلویی ، مهرنگار (۱۳۷۹) . بررسی گویش مهارلویی . راهنما دکتر منصور فهیم ، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، دانشگاه ازاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲۱- وزین پور ، نادر (۱۳٤٥) . بررسی صرف افعال در زبان ترکی آذری . رساله دکتری رشته زبان شناسی ، دانشگاه تهران
۲۲- هاشمی بنی ، رضا (۱۳۷۹) ، توصیف زبان شناختی گویش ترکی بن ، راهنما دکتر سعید کتابی ، کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ، دانشگاه اصفهان.
۲۳-هدایت ندا (۱۳۷٥)، بررسی گویش ترکی بجنوردی – خراسان شمالی (افشاریورد)،راهنما لطف الته یارمحمدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز

پایان نامه های فوق نیز از منظر انتخاب زبان معیار همان مشکلات پایان نامه های تحیق شده در ترکیه را دارند. این پایان نامه ها در انتخاب زبان معیار ترکی آذری و ترکی استانبولی در نوسان هستند. نکته جالب توجه عدم احاطه استادان راهنمای این پایان نامه ها با زبانهای ترکی بطور اعم و زبان معیار و لهجه های ترکی آذری بطور اخص میباشد.

فصل دوم

دسته بندی لهجه های
ترکی آذربایجانی

لهجه ها فرایندی تاریخی هستند که در طی دوران معینی شکل میگیرند. یکی از علل عمده پدید آمدن و گسترش يك لهجه مرکزیت یافتن يك منطقه از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میباشد. برای مثال منطقه شیروان مدتهای طولی مرکزیت حکومتی داشته و یا شهرهای مختلف آذربایجان در زمان های مختلف مرکز سیاسی بشمار میرفتند. به همین سبب در بررسی لهجه های ترکی آذربایجانی باید این نکته را مد نظر قرار داد. همانطوریکه میدانیم مراغه مرکز حکومتی هلاکوییان، خوی مرکز حکومت آق قویونلوها، تبریز مرکز حکومت قراقوینلوها، اردبیل مدتها مرکز حکومت صفویها بوده است. شهرهای قزوین ، همدان ، زنجان ، سلطانیه نیز در ادوار گذشته مرکزیت سیاسی داشته اند. به همین دلیل شکل گیری و گسترش لهجه ی ترکی آذربایجانی در مناطق یاد شده دور از ذهن نمیباشد. اینگونه مکانها حالت تشعشع لهجه ای را دارند.

اصولا لهجه ها در مکان جغرافیایی پیوسته بهم می تواند وجود داشته باشد. اگرچه در بررسی لهجه های ترکی آذربایجانی به جزایر لهجه ای یا وجود لهجه ای خاص به طور منفرد در يك منطقه نیز برمی خوریم. این پدیده بیشتر جنبه فرازبانی دارد و وجود آن لهجه در اثر جابجایی و مهاجرت های اجباری در آن منطقه می باشد. برای نمونه در میان لهجه ترکی آذربایجانی رایج در منطقه قارص ترکیه ” لهجه شهرستان هاناك

نه به لهجه تراکمه و نه به لهجه آذری رایج در منطقه شباهت ندارد. بنا به روایات شفاهی در پی جنگ میان روسیه و عثمانی در سال ۱۸۰۰ به علت کاهش جمعیت منطقه از جنوب منطقه قهرمانماراش ایلاتی را بدانجا کوچاندند. آنان به علت داشتن مذهب علوی با ساکنین محلی پیوند نخوردند و لهجه آنها به صورت جزیره ای در آنها محافظت شد"[۱].

برای دسته بندی لهجه های یك گویش ابتدا باید مواد و استنادات مختلف را از مکانهای گوناگون گردآوری و مشخصات (لهجه ای) دیالکتولوژیکی آنها را معین نمود. هرچه از مرکز یك لهجه دورتر می شویم شعاع حالت های آن لهجه کمتر می شود. به این ترتیب ما حوضه هایی از لهجه های گوناگون را می توانیم بر روی نقشه جغرافیایی یك گویش یا زبان ترسیم کنیم. نیمه لهجه ها یا لهجه های گذار آن گونه لهجه هستند که مشخصات لهجه ای مشابه با دو یا چند میدان لهجه ای را در خود احتوا می کنند. اگر تمام خصوصیات دیالکتولوژیکی چندین نقطه مسکونی با هم انطباق داشته باشند، آنها جغرافیای یك لهجه را تعیین می کنند و بدین ترتیب می توان پراکندگی یك لهجه را بر این مبنا مشخص کرد. نیم لهجه در نقطه تلاقی لهجه پدید می آیند.

دسته بندی لهجه ابتدا بصورت ناحیه ای می باشد. بهمین جهت استفاده از عناصر جغرافیایی در تبیین دسته بندی لهجه امری طبیعی و علمی بشمار می رود. گویش های گوناگون زبان های ترکی برای نخستین بار توسط محمود کاشغری دسته بندی و معین شده اند. وی در فرهنگ "دیوان لغت ترك" خود زبانهای ترکی را با استفاده از نام طوایف کاربر آن گویش ها تقسیم بندی کرد. بر اساس نوشته های کاشغری در قرون اولیه هجری گویش های اوغوزی ، قپچاقی ، چگلی، خاقانی، یماکی ، باشقردی، تاتاری، ختایی، خلجی، چمولی، یغمایی ، اویغوری، تانقوتی، قرقیزی،

---

[۱]. Dr.Leyla Karahan, Anadolu Ağızlarının Sınıflandırılması, TDK, Ankara, ۱۹۹٦, s.٥٥

چاروقی، تانقوتی، باسمیلی، ییقویی، تخسی و سایر گویش های رایج آن دوران بوده اند. همه این اسامی نام طوایف موجود آنروزگار نیز هستند[۱].

بعدها دسته بندی های متفاوتی توسط زباشناسان انجام شد (نام بردن از تمام آن کارها در اینجا اطاله کلام میباشد) که آخرین آنها دسته بندی گرهارد دورفر است. وی و سایرین مبنای جغرافیایی را برای دسته بندی برگزیده و گویش های ترکی را در دسته بندی شمالی ، شمال غربی، جنوبی، جنوب غربی و شرقی تقسیم کردند.

همین فرایند در دسته بندی لهجه های ترکی آذربایجانی نیز طی شده است. از اوایل قرن بیستم لهجه های ترکی آذربایجانی بطور مستمر و علمی مورد بررسی قرار گرفت. زبانشناسان خارجی و عمدتا آذربایجانی نقش اساسی را در گردآوری و تدوین لهجه های مختلف به عهده گرفتند. ابتدا لهجه های کلیدی یعنی لهجه هایی که دارای مرکزیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده اند مورد بررسی قرار گرفتند. بدین ترتیب لهجه های شهرهای گنجه ، باکو، شماخی، قوبا، تبریز ، کازاخ، قره باغ و نخجوان در جمهوری آذربایجان و لهجه های ایروانی ، وارتاشن، باسارگئچر، سیسیان ، کراسناسئل، اینجوان در جمهوری ارمنستان و دمانیسی، بارنائولی در جمهوری گرجستان گردآوری و تدوین شدند.

بعدها کار گردآوری لهجه های ترکی آذربایجانی بر اساس ''برنامه پژوهش و تحقیق پیرامون لهجه ها و زیرلهجه های زبان ترکی آذربایجانی'' که در سال ۱۹۵٦ توسط شیرعلی اف، رستم اف و رمضان اف در آکادمی علوم جمهوری آذربایجان تدوین شد، انجام

---

۱. محمود کاشغری، دیوان لغات الترك، ترجمه دکتر محمدزاده صدیق،اختر، تبریز، ۱۳۸۳، ص.٤۱

گرفت. این راهنما در ٦۰ صفحه متشکل از سه قسمت است: ۱- بخش آوا ، ۲- بخش صرف و ۳- بخش نحو.

در این دفترچه راهنما کلیه حالتهایی را که قبلا توسط زبانشاسان و لهجه نگاران هنگام گردآوری مواد و تطبیق با زبان معیار بدان برخورد کرده اند، به صورت مدون و علمی ترتیب شده است[۱].

بعدها لهجه های زبان ترکی آذربایجانی در جمهوری آذربایجان بصورت جامعتر بر اساس راهنمای گردآوری و بررسی لهجه و کارهای منتشر شده با توجه به ویژگیهای جغرافیایی و تاریخی به چهار گروه تقسیم شدند: ۱- گروه شرقی شامل لهجه شهرهای باکو ، قوبا، شماخی، لنکران و مغان ؛ ۲- گروه غربی شامل لهجه شهرهای گنجه ، قره باغ ، کازاخ و نیم لهجه آیروم ؛ ۳- گروه شمالی شامل لهجه شهرهای شکی ، زاکاتالا و قاخ ؛ ٤- گروه جنوبی شامل لهجه شهرهای نخجوان ، اردوباد، تبریز و ایروان.
ویژگیهای متمایز کننده این گروه ها عبارتند از:

۱- گرو شرقی:

۱- تبدیل آ(a) به ائ (e) تحت تاثیر صامت ی مانند : قئیسی g**e**ysi (برگه زردآلو)، قئیماق q**e**ymaq (خامه)، قئییش q**e**yiş (کمربند)، قئینانا q**e**ynana (مادرزن)

۲- تبدیل آ(a) به او(o) در هجای نخست واژه هایی با دو صامت لبی مانند: بورماق b**o**rmaq (انگشت)، پوپاق p**o**paq (کلاه)، بوجا b**o**ca (سوراخ) ، بوبا b**o**ba (پدر).

---

[۱].Azərbaycan dili dialekt və şivələrinin monoqrafik tədqiqinə aid proqram, AEA nəşriyyatı, Bakı, ۱۹٥٦

۳- تبدیل مصوت او (o) به اوُ (u) در هجای نخست واژه ها مانند: قوُشوُن q**u**şun (قشون)، اوُدوُن **u**dun (هیزم)، دوُداغ d**u**dağ (لب)، اوُردا **u**rda (درآنجا) ،

٤- تبدیل مصوت اؤ(ö) به اوٚ(ü) در هجای نخست واژه ها مانند: اوٚکوٚز **ü**küz (گاومیش)، چوٚرك ç**ü**rək (نان).

٥- وجود صامت (ن) غنه ای.

٦- لبی شدن واکه (مصوت) پس از واکه کامی در پسوندهای تصریفی مانند: آتون at**un**//آتوُن at**o**n (پدرت)، باجوُن bac**un** (خواهرت)، آلدوُن ald**un** (خریدی)، گلدوُن gəld**ün** (آمدی).

٧- تلفظ صامت (گ) در میان دو مصوت مانند: دوٚگی dü**gi** (برنج)، دگیرمان də**gi**rman (آسیاب)، سؤگوٚد sö**g**üd (سرو)، ایگید i**g**id (دلاور) ، دوٚگمه dü**gm**ə (دگمه).

٨- موقعیت ضعیف و غیرملفوظ مصوت (و-v) در میان واژه مانند: او:چی **o:**çi (شکارچی)، دو:شان d**o:**şan (خرگوش)، بیزو: (گوساله) biz**o:** ، یو:شان y**o:**şan (نوعی علف). در این مثالها در اثر تاثیر حذف مصوت (و) صامت (او) کشیده تلفظ میشود.

٩- عدم رعایت هماهنگی مصوتها (مصوتهای ستبر و مصوتهای نرم در پی هم) در برخی از واژه ها مانند: قاراچی qar**açi** (کولی)، قئیتان q**e**yt**a**n (بند)، آلئیدیم **ale**yd**im** (میخریدم)، اوخیدی **o**x**idi** (خواند).

١٠- پسوندهای چهار حالته در این گروه دو حالته (لبی) هستند و در اکثر موارد مصوتهای کامی جای خود را به مصوتهای لبی میدهند. مانند: یاتدوُخ yatd**u**x (خوابیدیم)، آتدوُخ atd**u**z (انداختیم)، أکدوٚن əkd**ün** (کاشتی)، آلیبدوُ alıbd**u** (گرفته است)، گلیبدوٚ gəlibd**ü** (آمده است).

١١- در تصریف زمان حال از پسوند خاص زبانهای گروه قیپچاقی استفاده میشود. مانند: یازادوُ yaz**addu** (مینویسد) ، گئددوٚ ged**əddü** (میرود). در زبان معیار یازیرyazır و گئدیر gedir گفته میشود.

١٢- در زمان آینده غیرقطعی اول شخص پسوند –مان، -من و دوم شخص پسوند –مار ، -مر بکار میرود. مانند: آلمانام al**man**am

(نخواهم خرید)، آلمارسۆز al**mar**suz (نخواهی خرید)، قاچمارسان qaç**mar**san (فرارنخواهی کرد)، قاچمارسان (فرار نخواهی کرد)، گلمنم gəl**mən**əm (نخواهم آمد)، گلمرسۆز gəl**mər**süz (نخواهی آمد).

۱۳- استفاده از پسوندهای چهارگانه -ubən,-ünən,-ubəni,-übəni,- –ıbannarı,-ibənnəri,-ubannarı,-übənnəri عمدتا در لهجه شهر قوبا مانند: یازۇبنی yaz**ubəni** (نویسان)، گیدۆبن gid**übən** (رفته)، دۇرۇبن dur**ubən** (برخاسته)، اوخویباننارى ox**ibannarı** (خوانده).

۲- گروه غربی:

۱- تبدیل صامت أ (ə) به آ (a) در هجای نخست و برخی واژه های دخیل مانند : خاوار xav**a**r (خاور)، ایدارا idar**a** (اداره)، تاصدیق t**a**sdiq (تصدیق)، حئیدار heyd**a**r (حیدر).

۲- تبدیل مصوت ای (i) با مصوت ای (ı) در هجای نخست و هجای آخر واژه مانند: ایشیق **ı**şiq (نور)، سیچان s**ı**çan (موش)، غیریات q**ı**ryat (غیرت)، قییمات q**ı**ymat (قیمت)، بیلدیر b**ı**ldır (سال گذشته)، بیلدیرچین b**ı**ldırçın (بلدرچین).

۳- استفاده از مصوتهای لبی در هماهنگی آوایی مانند: گۆرمۆیۆف görm**ü**y**ü**f (ندیده است)، گۆرسۆیدۆ görs**ü**yd**ü** (اگر میدید)، اوتدۇیۇردۇ otd**u**y**u**rd**u** (علف میچرید).

٤- استفاده گسترده از صامت (ڹ) غنه مانند: مانا ma**ń**a (به من) ، سانا sa**ń**a (به تو).

٥- تبدیل صامت ب (b) به و (v) b>v در میانه و انتهای واژه های تك هجایی مانند: چووان ço**v**an (چوپان)، قاواق qa**v**aq (جلو)، باوا ba**v**a (پدر)، قاو qa**v** (ظرف)، دیو di**v** (ته)، جیو ci**v** (جیب).

٦- تبدیل صامت ج به ژ c>j در میانه و انتهای واژه های تك هجایی مانند: باژی ba**j**i (خواهر)، قوژا qo**j**a (پیر)، باژا ba**j**a (سوراخ)،

آژ **aj** (گرسنه)، گئدژم gedə**j**əm (میروم)، آلاژام alajam (خواهم خرید).

۷- ناطنین شدن شدن همخوانها در انتهای واژه مانند : بوشقاپ boşqa**p** (بشقاب)، پاپاخ papa**x** (کلاه)، آلماخ alma**x** (خریدن)، ایلیک` ili**ķ** (مغزاستخوان)، گلمك` gəlmə**ķ** (آمدن)، آغاش ağa**ş** (شاخه).

۸- ابدال صدای ب در انتهای واژه به صدای ف b>f مانند: کیتاف kita**f** (کتاب)، گلیف gəli**f** (آمده است)، آلیف alı**f** (گرفته است).

۹- ابدال همخوان و>ی (v>y) در میانه و انتهای واژه مانند: اویچو o**y**çu(شکارچی)، دویشان do**y**şan (خرگوش)، بۇزوی buzo**y** (گوساله).

۱۰- حذف همخوانهای (ی-y) و (ه-h) در هجاهای بسته ابتدای واژه مانند: اۇماخ umax (شستن)، اۇرد urd (کاشانه)، اۇخاری uxarı (بالا)، ایشقیرماق işqırmqq (سکسکه کردن)، اؤرمك örmək (بافتن).

۱۱- استفاده از عنصر (ی-y) قبل از پسوند حالت مفعولی در واژه های مختوم به صامت مانند: قاپیی qapı**y**ı (در را)، قۇزۇیۇ quzu**y**u (گوسفند را)، سۆرۆیۆ sürü**y**ü (گله را)، کیشییی kişi**y**i (مرد را). کلیه این حالتها در زبان معیار با عنصر (ن) گفته میشود: قاپینی qapı**n**ı، قۇزۇنۇ quzu**n**u، سۆرۆنۆ sürü**n**ü، کیشینی kişi**n**i .

۱۲- استفاده از عنصر (ی-y) در پسوند حالت مالکیت دوم شخص مفرد در اسامی مانند: بۇرنۇیۇن burnu**y**un (دماغت)، اۆتۆیۆن ütü**y**ün (اوتویت)، آتییین atı**y**ın (اسبت). در زبان معیار بۇرنۇنۇن burnunun، اۆتۆنۆن ütünün ، آتینین atının گفته می شود.

۱۳- استفاده از پسوند منسوخ –راخ ، -رخ برای بیان صفت تفضیلی مانند: اۇزۇنراخ uzun**rax** (درازتر)، گؤهنه رك` köhnə**rəķ** (کهنه تر)، جیندیرراخ cındı**rax** (مندرس تر).

۱۴- استفاده از پسوندهای –er, -e:r, -or,-ōr, -ör, -ö:r برای بیان زمان حال مانند: آلئر al**er**//آلئـ:ر al**e:r** (میخرد)، گلئرgəl**er**

//گلئـ:ر g**ə**l**e:r** (می آید)، قوُرور qur**ur**//قوُرو:ر qur**u:r** (سرهم میکند)، گؤرؤر gör**ür**//گؤرؤ:ر gör**ü:r** (می بیند). این حالتها در لهجه کازاخ بیشتر ملاحظه میشود.

۱۵- حالت منفی در وجه التزامی و توانایـی با پسوند –آمما ،-أمما ساخته میشود مانند: یازاممادی yaz**amma**dı (نتوانست بنویسد) ، اۆزممدی üz**əmmə**di (نتوانست شنا کند).

۱٦- برخی از واژه های خاص این گروه عبارتند از قارقی دالی qarqıdalı (ذرت)، مهروا məhrəva(دستمال).

۳- گروه شمالی:

۱- تبدیل صامت أ (ə) به ائـ (e) در هجای نخست واژه مانند: ائیلش **e**yləş (بفرما بنشین)، دئییرمان d**e**yirman (آسیاب)، تئزه t**e**zə (تازه)، مئن m**e**n (من) ، سئن s**e**n(تو).

۲- تبدیل صامت (ف) با صامت (پ) در واژه های دخیل مانند: قیپیل qı**p**ıl (قفل)، پهله **p**əhlə (کارگر)، تئلپوُن tel**p**um (تلفن)، پوُندوُخ **p**undux (فندق).

۳- استفاده از واژه های خاص برای بیان ضمیر اشاره سوم شخص مانند: هابوُ habu//هوبوُ hobu (این)، هبئله həbelə (اینطور) ، هوُ hu//هو ho (او)، هوننار honar (آنها)، هوُندا honda (در آن).

٤- استفاده از ضمیرشخصی درحالت مفعول بیواسط (سمت حرکت) در اول شخص و دوم شخص علاوه بر پسوند – ما: و –سا: از پسوند خاص –ماغا ma**ğa**- (به من) و ساغا sa**ğa**- (به تو) در لهجه قاخ و زاکاتالا استفاده میشود.

٥- استفاده از پسوند –ایف،-ایف به همراه پسوند –ایتدی و ایتدی در سوم شخص ماضی نقلی مانند: قاچیف qaç**ıf**//قاچیتدی qaç**ıtdı** (گریخته است)، گزیف qəz**if**//گزیتدی gəz**itdi** (گردش کرده است).

۶- در برخی موارد استفاده از فرم قدیمی نحوی برای بیان زمان حال مشاهده میشود مانند: گله دوُروُر gələ **durur** (می آید) ، باخادوُروُر bax**a durur** (نگاه میکند).

۷- در ترکیبات نوع دوم در اکثر موارد پسوند حالت منسوبیت حذف میشود. مانند: گؤزآغری göz ağrı (دردچشم)، آیاق قاب ayaq qab (پاپوش)، باش آغری baş ağrı (سر درد). این گونه ترکیبها در زبان معیار به صورت گؤزآغریسی göz ağrısı ، آقاق قابی ayaq qabı و باش آغریسی baş ağrısı میباشند.

۸- حرف ربط جدا کننده یا در مفهوم منفی بکار میرود. مانند: یا یازیر، یا اوخییر ya yazır, ya oxuır (نه می نویسد ،نه میخواند). این حالت در زبان معیار با استفاده از کلمه ربط نه ساخته میشود.

۴- گروه جنوبی:

۱- صدای أ (ə) بازتر تلفظ میشود. مانند:أ و(خانه) **ə**v، بَ نه bənə (پس چی).

۲- مصوت های خیشومی (ù, ĩ ,į , ũ, ë,ã) استفاده میشوند. مانند: جیبیآ cibı**ã** (در جیبش)، ده دآ dəd**ä** (به پدرش)، أوی یٚ əvı**ĩ** (به خانه اش)، ألیٚ əl**į** (به دستش)، آغیزی ۆ ağzı**ũ** (دهانش را).

۳- تبدیل آوای آ (a) به أ (ə) در هجاهای نخست واژه. مانند: قره qərə (سیاه)، بغ bəğ(باغ)، قییش qəyiş(کمربند)، أیاخ əyax(پا)، قیقناخ qeyqənax (گاچی)،قمچی qəmçi(شلاق)،یخه y**ə**x**ə**(یقه).

۴- تبدیل آوای أ (e) به ائـ (ə) مانند: چشمه ç**ə**şmə(چشمه)، سوگی s**ə**vgi(عشق) ، پنیر p**ə**nir(پنیر)، دییل d**ə**yil(نیست). این واژه ها در زبان معیار çeşmə sevgi, penir, deyil, تلفظ میشوند.

۵- تبدیل آوای ای (i) به مصوت اۆ (ü) مانند: شکۆل şək**ü**l (عکس)، بـۆلـۆر bül**ü**r (میداند)، بـۆلدۆر b**ü**ldür (سال قبل).

۶- تبدیل آوای او(o) به آ (a) مانند: آو **a**v(شکار)، آوچی **a**vçı (شکارچی)، داوشان d**a**vşan(خرگوش)، پیلاو pil**a**v(پلو)، جیلاو cil**a**v (افسار).

۷- تبدیل آوای اؤ(ö) به أ (ə) مانند: أولات əvlat(اولاد)، توله təvlə (طویله)، بیتو bitəv (کامل). در اینجا در اثر تاثیر همخوان و (v) این حالت رخ میدهد.

۸- همخوان ك در ابتدای واژه با هجای بسته ائـ (e) تبدیل به گ میشود. مانند: گئچی **g**eçi (بز)، گئشدی **g**eşdi(رد شد)، گئشنیش **g**eşniş (کشنیز).

۹- تبدیل ك (k) به چ (ç) و گ (g) به ج (c) مانند: چوچه **ç**üçə (کوچه)، چیچیك` **ç**içiķ (کوچك)،چئچی **ç**eçi(بز)، جل **c**əl(بیا)، جئجه **c**ecə (شب)، جئتدی **c**etdi(رفت).

۱۰- تبدیل صدای خ (x) به ه (h) درابتدای واژه.مانند:هئرمان **h**erman (خرمن)، هوروز **h**orus (خروس)، هورك` **h**orəķ (خوراك). این خصوصیت در لهجه اردوباد مشاهده میشود.

۱۱- تبدیل صدای چ (ç) به تس (ts) در ابتدای واژه ها مانند: تسای **ts**ay (چای)، تسادیر**ts**adır (چادر) ، تسیمیریك`**ts**imiriķ (نیشکان). این حالت در لهجه اردوباد و مرند مشاهده میشود.

۱۲- عدم همانگی مصوتها در پاره ای از پسوندها. مانند: بئشلیخ b**e**ş**lıx** (پنج تومنی)، أکینچیلیخ əkinç**ilıx**(کشاورزی)، گلماخ gəlm**a**x (آمدن)، گلدیخدا gəldıxda (هنگام آمدن)، ایچمیشیخ içm**işıx** (نوشیده ایم).

۱۳- در زمان حال ساده علاوه بر پسوند زبان معیار از پسوندهای –ایی iy،-ایو io، -ایری iri نیز استفاده میشود. مانند:گلیی gəl**iy** (میاید)، گئدیو ged**io**(میرود) ، سئویری sev**iri**(دوست دارد).

۱۴- ساخت زمان حال ساده در افعال منتهی به مصوت با پسوند – ر-r- . مانند: تانیر tanır(میشناسد)، اوخور oxur(میخواند). در زبان معیار گفته میشود تانییر tanıyır، اوخویورoxuyur.

۱۵- دوم شخص زمان آینده غیرمعین به عوض –آجاق ، -أجك با پسوند –آس ، أس ساخته میشود. مانند: تؤتاسسان tut**as**san (خواهی گرفت)، گلسسن gələ**ss**ən (خواهی آمد)، اوتؤراسسان otur**as**san (خواهی نشست).

۱٦- واژه های خاص این لهجه مکه məkə (ذرت)، زیر zir (نعلبکی)، مله فه mələfə (ملافه) ، مؤو möv (تاک انگور)، تلیس təlis (کیسه)

علاوه بر دسته بندی فوق رسول رستم اوف در سال ۱۹۵۳ در "برنامه آموزشی لهجه های آذربایجان" لهجه های ترکی آذربایجانی را به چهار گروه بدین شرح تقسیم می کند: "۱- شمالی: نوخا، قوتقاشن، زاقاتالا؛ ۲- شرقی: باکو، شماخی، قوبا، سالیان و لنکران؛ ۳- غربی: قازاخ، آیروم، گنجه، قراباغ ؛٤- جنوبی: نخجوان، اردوباد، تبریز و اردبیل.

حسین اوف (۱۹۵۸) تقسیم بندیهای فوق را ابتدا نمی پذیرد و مدعی است که لهجه های ترکی آذربایجانی را باید به دو گروه متمایز کرد: گروه اول لهجه هایی که در آنها عناصر زبان قیپچاقی وجود دارد که شامل لهجه های گروه شمالی و شرقی میشوند و گروه دوم لهجه هایی که فاقد عناصر زبان قیپچاقی هستند که شامل لهجه های غربی و جنوبی میشوند. این تقسیم بندی دارای عنصر علمی میباشد، لیکن جامعیت نمیتواند داشته باشد. وی بعدها ازین نظرش عدول (۱۹۷۹) و لهجه های ترکی آذربایجانی را شامل سه گروه شرقی، غربی و جنوبی تقسیم بندی کرد.

آخرین تقسیم بندی لهجه های ترکی آذربایجانی دسته بندی پیشنهادی توسط زباشناسان و لهجه شناس شهیر جمهوری آذربایجان پروفسور البروس عزیزوف می باشد. وی در کتاب جامع "لهجه شناسی تاریخی زبان ترکی آذربایجانی" لهجه های این زبان را به سه دسته بدین ترتیب تقسیم می کند: "۱- **لهجه جنوبی**: این لهجه مناطق آذربایجان جنوبی ،

نخجوان و بخشی از مناطق لنکران را شامل میشود. گروه جنوب شامل لهجه های ۱-تبریز؛ ۲-اردبیل؛ ۳-لنکران؛٤ -اورمیه ؛ ٤- نخجوان است . ۲- **لهجه غرب** (لهجه های میانه): این لهجه مناطق میان رود ارس و رود کر، مناطق غرب و جنوب غرب آذربایجان (قزاخ، گنجه، قراباغ، داشکسن، گده بی، کلبه جر، لاچین) و برخی مناطق رود کر (بورچالی، مارنه اولی ، بولنیسی، دمانیسی) را شامل میشود. گروه غرب شامل سه گروه لهجه های ۱- قراباغ ؛ ۲- قزاخ-بورچالی؛ ۳- آیروم (که در مناطق شامل داشکسن، گده بی، کلبه جر گسترده است) می باشد. ۳- **گروه شمال شرق** : این لهجه در مناطق شمال شرق ساحل دریای خزر و قسمت غربی آن (دربند، قوبا، شماخی، سالیان) پراکنده است. گروه شمال شرق شامل سه گروه لهجه های ۱- شماخی ؛ ۲- قوبا ؛ ۳- دربند است. علاوه بر اینها گروه های گذار و یا گروه های آمیخته را نیز میتوان در این مناطق مشاهده کرد"[۱].

اینها رئوس کلی و جنبه های متفاوت لهجه های ترکی آذربایجانی است که در جغرافیای آذربایجان شناسایی و مدون شده اند[۲]. باید توجه داشت که استفاده از اصطلاح جغرافیایی لزوما موقعیت جغرافیایی لهجه را تبیین نمی کند.

در عین حال برخی از لهجه های ترکی آذربایجانی را نمی توان بطور اخص در یکی از این گروه ها قرار داد. برای مثال لهجه ترکی آذربایجانی آستاراخان و برخی نقاط جمهوری داغستان روسیه و ترکی آذربایجانی رایج در جمهوری گرجستان از این نمونه هستند. سومان نوح لی که تز دکترایش را در دانشگاه ساسکس انگلستان در مورد زبان

---

[۱] . Elburus Əzizov, Azərbaycan dilinin tarixi dialektologiyası, Bakı, ۱۹۹۹, s. ۲۸۹

[۲] .Şiraliyev M.,Dialekti i qovori azerbaydjanskovo yazika, Bakı,۱۹۸۳ -Şirəliyev.M.Çazərbaycan dialektologiyasının əsasları, Bakı,۱۹٦۲

ترکی آذربایجانی ایران دفاع کرده است ، معتقد است که برای دسته بندی گروه چهارگانه باید لهجه های ترکی آذری کرکوک عراق و جوار را باید تحت عنوان "گروه پنجم" داخل کرد[۱].

از طرف دیگر لهجه های ترکی آذربایجانی مناطق میانه ایران (اطراف اراك) و اطراف همدان نیز ویژه گیهای خاص خود را دارند که لزوما همه آنها در گروه چهارم (لهجه های جنوبی از نظر زبانشناسی) قرار نمیگیرند. علت این امر نیز جدایی و دوری لهجه از پهنه سیاسی-جغرافیایی زبان ترکی آذربایجانی میباشد که باعث شده جنبه های خاص تحولات دیالکتولوژیك در آنها بروز کند.

دسته بندی لهجه ها در ایران

ایران یکی از مناطق بکر و دست نخورده لهجه های ترکی آذربایجانی بشمار میرود. به نظر گرهارد دورفر که عمری را در بررسی زبانهای ترکی در ایران صرف کرده است ، ایران "به لحاظ مطالعات تورکولوژی" از سایر کشورهای جهان پراهمیت تر میباشد[۲]". از طرف دیگر جهانگیر کارینی (۲۰۰۹) با اشاره به عقیده مارسلینی که " اطلاق نامهای متفاوت (به یک زبان) در یک سیستم و دادن نام واحد (به یک زبان) در سیستم های متفاوت به معنای تکه پاره کردن آنست و به همین لحاظ معتقد است که نامیدن زبان بخشی از ایرانیان تحت عناوین متفاوت آذری ، ترکی آذری ، ترکی آذربایجانی، آذربایجانی بطور تصنعی مشکلات عدیده ای را پیش روی لهجه های زبان ترکی در ایران مینهد. زیر به جز ترکمن ها همگی ترکان ایران خود را ترک مینامند و زبانشان

---

[۱] Sooman Noah Lee A Grammer of Iranian Azerbaijani University of Sussex ۱۹۹۶ p. ۱۴

[۲]. به مقاله گرهارد دورفر "ترکان در ایران" مراجعه شود. در اینترنت قابل دسترسی میباشد.م

نیز ترکی (تورکی ، تورکو) نامیده میشود[1]. از طرف دیگر استفاده از آذری[2] بعنوان لهجه ای قدیمی از زبان فارسی مسئله را پیچیده میکند.
تلاش برای دسته بندی لهجه های ترکی آذربایجانی رایج در ایران نیز انجام گرفته است. یکی از این تلاشها متعلق به آکوپ دیل آچار زبان شناس ترکیه می باشد . وی لهجه ترکی آذربایجانی را به دو دسته ؛ لهجه آذری شمالی و لهجه آذری جنوبی تقسیم می کند. براساس دسته بندی وی لهجه های شمالی شامل پنج گروه میباشند. براساس تقسیم بندی او گروه شرقی شامل لهجه قوبا، دربند ، باکو، شماخی ، سالیان، مغان و لنکران؛ گروه غربی شامل لهجه های قزاخ، بورچالی، قراباغ (شوشا) و گنجه؛ گروه شمالی شامل لهجه های زاقاتالا-قاخ ، مغان، قوتقاشن و شکی ؛ گروه جنوبی شامل لهجه های ایروان، نخجوان، اردوباد و قراچاچاخ و نهایت گروه گذار (میانی) شامل لهجه های گویچای، جبراییل و آغداش است. در دسته لهجه های آذری جنوبی که شامل اراضی ایران می شود وی لهجه های موجود را به ۹ گروه جغرافیایی به شرح زیر دسته بندی کرده است:

۱- مرکزی : تبریز ، مراغه ، ترکمنچای.
۲- شمالی: مرند ، اهر.
۳- شمال غربی: خوی ، ماکو.
٤- شمال شرقی: بجروان ، بکرآباد.
٥- شرقی: اردبیل ، خلخال.
٦- جنوب شرقی: زنجان.
۷- جنوبی: سقز، سایین دژ(سایین قلعه).

---

[1]. جهانگیر کارینی ، لهجه اردبیل (۲۰۰۹) ، ص. ۱۳
[2]. در واقعیت زبانشناسی لهجه ای به نام آذری که منسوب به منطقه جغرافیایی خاصی باشد وجود ندارد و تنها پس از ابداع این اصطلاح توسط احمد کسروی از طرف غیرزبانشناسان و پاره ای زبانشناسان ایدولوگ مورد استفاده قرار گرفته است. زیرا لهجه در وحله اول بصورت شفاهی بکار میرود و منطقه ای در ایران که این لهجه درآن بکار رود و توسط کاربرانش اینگونه نامیده شود وجود ندارد.م.

۸- جنوب غربی: سردشت، سویوقبلاغ(مهاباد کنونی).
۹- غربی: اورمیه، سلماس[۱].

البته دیل آچار اطلاعات بیشتری در مورد چگونکی این دسته بندی و استناد علمی آنها ارائه نکرده است. اگرچه از جنبه نظری با توجه به بررسی های شخصی اینجانب دسته بندی وی چندان دور از واقعیت نیست ، لیکن نیاز به مطالعات میدانی گسترده و جامع میباشد.

منوچهر امیرپور" لهجه شهر شاپور(سلماس) آذربایجان" در مقدمه تز دکترایش که در کشور آلمان نوشته است ، لهجه های ترکی آذربایجانی را به ۱۰ گروه به شرح زیر تقسیم می کند:

۱- گروه غربی: شامل لهجه های قزاخ ، آیروم و بورچالی
۲- گروه شمالی: شامل لهجه های زاقاتالا، نوخا و قوتقاشن
۳- گروه جنوبی: شامل لهجه های ایروان، نخجوان و اردوباد
٤-گروه مرکزی: شامل لهجه های گنجه و شوشا (در قراباغ)
۵- گروه شرقی: شامل لهجه های دربند، قوبا، شماخی، باکو،سالیان و لنکران
٦- گروه آناتولی شرقی: شامل لهجه ارزروم
۷- گروه لهجه های قشقایی و عینالی
۸- گروه لهجه های شمال عراق
۹- گروه لهجه تبریز
۱۰- لهجه های اطراف دریاچه رضاییه (اورمیه)[۲]

با توجه به دانش امروز درمورد لهجه های ترکی آذربایجانی ایران ملاحظه میشود ، که تقسیم بندی منوچهر امیرپور چندان جامع و کامل

---

۱ . A.Dilaçar. Dil, Diller ve Dilçilik. Ankara, ۱۹٦۸, s. ۹۱

۲ . Amirpur A.M. Der azerbaidschanische dialekt von Schapur, Klaus Schvard Verlag, ۱۹۷۱, p. ۹-۱۰

نمیباشد و لهجه های دیگری مثل لهجه مراغه ، لهجه های خمسه و یا لهجه های همدان و اطراف آن در اینجا منعکس نمیباشند. در تقسیم بندی امیرپور گنجاندن لهجه های ترکی آذری مناطق شرقی آناتوطی و شمال عراق ، گستره این لهجه ها را نشان میدهد، که سایرین کمتر به آن توجه داشته اند.

محرم محمدوف استاد دانشگاه باکو که تز دکترایش را به تحقیق لهجه تبریز اختصاص داده است ، لهجه های ترکی آذری در ایران را به این شرح دسته بندی کرده است. وی می نویسد : " در بخش جنوبی آذربایجان زبان ترکی آذربایجانی دارای لهجه های متفاوتی است که آنها را میتوان به شرح زیر دسته بندی کرد:"[۱] و در ادامه دسته بندی دیل آچار را تکرار میکند.

دسته بندی دیگر متعلق به بیوك رسول اوغلو است که در سال ۱۹۹٦ طی مقاله ای منتشر و اعلام داشته است که این دسته بندی بر اساس ملاحظات میدانی و بر مبنای ۱- مشخصات آوایی، ۲- ویژگیهای جغرافیایی مناطق و ۳- قواعد زبانی (۱-قواعد کلی و۲- هماهنگی اصوات) میباشد. بیوك رسول اوغلو لهجه های ترکی آذربایجانی در ایران را به نه گروه به شرح تصویر مقابل دسته بندی کرده است.

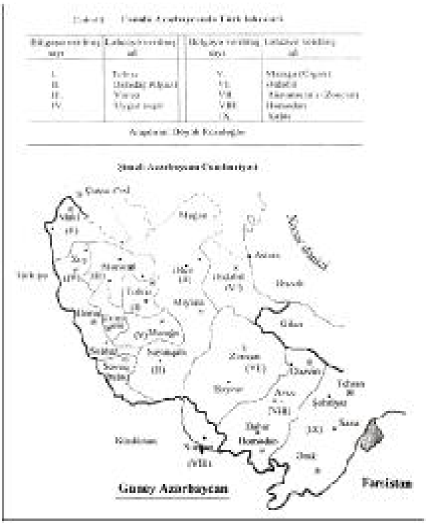
تلاشهای وی قابل تقدیر است. لیکن بررسی ها و استانادات اعلام شده بدور از ملاحظات علمی میباشد و با درنظر گرفتن تخصص مشارالیه که مهندسی زمین شناسی می باشد مطالب قابل اغماز و تقدیر می باشد. برای مثال ایشان بیان داشته که در دسته بندی به تمیز و درست بودن لهجه ، قدیمی و بومی بودن لهجه و مهاجر نبودن کاربران ، ارتباط لهجه با طوایف ، دور بودن و یا نزدیك بودن به مناطق فارسی زبان، تفاوت

---

[۱] . M.Ə., Məmmədov, Azərbaycan Şivəelərində Qədim Mənsubiyyət və Şəxs Formaları,

میان لهجه های شهرها و روستاها، مقایسه آنها با لهجه های جمهوری آذربایجان، استفاده و یا حذف بعضی ازحروف در ابتدای واژه ها توجه داشته است. همانطوریکه ملاحظه می شود این موارد جنبه های عمده برای دسته بندی نمی باشند ، لیکن باید اینگونه ملاحظات را در دسته بندی در کنار اصول علمی و ضروری آن مد نظر قرار داد.

۱- لهجه تبریز.
۲- لهجه قره داغ.
۳- لهجه یامچی.
٤- لهجه اویغور-افشار.
۵- لهجه مراغه.
٦- لهجه اردبیل.
۷- لهجه زنجان.
۸- لهجه همدان.
۹- لهجه خلج.



همانطوریکه در نقشه مشاهده میشود پهنه گسترش لهجه ها شامل شهرها و روستاهای زیر است:

۱- **لهجه تبریز** شامل شهرهای اسکو ، خسروشهر و آذرشهر و روستاها و بخشهای تابعه از جمله شامل مناطق مسکونی دامنه شمالی سهند و روستاهای جناح غربی مهرانرود واسمنج ، حربی، بره، لیقوان، اسپارخان، خلعت توکن میباشد. ویژگی عمده آن عدم رعایت هماهنگی اصوات است برای مثال میآیم را در تبریز gələcağam تلفظ میکنند. در اسپاراخان با حذف صامت (ر) برادر را قیشدش qəydəş ، رحیم را

یحیم Yəhim ، میآیم را گلییم gəliyəm و در حربی و بره میآیم را گلسوخ gəlsox میگویند. لهجه شهر تبریز طبق گفته رسول اوغلو تا چندی قبل به سه منطقه زیر تقسیم میشد، که در اثر مهاجرت های بعدی امروزه کمتر به چشم می خورد:

- شمال غربی شامل محله های یئنی شام غازان، حکمآباد، منجم و قاراقاج.
- دوچی ، امره قیز، لیلاوا و خطیب.
- ششکلان، باغ مشه، خیابان،مارالان و مناطق مرکزی.

۲- **لهجه قره باغ** شامل جناح شرقی مهرانرود از روستای دیزه تا دامنه شرقی کوه سهند تا متنق ، ایراناق ، سیسان، سراسکند ، مراغه ، صایین قلعه، بستان آباد، میانه، سراب،قره داغ ، اهر ، خیوه ، مغان ، سپس بصورت کریدوری در ساحل رود ارس جلفا ، قرقشلاق، بیجان، عربلر، نازیك ، مرکنلر، قاراقوینلو، مرگیت ، قایقاچ و سپس قره عینی تا حوالی ارومیه ادامه دارد. از ویژگیهای این لهجه رعایت قانون هماهنگی اصوات است. در برخی از روستاها حرف (خ) وجود ندارد و با حرف (ه) جایگزین میشود یعنی هورما (خرما) و هانیم (خانم) گفته میشود. در ابتدای واژه هاییکه با ر شروع میشوند مصوت (ای) اضافه میشود مانند ایرحیم (رحیم).

- **لهجه یامچی** شامل شهر مرند ، صوفیان، یامچی، شبستر، خامنه، دیزج خلیل، دریان، شانجان، گمیچی تا شمال دریاچه اورمیه شامل زنوز، گلین قایا، علمدار، گرگر، یکان ، ایواوغلو و آقچای است. این لهجه با لهجه اردوباد و نخجوان نزدیکی دارد. در اینجا قبلمه qəbləmə (قابلمه)، قپق qəpəq (در)، قردش qərdəş (برادر) رایج است. تلفظ کشیده افعال نه مثل تبریز کشیده و نه مثل قره داغ کوتاه است ، بلکه بینابینی میباشد. در صوفیان و اطراف به عوض گلیبدی (آمده است) و وورروبدو(زده است) میگویند گلیددی gəliddi ، وورروددوvuruddu. جالب اینجاست که در

لهجه سلماس که به لهجه اورمیه مربوط است نیز این حالت دیده میشود. لهجه روستای قپچاق که در این تقسیم بندی داخل است ویژگیهای کاملا مجزایی دارد.

- **لهجه اویغور-افشار** شامل ساوجبلاق (مهاباد فعلی) ، سولدوز و از طریق اورمو-سلماس-خوی تا مرز ترکیه گسترده است. در این لهجه از عنصر (ی) در دوم شخص مفرد و جمع حالت منسوبیت استفاده می شود؛ آتايين atayın (پدرت) و آتاییزین atayızın (پدرتان). در جغرافیای این لهجه مابین اورمیه و سلماس در دشت قوشچو لهجه روستای قره باغ خاصی و حالت جزیره را دارد. این لهجه به لهجه گروه غربی جمهوری آذربایجان نزدیکتر است. در روستای یین کنکرالیسی صدای مرکب (نك) هنوز حفظ شده است . برای مثال در اینجا و اطراف آن میگویند گلیرنك gəlirəng (می آیی)، قالیرانك qalırang (می مانی). شواهد این لهجه را در روستاهای قاراحسنلی، زینالی، یورقانلی، بالوو، گجین، ولینده، قلعه، تورپاق قلعه، قاراقاج میتوان مشاهده کرد.

- **لهجه مراغه** شامل دامنه جنوبی کوه سهند تا حدود سراسکند شهر میاندواب، صایین قلعه تا بناب ، ملکان ، عجب شیر و آذرشهر میباشد. در این لهجه صدای (ر) بسیار ضعیف تا تبدیل به (ی) تلفظ میشود. مثلا گلییم gəliyəm (می آیم) ، آیا aya (میان)، سایی sayi (زرد)، قییه qeye (سیاه) میگویند. در تصریف افعال هماهنگی اصوات رعایت نمیشود و قالاجم qalacem (میمانم)، گلجم gelecem (میایم).

- **لهجه اردبیل** شامل شهر اردبیل، نمین، خلخال، آستارا و انزلی و بخشهایی از طوالش میباشد. شبیه لهجه یاردیملی جمهوری آذربایجان است. ویژگی این لهجه استفاده از پسوند –یو برای زمان حال ساده است.

- لهجه زنجان شامل شهر زنجان ، هیدج ، سلطانیه، خدابنده ، قروه و سنقر است. منطقه وسیعی را تا ماه نشان و کوزه کنان و تا دامنه های قزقلعه سی را دربر میگیرد. در این لهجه کلمات واضح است و عدم هماهنگی اصوات کمتر دیده میشود. هرچه به سمت همدان و قزوین نزدیکتر میشویم شاهد حذف س در ضمیر متصله دوم شخص مفرد میشویم.

- **لهجه همدان** از ابهر و تاکستان، قزوین و دامنه های الموت بسمت جنوب اشتهارد، بویین زهرا، آوج ، بهار و اسدآباد و مناطق بین آنها را در بر میگیرد. بجز شهر همدان و شهر قزوین اکثر روستاها و منطق تابعه در این لهجه می کنجند. در این لهجه تبدیل صامت آ به صامت ائـ a>e بارز است و می گویند بئهار ، نئهار. در این لهجه از ادات سئوال پسوند –می استفاده می شود.

- **لهجه خلج** شامل منطقه بزرگی از جنوب تهران ، شهریار، کرج، تا ساوه ، قم ، سلفجان . اراك و خمین را دربر میگیرد. این لهجه به لهجه ترکهای خراسان نزدیك می باشد[1].

لازم به ذکر است که با توجه به اینکه دسته بندی فوق فاقد صراحت علمی و مبنای زبانشناسی است، لیکن جزو تلاشهای اندك در ایران برای بررسی لهجه ها و دسته بندی آنها بشمار میرود.

دسته بندی دیل آچار و رسول اوغلو شباهت هایی بهم دارد. اگرچه می دانیم که زبانشناس دیل آچار هیچگاه به این مناطق سفر نکرده است ، به روشنی از مستندات و دلایل وی برای دسته بندیش اطلاعی نداریم.

---

[1]. در ساحه ترك شناسی معاصر گویش خلجی یك گویش مجزا از سایرین تقسیم بندی شده و مورد قبول برخی از زبانشناسان قرار گرفته است. این تقسیم بندی مربوط به دورفر آلمانی است (ف.ر.ع.).

بهرحال وی زبانشاسی حاذق بود و بدون رجوعات علمی مطلبی را بیان نمی کرد. از جانب دیگر رسول اوغلو به مناسبت کارش به کلیه این مناطق سفر کرده و مطالب وی حاصل مشاهدات و یاداشت برداری های وی است. لیکن با توجه به اینکه مطالب ارائه شده پراکنده و فاقد ضوابط و روشهای موجود متدلوژی علمی می باشد نمی تواند بطور قطع و یقین مورد استناد قرار گیرد.

فصل سوم

روشهای بررسی لهجه های
ترکی آذربایجانی

برای دسته بندی دقیق لهجه های زبان ترکی آذربایجانی در ایران ابتدا باید لهجه های عمده مورد پژوهش قرار گیرند. لهجه های مناطق بزرگ و عمده مانند تبریز، اردبیل، مراغه، اورمیه، زنجان، خوی در وحله نخست بدلیل قدمت و مرکزیت آنها در ادوار گذشته بررسی شوند. سپس لهجه شهرهای کوچکتر مانند مرند، شبستر، سلماس، ساوجبلاق، سنقر، میانه، میاندواب و سایر با توجه به لهجه های شهرهای بزرگتر مورد تحلیل قرار گیرند. تیم های اعزامی باید گروه های منفرد لهجه ای را در مناطق مختلف شناسایی و بطور مجزا پژوهش نمایند. در نهایت با توجه به این دستاوردها امکان دسته بندی علمی لهجه های ترکی آذربایجانی میسر می گردد.

در صفحات گذشته در مورد دسته بندی لهجه های ترکی آذربایجانی در جمهوری آذربایجان مطالبی اظهار شد. مشاهدات مولف این کتاب نشان می دهد که دسته بندی مزبور را نمی توان عینا به لهجه های موجود در ایران تطبیق داد. اگرچه استفاده از تجربیات علمی و دستاوردهای آنها منبعی بینظیر برای فعالیت های دیالکتولوژیك بحساب می آید. یکی از منابع بی بدلیل برای پژوهش لهجه ترکی آذربایجانی کتابچه راهنمای گردآوری مواد و متون لهجه میباشد که در سال ۱۹۵٦ توسط آکادمی علوم جمهوری آذربایجان تدوین شده است. ما در پایان این کتاب برای

راهنمایی علاقمندان متن کامل این راهنما را منتشر خواهیم کرد. یکی دیگر از منابع غنی مورد نیاز ”راهنمای گردآوری مواد لهجه ها برای تدوین اطلس لهجه شناسی “ است.

برای گردآوری نمونه لهجه ها و تحلیل آنها باید از یك نظام واحد استفاده کرد. این نظام واحد همانا زبان معیار می باشد. کلیه ویژگی های آوایی ، صرفی ، نحوی و لغوی لهجه ها باید در مقایسه با زبان معیار مورد بررسی قرار گیرند. عدول از این نظام ما را از هدف دور کرده و با انبوهی از اطلاعات پیچیده سردر گم خواهد کرد.

دلیل اصرار ما بر وقوف کامل به زبان معیار و استفاده از آن در بررسی لهجه شناسی زبان ترکی آذربایجانی در این است که ، تمایز عمده میان گویش های مختلف زبان ترکی تبلور خود را در حالات مختلف معیار زبانها و لهجه های ترکی نشان می دهد. یك ویژگی در یکی از زبانهای معیار می تواند در زبان معیار دیگری موجود نبوده و صرفا در لهجه های آن وجود داشته باشد. برای نمونه در بحث آواشناسی زبان های ترکی مبحثی تحت عنوان آسیمیلاسیون (همگونی) وجود دارد. یعنی اینکه صدایی به صدای بعد از خود و یا قبل از خود تاثیر کرده آنرا به صورت خود تبدیل می کند. مثلا در ترکی آذربایجانی همگونی "دل." به "دد." (dl>dd) یك پدیده آواشناسی است مانند : دادلی که میشود داددی dadlı>daddı، ساوادلی میشود ساواددی savadlı>savaddı ، یا در لهجه ترکی آذربایجانی همگونی نل به ن ن nl> nn وجود دارد. حالا این را مقایسه کنیم با حالت جمع در گویش قزاقی (جمهوری قزاقستان) که در آن علامت جمع «دار » dar است و یا در گویش تاتاری علامت جمع نار nar است. هرگاه واژه ای به حرف د در قزاقی و یا ن در تاتاری ختم شود و بخواهیم آنها را جمع کنیم حالت همگونی زبان ترکی آذربایجانی پیش می آید. تفاوت میان زبانها و گویشها و لهجه ها در

خانواده زبانهای ترکی شباهت های بسیار نزدیکی دارد که می تواند باعث سردرگمی گردد.

با توجه به مطلب فوق تنها راه گردآوری و بررسی لهجه های زبان ترکی آذربایجانی مقایسه آن با زبان معیار ترکی آذربایجانی و یا به تعبیر دیگر زبان ادبی است.

یکی دیگر از روشهای عملی برای پژوهش در مورد لهجه های ترکی آذربایجانی انتخاب واژه های کلیدی میباشد. بدین ترتیب که با انتخاب یکسری واژه توسط متخصص زبانشناس معادل آنها را در مناطق مختلف گردآوری کرده ، بدین ترتیب حیطه جغرافیایی يك لهجه (از بعد واژگانی) را مشخص می نماییم. برای مثال واژه پشه در مناطق مختلف به شکل متفاوت بکار می رود در تبریز پشه را میغ-میغ ، در اردبیل هؤنی ودر جاهای دیگر آغجاقانات و همینطور هویج در تبریز کؤك ، در خلخال هاووچ ، در خوی کئشیر و در مرند یئرکؤکی گفته می شود. بدین ترتیب با تنظیم واژه های کلیدی می توان جغرافیای يك لهجه را تعیین کرد.

در تبین لهجه های ترکی آذربایجانی در ایران استفاده از علامت دوم شخص مفرد در تصریف افعال دارای اهمیت است. برای مثال در منطقه خمسه (استان زنجان فعلی) و بخش های وسیعی از استان قزوین علامت دوم شخص جمع با سایر مناطق متفاوت است. از این منظر لهجه ها را بدو گروه تقسیم میکنیم : گروه اول که همخوان «س» در دوم شخص مفرد وجود دارد مثل گلیرسن ، باخیرسان و گروه دوم که فاقد همخوان «س» هستند مثل گلیرن (تو می آیی» و باخیران (تو نگاه می کنی).

نکته دیگر استفاده از عنصر «ن» در بعضی مناطق و یا عنصر «ی» در سایر مناطق است. بدین ترتیب از دید عمومی لهجه ها را بدو دسته

میتوان تقسیم کرد. در حال حاضر با توجه به فقدان تحقیقات علمی در لهجه های ترکی آذربایجانی نیازی به دسته بندی آنها در این مرحله وجود ندارد و فعلا باید تمرکز بر شناسایی لهجه ها بطور جداگانه و مستقل میباشد.

رادیو تلویزیونهای محلی وسیله ای برای مشاهده حالات لهجه هستند. زیرا تمامی کانالهای محلی با توجه به عدم آشنایی به زبان معیار و یا عدم آموزش متصدیان ارتباطی ناخودآگاه از لهجه های فردی خود استفاده میکنند.

فصل چهارم

آواشناسی لهجه های
ترکی آذربایجانی

یکی از جنبه های متمایز کننده لهجه های ترکی آذربایجانی از زبان معیار یا زبان استاندارد تفاوتهای آواهایی است. اصولا در گویش های مختلف زبان ترکی آذربایجانی نیز گونه گونی آوایی بیشتر از سایر بخشهای گرامری به چشم میخورد. علت وجود پدیده های گوناگون در آواشناسی زبان ترکی آذربایجانی در این است که در زبان شفاهی گویشور به راحت بودن بیان کلمات میل دارد. بدین جهت با توجه به بافت اندام زبان و ترکیب صداها و ساخت صداها سخنور سریعترین و راحترین راه را برای بیان کلمه انتخاب میکند. به همین جهت در مبحث آواشناسی لهجه ها در مقایسه با زبان معیار به حالتهایی میتوان برخورد که در زبان معیار وجود ندارند و یا بسیار ضعیف هستند و صرفا در زبان معیار شفاهی ممکن است دیده شوند. تفاوت در مبحث آواشناختی نیز نسبت به سایر مباحث دستوری و لغوی بیشتر است.

در آواهای زبان ترکی آذربایجانی به حالتهایی برمیخوریم که در زبان معیار وجود ندارند. این مباحث عبارتند از:

- در لهجه ها و زیر لهجه های ترکی آذربایجانی صامت (ن) خیشومی وجود دارد.
- در لهجه ها و نیم لهجه های ترکی آذربایجانی صامت بین دندانی (ز) وجود دارد.

- در لهجه ها و زیرلهجه های ترکی آذربایجانی صامت مرکب (دز) وجود دارد.
- در لهجه ها و زیرلهجه های ترکی آذربایجانی صامت (تس) وجود دارد.
- در لهجه ها و زیرلهجه های ترکی آذربایجانی صامت (ك`) وجود دارد.
- درلهجه ها و زیرلهجه های ترکی آذربایجانی واکه کشیده و کوتاه وجود دارد.
- در لهجه ها و زیرلهجه های ترکی آذربایجانی در اغلب قانون مواقع هماهنگی مصوتها رعایت نمیشود.
- در لهجه ها و زیرلهجه های ترکی آذربایجانی واکه ها و همخوانها به یکدیگر تبدیل میشوند.
- در لهجه ها و زیرلهجه های ترکی آذربایجانی فرایندهای آوایی مثل همگونی (آسیمیلاسیون) ، ناهمگونی (دیسیمیلاسیون) ، قلب (متاتئزا) ، حذف ، اضافه شدن ، جابجایی آواها (اینورسیون) و سایر رایج است.

واکه های لهجه های ترکی آذربایجانی

در زبان معیار ترکی آذربایجانی تعداد واکه ها نه عدد است که بر اساس سه معیار تقسیم بندی میشوند : اول بر حسب محل شکل گیری یا حالت افقی زبان که واکه بدو گروه **پیشین** شامل i- ü- ö- ə و **پسین** شامل واکه های a- o- u- ı- میشوند. زبانشناسان ازجمله آقاموسی آخوندوف e را بینابینی میدانند و در هیچ دسته وارد نمی کنند. دوم بر اساس نوع شکل گیری و یا حالت شاقولی زبان که واکه ها بدو گروه **بسته** شامل واکه های i- ü- ı- u و گروه **باز** شامل واکه های ə- ö- a- o میشوند. واکه e دراینجا نیز خارج از آن قرار میگیرد. معیار سوم بنا به

اشتراک لبهاست ، که در اینجا نیز واکه ها بدو گروه **لبی** شامل - -ü- ö u- o و گروه **غیرلبی** شامل i- ə- ı- a- e میشوند[١].

بررسی واکه های موجود در لهجه های ترکی آذربایجانی نشان میدهد که این واکه ها از نظر کمیت و کیفیت نسبت به واکه های موجود در زبان معیار متفاوت هستند. در زبان معیار ترکی همه آنها کوتاه هستند ، اما در لهجه های ترکی آذربایجانی واکه ها نسبت به کوتاه و کشیده بودن با واکه های معیار تفاوت دارند. اگر در آنجا تنها یك نوع واکه کوتاه داریم ، در لهجه ها واکه کشیده نیز موجود است. قبل از بررسی بیشتر باید بدانیم که دو نوع واکه کشیده در زبانهای ترکی وجود دارد: ١- واکه های کشیده نخستین؛ ٢- واکه های کشیده ثانوی. واکه های کشیده ثانوی در کلیه لهجه های زبان ترکی آذربایجانی وجود دارد و وقوع آن در نتیجه حذف یك صامت در بین دو واج میباشد. واکه کشیده نخستین ابتدا به ساکن وجود دارد و میتواند مفهوم واژه را نیز تغییر دهد.

در برخی از زبانهای معیار ترکی مانند زبان ترکمنی، ساری اویغوری، یاکوتی، توفارلاری، تووینی .و قاراقالپاقی واکه های کوتاه و کشیده وجود دارد. لیکن در زبان ترکی آذربایجانی واکه کشیده مشاهده نمیشود. البته برخی از زبانشناسان معتقدند که رگه هایی از حالت کشیده بودن نخستین در برخی واژه ها دیده میشود. مانند : **قا:**دین (زن)، **آ:**ری (درد)، **گؤ:**مؤر (ذغال)، او:خور در لهجه برخی از روستاهای شهر قوبا[٢] و **کؤ:**ل ، **چؤ:**ل ، **دؤ:**رت، **گا:**خ در لهجه ترکی آذربایجانی

---

١ . Aqamusa Axundov, Azərbaycan dilinin fonetikası, Bakı,١٩٨٤,s.١٩-٢٣

٢ .R.A.Rustəmov, Quba Dialekti, Bakı, ١٩٦١, s.١٥

دمانیسی در گرجستان[1]. لیکن به نظر پروفسور شیرعلی اف این پدیده بعدا وارد زبان ترکی آذربایجانی شده است.
درمورد واکه های کشیده نخستین در لهجه های ترکی آذربایجانی ایران اطلاعات کمی در دست است. در تحقیقات کووالسکی در مورد لهجه عینالو وی سه واکه :a(آ:) ،e:، (ائـ:) . :i(ای:) را معرفی میکند. مانند: وا:ر va:r (هست)، گـا:ل ga:l(بمان)، آ:تلو a:tlu (سوارکار)،یا:غ ya:ğ (روغن)، یا:ن ya:n (طرف)، بـا:ش ba:ş (سر)، وئـ:ر ve:r (بده)، دؤ:ز du:z (نمك) (کووالسکی ۱۹۳۷).

در لهجه قشقایی شش واکه کشیده آ: ، ای: ، او: ، اؤ: ، اؤ: ، اۆ: در مثالهای آ:ی a:y (ماه)، دیـ:ش di:ş (دندان) ، خـو:ن xu:n (خان)[2].

لیگئتی (Ligeti) معتقد است که وجود واکه های کشیده نخستین در لهجه افشاری نتیجه تاثیر زبان فارسی است(لیگئتی ۱۹۵۷، ص.۱۲٦).

به نظر دورفر در زبان خلجی واکه های ”کوتاه، نیم کشیده و کشیده نخستین“ وجود دارد(دورفر ۱۹۷۱ ،ص.۲٦۰).

واکه های کشیده

علاوه بر حالت کشیده نخستین شکل دیگر کشیده شدن واکه ها که به آن حالت ثانوی میگویند در لهجه های ترکی آذربایجانی مشاهده میشود. حالت ثانوی در دو صورت به وجود میاید: ۱- در اثر افتادن صامت در بین دو واج ؛ ۲- در واژه های دخیل فارسی و عربی. کشیده شدن تلفظ واکه ها در اثر حذف صامت در بین دو واج به صورت زیر در لهجه های ترکی آذربایجانی وقوع میابد.

---

[1] .Сравнительно-исорическая грамматика тюркских языков- фонетика, наука,۱۹۸٤,с.۲۸

[2] Сравнительно-исорическая грамматика тюркских языков- фонетика, наука,۱۹۸٤,с.۲۹

واکه کشیده آ:

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (ن) دو واکه بیاید و صامت ن حذف شود واکه قبلی (آ) کشیده تلفظ میشود. مانند: ها:سی(کدام) h**a:**sı < هانسی ، ما:آ(به من) m**a:** <مانا ، سا: (به تو) s**a:** <سانا ، یا:ندا (در کنارش) y**a:**nda <یانیندا، تا:ری(خدا) t**a:**ri <تانری

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (غ) دو واکه بیاید و صامت غ حذف شود واکه قبلی (آ) کشیده تلفظ میشود. مانند: چا: (نوزاد) ç**a:** < چاغا، آششا: (پایین) aşş**a:** < آشاغی ، چا:رماخ (صدازدن) ç**a:**max < چاغیرماق، آ:ش (درخت) **a:**ş <آغاج، کا:ز(کاغذ) k**a:**z <کاغاز ، با:ری (قلبش) b**a:**rı < باغری، آ:ری (درد) a:**r**ı <آغری.

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (ه) دو واکه بیاید و صامت ه حذف شود واکه قبلی (آ) کشیده تلفظ میشود. مانند: د:ا (هم) d**a:** < داها ، شا:سئون (طایفه شاهسون) ş**a:**sevən < شاهسئون ، ایبرا:م(ابراهیم) İbr**a:**m < ایبراهیم.

- در کلمات دخیل عربی واکه آ قبل از صامت (ع) با حذف آن کشیده تلفظ میشود: **آ:**لیم (دانشمند) **a:**lim <عالیم ، سا**:**ت (ساعت) s**a:**t > ساعات ، ما**:**وین (معاون) m**a:**vin <ماعاوین.

- در کلمات دخیل فارسی و عربی واکه آ قبل از صامت (ح) با حذف آن کشیده تلفظ میشود: مصلا:ت (مصلحت) məsla:t < مصلاحات ، ص:ت (صحت) sa:t <صحت.

- در برخی کلمات دخیل فارسی و عربی واکه آ کشیده تلفظ میشود. خصوصا در کلمات هموفون یعنی واژه هاییکه تلفظ مشابه و مفهوم متفاوت دارند : آ:لمانی (اهل آلمان) **A:**lmanı و آلمانی **a**lmanı (سیب را).

واکه کشیده او:

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (و) دو واکه بیاید و صامت و حذف شود واکه قبلی (او) کشیده تلفظ میشود. مانند: قو:رما (قورمه) q**o:**urma <قووؤرما ، حو:ض(حوض) h**o:**uz < حووؤض.

- در صورتی که در میانه و انتهای واژه صامت (و) حذف شود واکه (او) قبل از آن کشیده تلفظ میشود. مانند: او:چی (شکارچی) **o:**çi < اووچی ، قو:ماق (فراری دادن) q**o:**maq < قووماق ، او:ماق (ماساژ دادن) **o:**maq <اووماق ، بیزو: (گوساله) biz**o:** < بیزوو.

- در صورت حذف صامت (ن) واکه (او) قبل از آن کشیده تلفظ میشود. مانند: سؤ:را(بعدا) s**o:**ra < سونرا ، قو:شی (همسایه) q**o:**şi < قونشی ، دو: ؤز(خوك) d**o:**uz < دونؤز.

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (ی) دو واکه بیاید و صامت ی حذف شود واکه قبلی (او) کشیده تلفظ میشود. مانند: تو:خ t**o:**x (مرغ) < تویؤخ ، سو:خ s**o:**x (سرد) < سویؤخ.

- زمانیکه سئوالی با ادات (نه) شروع شود و واژه بعدی با صامت (او) شروع شود ، دو جزء پیوسته تلفظ شده و با حذف واکه أ واکه او کشیده تلفظ میشود.مانند: نو:لور n**o:**lur (چه میشود) < نه اولور؟، نو:لسون b**o:**lsun (که چی) <نه اولسون.

واکه کشیده اؤ:

- واکه (اؤ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (ن) کشیده تلفظ میشود. مانند: اؤ:ن **u:**n (مال او) < اونؤن ، بؤ:ن b**u:**n (مال این) < بؤنؤن.

- واکه (اوُ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (و) کشیده تلفظ میشود. مانند: قوُلاقـوُ:ز (گوشتان) qulaq**u:z** > قوُلاقوُووُز ، باشوُ:ز (سرتان) baş**u:z** > باشوُووُز.

- در کلمات دخیل عربی واکه اوُ کشیده تلفظ میشود: عیفو:نت if**u:**nət (عفونت)، جو:د c**u:**d (جهود)

واکه کشیده ایٔ:

- کشیده تلفظ شدن واکه (ı) بسیار کمتر از سایر واکه ها است, لیکن تحت شرایط زیر در لهجه های ترکی آذربایجانی به آن برمیخوریم:

- در صورت حذف صامت (ن) واکه قبل آن کشیده تلفظ میشود. مانند: یئریـ:زین yerı:zın (جای تان) < یئرینیزین

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (غ) دو واکه بیاید و صامت غ حذف شود واکه قبلی (ایـ̆) کشیده تلفظ میشود. مانند: ییـ:ماغ y**ı:**mağ (جمع کردن) < ییغماق ، ییـ:ردی y**ı:**rdı (گرد میآورد) <ییغیردی.

واکه کشیده أ:

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (ن) دو واکه بیاید و صامت ن حذف شود واکه قبلی (أ) کشیده تلفظ میشود. مانند: د:ز d**ə:**z (دریا) < دنیز، م:م (منم) m**ə:**m <منم، م: (به من) **mə:** <منه .

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (ی) دو واکه بیاید و صامت ی حذف شود واکه قبلی (أ) کشیده تلفظ میشود. مانند: ب:م b**ə:**m (مگر) < بیم ، د:رمان d**ə:**man (آسیاب) < دییرمان، ح:ط h**ə:**t (حیاط) < حیط، ل:ن l**ə:**n (لگن) < لین، ب:نمك b**ə:**nmək (پسندیدن) < بینمك.

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (ق) دو واکه بیاید و صامت ق حذف شود واکه قبلی (أ) کشیده تلفظ میشود. مانند: د:قه **də:**qə (دقیقه) > دقیقه ، اوق:ر oq**ə:**r (آنقدر) > اوقدر.

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (ح) دو واکه بیاید و صامت ح حذف شود واکه قبلی (أ) کشیده تلفظ میشود. مانند: و:شی v**ə:**şi (وحشی) > وحشی ، ز:مت z**ə:**mət (زحمت) >زحمت ، س:ر s**ə:**r (سحر) > سحر.

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (ه) دو واکه بیاید و صامت ه حذف شود واکه قبلی (أ) کشیده تلفظ میشود. مانند: ش:ر ş**ə:**r (شهر) > شهر ، ت:ر t**ə:**r (طور) > تهر ، ك:ر k**ə:**r (زخم) > کهر.

- در کلمات دخیل عربی واکه أ قبل از صامت (ع) با حذف آن کشیده تلفظ میشود: م:نا m**ə:**na (معنا) >معنا، م:لوم m**ə:**lum (معلوم) > معلوم ، ن:ره n**ə:**rə (نعره) >نعره.

واکه کشیده ائـ:

- در صورتی که در قبل و بعد از صامت (ی) دو واکه بیاید و صامت ی حذف شود واکه قبلی (ائـ) کشیده تلفظ میشود. مانند: یئـ:ن- یئـ:ن **ye:**n- y**e:**n (تندتند) > یئیین-یئیین ، دئـ:ر d**e:**r (میگوید) > دئییر ، ایشلئــ:ر işl**e:**r (کار میکند) > ایشلئییر، یئمئـ:م yem**e:**m (خورد و خوراکم) > یئمییم ، چئـ:نماخ ç**e:**nəmax (جویدن) >چئینماق.

- واژه هاییکه حرف آخر آن مصوت است هرگاه کلمه بعدی با مصوت شروع شود واکه ائـ کشیده تلفظ میشود: نئـ:لدین n**e:**lədin (چه کردی؟) >نه ائلدین، نئـ:لیرسن n**e:**lirsən (چه میکنی) > نه ائله ییرسن.

- در کلمات دخیل فارسی و عربی واکه ائـ قبل از صامت (ع) با حذف آن کشیده تلفظ میشود: شئـ:ر **şe:r** (شعر) < شعیر، ائـ:تیبار **e:**tibar (اعتبار) < اعتیبار، ائـ:تیراض **e:**tiraz (اعتراض) < اعتیراض.

- در کلمات دخیل فارسی و عربی واکه ائـ قبل از صامت (ه) با حذف آن کشیده تلفظ میشود: مئـ:مان m**e:**man (مهمان)<مئهمان ، مئـ:ریبان m**e:**riban (مهربان) <مئهریبان، تئـ:ران T**e:**ran (تهران) <تئهران.

- در کلمات دخیل فارسی و عربی واکه ائـ قبل از صامت (ح) با حذف آن کشیده تلفظ میشود: ائـ:تیرام **e:**tiran (احترام) <ائحتیرام، ائـ:تییاج **e:**tiyac (احتیاج) <ائحتییاج.

واکه کشیده ایـ:

- در صورت حذف شدن صامت ی در بن و یا ریشه کلمه واکه ایـ قبل از آن کشیده تلفظ میشود : ایـ:رمی **i:**rmi (بیست) <اییرمی ، ساخلیـ:ر saxl**i:**r (نگه میدارد) < ساخلییر، قاوزیـ:ر qavz**i:**r (کشیده میکند) < قاوزییر، باشدیـ:ر başd**i:**r (شروع میکند) < باشلییر ، نئیلیـ:م neyl**i:**m (چه کنم) <نئیلییم ، ایـ:نه **i:**nə (سوزن) < ایینه.

- در صورت حذف شدن صامت ن در بن و یا ریشه کلمه واکه ایـ قبل از آن کشیده تلفظ میشود: نبیـ:ن Nəb**i:**n (مال نبی) < نبی نین.

- در صورت حذف شدن صامت ل در بن و یا ریشه کلمه واکه ایـ قبل از آن کشیده تلفظ میشود: بیـ:سن b**i:**sən (اگر بدانی) < بیلسن.

- در صورت حذف شدن صامت ر در بن و یا ریشه کلمه واکه ایـ قبل از آن کشیده تلفظ میشود: بیـ:ی b**i:**i (یکی) < بیری ، ویـ:ان v**i:**an (ویران) < ویران.

- در برخی کلمات دخیل فارسی و عربی واکه ایـ کشیده تلفظ میشود: زیـ:نت Z**i:**nət (زینت)، نیـ:زه n**i:**zə (نیزه).

واکه کشیده اؤ:

- واکه (اؤ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (ی) کشیده تلفظ میشود. مانند: گؤ:چك g**ö:**çək (زیبا)< گؤیچك، کؤ:نك k**ö:**nək (پیراهن)<کؤینك ، بؤ:ك b**ö:**k (بزرگ، بیوك)< بؤیـۆك ، سؤ:د s**ö:**d (سپیدار)< سؤیـۆد.

- واکه (اؤ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (گ) کشیده تلفظ میشود. مانند: اؤ:د **ö:**d (نصیحت)<اؤگـۆد ، دؤ:ر d**ö:**r (میزند) < دؤگـۆر.

- واکه (اؤ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (ن) کشیده تلفظ میشود. مانند: گؤ:لـۆم g**ö:**lüm (دلم) <گؤنلـۆم.

- واکه (اؤ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (ر) کشیده تلفظ میشود. مانند: گؤ:رم g**ö:**rəm (میبینم)<گؤرۆرم.

- واکه (اؤ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (ه) کشیده تلفظ میشود. مانند: کؤ:نه k**ö:**nə (فرسوده)< کؤهنه.

- در صورتی که در میانه و انتهای واژه صامت (و) حذف شود واکه (اؤ) قبل از آن کشیده تلفظ میشود. مانند: کؤ:شن k**ö:**şən (خانه) < کؤوشن ، دؤ:ران d**ö:**ran (زمانه)< دؤوران ، دؤ:لت d**ö:**lət (دولت) < دؤولت ، تؤ:له t**ö:**lə (طویله)< تؤوله ، بـۆتؤ: büt**ö:** (کل،همه) بوتؤو.

- در کلمات دخیل عربی واکه اؤ کشیده تلفظ میشود: عؤ:مـۆر **ö:**mür (عمر) ، عؤ:ریان **ö:**ryan (عریان).

واکه کشیده اۆ:

- واکه (اۆ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (ی) کشیده تلفظ میشود. مانند: یـۆ:ردۆم y**ü:**rdüm (میشستم) <یـۆیـۆردۆم ، گـۆ:م g**ü:**m (تنگ) <گـۆیـۆم

- واکه (اۆ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (ن) کشیده تلفظ میشود. مانند: سؤزۆ:ز söz**ü:**z (حرفتان)<سؤزۆنـۆز ، اؤزۆ:ز öz**ü:**z (خودتان)<اؤزۆنـۆز.

- واکه (اۆ) در میانه واژه در صورت حذف صامت (و) کشیده تلفظ میشود. مانند: ألـۆ:ز əl**ü:**z (دستتان)<ألـۆوۆز (تبریز لهجه سینده).

واکه های کوتاه

در لهجه های زبان ترکی آذربایجانی عمداتا واکه های بسته (ı , i , u , ü) میتوانند کوتاه تلفظ شوند. حالت کوتاه تلفظ شدن واکه ها را در تمامی لهجه ها مشاهده میکنیم. واکه ها در وضعیت زیر کوتاه تلفظ میشوند:

- کوتاه بودن ناشی از تکیه بر نبودن هجای اول. لازم به ذکر است که در زبان معیار ترکی آذربایجانی تکیه پیوسته در آخرین هجای کلمه میباشد.پس: ۱- در واژه دو هجایی در هجای نخست واکه کوتاه میشود؛ ۲- پس از پریدن تکیه از آخرین هجا به پسوند واکه هجای قبلی کوتاه میشود.
- کوتاه شدن واکه بسته به همخوانهای قبل و بعد مربوط میشود. یعنی واکه کوتاه ۱- مابین دو همخوان انسدادی[1] (ل-م-ن-پ –و- ن غنه)؛

---

[1]. این همخوانها را در ترکی آذربایجانی سونور مینامند. م.

۲- مابین همخوان ی و همخوان انسدادی ؛ ۳-مابین همخوان انسدادی و زنگدار[۱] (ب-و-ر-غ-د-ت-ی-گ-ج)؛ ٤- مابین همخوان انسدادی و بدون زنگ [۲] (پ-ف-ت-س-ش-ك-چ-خ-ه) و نهایت ٥- مابین همخوانهای بدون زنگ وقوع میبابد. مانند نمونه هاي زير:

واکـهٔ کوتاه ای(ĭ)- پیـˇچاخ **pĭ**çax (چاقو) ،آتیـˇنیز at**ĭ**nız(اسبتان) ، بیـˇغدا b**ĭ**ğda(گندم) ، قیـˇفیل q**ĭ**fıl(قفل) ، قیـˇراخ q**ĭ**rax(کنار) ، بیـˇراخ b**ĭ**rax(رهاکن) ، قیـˇشدا q**ĭ**şda(در زمستان) ، بیـˇنیز b**ĭ**nız (شاخ) ، دیـˇبیر d**ĭ**bır (بزغاله)، آییـˇیا ay**ĭ**ya (به خرس)، قارپیـˇز qarp**ĭ**z (هندوانه) ، خالیـˇیا xal**ĭ**ya (به خاله).

واکـهٔ کوتاه ایˇ(ĭ)- کیـˇشی k**ĭ**şi (مرد)، پیـˇشیك p**ĭ**şik (گربه)، تیـˇشی t**ĭ**şi (ماده)، پیـˇچین p**ĭ**çin (کشت)، کیـˇشمیش k**ĭ**şmiş (کشمش)، یئر یـˇمیز yer**ĭ**miz (زمین ما)، تیـˇکان t**ĭ**kan (خار)، گلد یـˇلر gəld**ĭ**lər (آمدند)، یئییـˇریخ yey**ĭ**riz (میخوریم).

واکـهٔ کوتاه اوُˇ(ŭ) – بوُˇلاخ b**ŭ**lax (چشمه) چوُˇخا ç**ŭ**xa (بالاپوش)، دوُˇفار d**ŭ**far (دیوار)، بوُˇزوی b**ŭ**zoy (گوساله)، موُˇنا m**ŭ**na (به این)، سوروُˇشوُر sor**ŭ**şur (میپرسد)، توخوُˇیوُر tox**ŭ**yur (میبافد)، قوُیوُˇیا quy**ŭ**ya (به چاه).

واکـهٔ کوتاه اۆˇ (ŭ̈)- تـۆˇفنگ t**ŭ̈**fəng (تفنگ)، قـۆˇزئی q**ŭ̈**zey (شمای) ، کـۆˇسوُف k**ŭ̈**suf (قهرکرده است)، تـۆˇشمان t**ŭ̈**şman (دشمن)، اویـۆˇنـۆن oy**ŭ̈**nün (خانه اش)، بؤیـۆˇیـۆر böy**ŭ̈**yür (بزرگ میشود)، اؤزۆˇنه öz**ŭ̈**nə (به خودش)، گؤرۆˇشـۆر gör**ŭ̈**şür (ملاقات میکند).

---

[۱]. این همخوانها را در ترکی آذربایجانی جینگیلتیلی مینامند. م.
[۲]. این همخوانها را در ترکی آذربایجانی کار مینامند. م.

واکه های خیشومی

واکه های خیشومی برای اولین بار توسط آشمارین در بررسی لهجه شهر شکی کشف و اعلام شد[1]. بعدها پژوهش های میدانی نشانداد ، که در اکثر لهجه های ترکی آذربایجانی واکه های خیشومی وجود دارند. دورفر نیز همین فرایند را در زبان خلجی تثبیت کرده است (دورفر ۱۹۷۱، ص.۱۵۲).

در سایر گویش ها از جمله ترکی استانبولی (رسنن ۱۹۵۵، ص.۱۷۱) و لهجه نمنغانی گویش ترکی ازبکی (آتامیزایئف ۱۹۷٤، ص.۲۵-۲٦) نیز دیده می شود. در گویش هاي ترکی یاکوتی، ترکی توفاری، ترکی تووینی هم فرایند خیشومی وجود دارد[2].

خیشومی شدن واکه ها در این لهجه ها مشخصه متفاوت دارد ، لیکن در لهجه زبان ترکی آذربایجانی علت آن در نتیجه حذف (ڽ-ń) غنه ای قبل از واکه میباشد. همخوان (ڽ) غنه ای با حذف شدن مشخصه خیشومی بودن خود را به واکه بعدی منقل میکند. خیشومی شدن نه تنها در واژ های ترکی بلکه در کلمات دخیل نیز مشاهده شده است. مانند : رآك`سیز rëhsiz (بیرنگ)<رنگسیز. آشمارین معتقد است که واکه های خیشومی مشخصه کشیده بودن را نیز در برخی شرایط کسب میکنند. واکه هایی که فرایند خیشومی را میپذیرند عبارتند از :

واکه خیشومی (أ) ã : این واکه در بن واژه و در پسوندها بوقوع میپیوندند. مانند: دأ(صبح زود) **dã**<دان، ماأ ma**ã** (به من) <مانا ، آدیأ adı**ã** (به نام تو) < آدینا ، یاشوأ yaşu**ã** (به سنت) < یاشینا ،

---

[1]. Н.А.Ашмарин, Общий обзор народных тюрских говоров г.Нухи.Баку, ۱۹۲٦, стр.۲۷-۳۲

[2] .Сравнительно-исорическая грамматика тюркских языков-фонетика, наука,۱۹۸٤,с.۷٤-۷۳

ایسدسأز isdəs**ã**z (اگر بخواهید) <ایسدسنیز، آناأ ana**ã** (به مادرت) < آنانا، دانیشماسأز danışmasãz (اگر سخن نگویید) < دانیشماسانیز، آغزیأ ağzı**ã** (به دهانت)< آغزینا ، قیچیأ qıçı**ã** (به پایت) <قیچینا.

واکه خیشومی (آ) ë : این واکه در بن واژه بعد از حذف ن غنه ای در قبل و بعد از آن بوقوع میپیوندند. مانند: رآك`سیز r**ë**hsiz (بیرنگ) < رنگسیز ، تـۆفآك`دن tüf**ë**hdən (از تفنگ) < تـۆفنگدن ، هوآك`دسته həv**ë**hdəstə (دسته هاونگ) < هونگدسته .

واکه خیشومی (ىٚ) ĩ : این واکه خیشومی در بن واژه ها و در چند پسوند وقوع مشاهده میشود. مانند:قاویىٚ qavı**ĩ**(ظرفت را)< قابینی، قیچییٚ qıçıĩ (پایت را)< قیچینی، بۇرداسییٚز burdası**ĩ**z (اینجا هستید)< بۇرداسینیز، أودسىٚز əvdəsı**ĩ**z (در خانه هستید)< ائوده سینیز، دیدىٚز didiı**ĩ**z (گفتید) < دئدینیز.

واکه خیشومی (ۊ) **ũ:** این واکه (ۊ) خیشومی در بن واژه ها و در چند پسوند وقوع مشاهده می شود.مانند: قۇردۊز qurd**ũ**z (شما ساختید) < قۇردۇنۇز، اوغلۊ oğl**ũ** (پسرش را) <اوغلۇنۇ، وئرسۊز verərs**ũ**z (شما بدهید)< وئرسینیز، بۊ b**ũ** (این را) < بۇنۇ، قویمادۊز qoymad**ũ**z (نگذاشتید)<قویمادینیز.

واکه خیشومی (يٖ-يٖـ) **į:** خیشومی شدن واکه ای-i (يٖ-يٖـ) بیشتر در پسوندها مشاهده می شود. مانند: ألیٖز əl**į**i (دستتان)<ألینیز ، أویٖز əv**į**z (خانه تان)< أوینیز، سسيٖ səs**į** (صدایت را)<سسینی.

واکه خیشومی (ۋ) **ǜ:** واکه اۆ (ۋ) خیشومی در بن واژه ها بعد از حذف "ن"غنه ای بوجود می آید.در بن واژه مختوم به (نج) نیز مشاهده میشود. مانند: اؤزۋ öz**ǜ** (خودت را)<اؤزۆنـۆ ، گؤردۋز gördǜz (دیدید)<

گۆردۆنـۆز، اۆتۆ ütŭ (اوت را) <اۆتـۆنـۆ، پـۆرۆش pürŭş (برنج-فلز) < پـۆرۆنج ، کۆشدر kŭşdər (گوشه ها)<کـۆنجلر.

واکه خیشومی (ؤ) **ŏ:** واکه او (ؤ) خیشومی در بن واژه ها بعد از حذف "ن" غنه ای و تعدادی از پسوندها مشاهده میشود. مانند: ننوؤ nənoŏ (مادرت را)< ننه نی، ألؤ əlŏ (دستت را)< ألینی ، اؤ ŏ (مال او)< اونۇن.

واکه های مرکب

مرکب شدن واکه ها فرایندی است که در لهجه های زبان ترکی آذربایجانی واقع می شود. مرکب شدن واکه ها در اثر حذف صامتها در بین دو واکه وقوع می پذیرد.

مرکب شدن واکه ها بدو دسته میباشند: در دسته اول واکه نخست با ضرب تلفظ میشود ؛ در دسته دوم واکه دوم با ضرب تلفظ میشود.

ترکیبات میسر در لهجه های آذربایجانی که به واسطه حذف صامت واقع میشوند و از نوع نخست هستند شامل ou , öü, au, əi ,oi میباشند.

واکه مرکب او+ اۇ (ou): این واکه مرکب به سبب حذف صامت (و) ، (ی) و (ن) شکل میگیرد. مانند: حوۇض h**ou**z (حوض) <حووۇض، قوۇرما q**ou**rma (قورمه)< قووۇرما، توۇخ t**ou**x (مرغ)< تویۇخ ، سوۇتما s**ou**tma (نوعی خوراکی) < سویۇتما ، دوۇز d**ou**z (خوك) < دونۇز.

واکه مرکب اؤ+ اۆ (öü): این واکه مرکب نیز به سبب حذف صامت (ی) و (و) در میانه واژه شکل میگیرد. مانند: جؤۆز c**öü**z (گردو) < جؤوۆز ، سؤۆد s**öü**d (سرو) <سؤیـۆد، بؤۆنلری b**öü**nləri (اینروزها) < بوگـۆنلری.

واکه مرکب او+ ای (oi): این واکه مرکب در برخی از لهجه ها هنگام افزودن پسوند با حذف صامت (و) شکل میگیرد.مانند: آتوی at**oi** (پدرت را) < آتووی ، آنانوی an**oi** (مادرت را) < آنووی .

واکه مرکب اؤ+ ای (öi): این پسوند در برخی از لهجه ها هنگام افزودن پسوند با حذف صامت (و) شکل میگیرد.مانند: ننؤی nən**öi** (مادرت را) < ننؤوی .

واکه مرکب آ+ **اوُ (au):** اینگونه ترکیب کمتر تراز سایرین دیده میشود، اما در برخی لهجه ها با حذف (و) مشاهده شده است. مانند: داوُشان dauşan (خرگوش) <داووُشان ، قاوُرما qaurma (قورمه) < قاووُرما .

واکه مرکب أ+ **ای (əi):** این واکه مرکب نیز بطور اندك با حذف صامت (ی) مابین بن و پسوند ویا پسوند با پسوند مشاهده میشود. مانند: ألی əl**əi** (الك را) < ألیی ، کـؤلی (باد را) < کـؤلیی kül**əi** ، دللی (دلاك را) **i** dəll**ə** < دلليی.

واکه های مرکب دسته دوم که واکه نخست ضعیفتر و دومی شدیدتر تلفظ میشوند شامل این ترکیبها öə , oa , üə , ua هستند.

واکه مرکب اوُ+ آ **(ua):** این واکه مرکب در میانه واژه به سبب حذف صامت (و) ،(ی) شکل میگیرد. مانند: جوُآد c**ua**d (جواد)< جوُواد ، جوُان c**ua**n (جوان)< جوُوان، سوُادلی s**ua**dlı (باسواد)< سوُوادلی، دوُار d**ua**r (دیوار)< دوُوار، سوُا s**ua** (سرآب) < سوُیا.

واکه مرکب اؤ+ أ **(öə):** این واکه مرکب در میان واژه با حذف صامت (و) و (ی) ایجاد میشود. مانند: نؤه n**öə** (به نوه ات) < نوؤوه ، اؤه **öə** (به خانه) < اؤوه.

واکه مرکب اؤ+ أ (üə): این واکه مرکب در میان واژه با حذف صامت (و) ایجاد میشود.مانند: یرۆه **yerüə** (سرجایت) <یئرۆوه ، أربـۆه ərə**büə** (با ماشینت) <أربـۆوه.

واکه مرکب او+ آ (oa): این واکه مرکب در میان واژه با حذف صامت (و) و (ی) ایجاد میشود.مانند: اوآ **oa** (به شکار) <اووا ، قوالا q**oa**la (دنبال کن) < قووالا .

فصل پنجم

فرایندهای آوایی

تغییرات آوایی به سبب مجاورت یا همنشینی از مباحثی است که در زبانشناسی همگانی به آن توجه می شود. مشکوۀ االدینی می نویسد: "مشخصه های واجی از صدایی به صدای مجاور پیشین و یا بعدی گسترش می یابد و موجب می شود که یک واج برحسب بافت آوایی خاصی که در آن به کار می رود، یا تاثیرپذیری از مشخصه های واجی مجاور با تغییر خاصی به تلفظ درآید."[۱] در زبانشناسی همگانی این دگرگونی ها تحت عنوان فرایندهای آوایی[۲] به رخدادهای متفاوت در آواشناختی می پردازند و تبدیل آواها را به دو دسته تغییرات اتفاقی[۳] و تغییرات قانونمند[٤] تقسیم می کنند. در نوع "تغییرات اتفاقی" علت تغییر دقیقا روشن نمی شود مانند تغییر صوت "ن+ب" به "م" در واژه شنبه (شمبه) و پنبه (پمبه) ، لیکن دلایل تغییرات قانونمند از نظر قوانین زبانشناسی روشن می باشند.

در آواشناسی لهجه های زبان ترکی آذربایجانی تغییرات آوایی از جمله همگونی (assimilation)، ناهمگونی (dissimilation) ، اضافه شدن صدا (prothesis) ، قلب شدن (methathesis) ، حذف صدا

---

[۱]. مشکوۀ الدینی ، ص. ۱۰۷

[۲] . phonological processes
[۳] . spontaneous changes
[٤] . combinatory changes

(deletion) ، ابدال آواها (conversion) و سایر در مبحث فرایندهای آوایی بررسی و توصیف می شوند.

فرایندهای آوایی عمدتا در زبان گفتاری و لهجه ها مشاهده می شوند. گاه ممکن است برخی از تغییرات در واژه هاي دخیل باهمان شکل تغییر یافته به زبان معیار نفوذ کرده و جزیئ از زبان معیار بشوند. مانند کلمه پامبوق (پنبه) و آمبار (انبار) که در زبان منبع بصورت پنبه حفظ شده است.

تاثیرات آواها بر یکدیگر در لهجه های ترکی آذربایجانی تفاوت لهجه با زبان معیار و روند تاریخی تغییرات زبان را نشان می دهند. مقایسه این فرایندها با سایر زبان های ترکی نتایج دقیقی را برای بررسی زبانشناختی فراهم می کند.

سومان نوح در تز دکترایش فرایندهای آوایی لهجه های زبان ترکی آذربایجانی را بدین ترتیب میداند:همگونی (assimilation)، ناهمگونی (dissimilation)، ابدال (lenition)، اضافه شدن (epenthesis) ، حذف (deletion) ، قلب (metathesis) ، هماهنگی (harmony)[۱]. فرایندهای آوایی قانونمند در لهجه های زبان ترکی آذربایجانی به انواع زیر تقسیم می شوند:

- ابدال [۲] conversion
- هماهنگی harmony
- عدم هماهنگی violation of harmony
- اضافه شدن prothesis
- حذف ellipsis(deletion)

---

[۱] .Sooman N.L. p.۱٦

[۲]. در زبانشناسی ترکی آذربایجانی این حالت آسیمیلیاسیا نامیده میشود.

- حذف هجاها syllabic ellipsis
- همگونی assimilation
- ناهمگونی dissimilation
- قلب metathesis
- تشدید gemination

ابدال

تغییرات آواها آن نوع فرایندهایی است که پیوسته توسط گویشوران برای راحتتر بیان کردن واژه اتفاق می افتد. مولفان فرهنگ "اصطلاحات زبانشناسی" این حالت را اینگونه تعریف می کنند: "این حال تطبیق یک صدا به صدای دیگر است، به گونه ای که صدا مخرجش را تغییر میدهد و کاملا تابع صدای دیگر می شود"[۱]. همانطور که اندام های صوتی در ایجاد آوا نقش اساسی را دارند ، خروج از يك حالت و وارد شدن به حالت دیگر برای اندام ها ایجاد مشکل کرده و خودبخود باعث تغییراتی در آواها می شود. ابدال آواها در لهجه های زبان ترکی به دو گروه عمده تقسیم می شوند: گروه نخست ابدال در واکه- ها ؛ و گروه دیگرابدال در همخوان ها.

۱ - ابدال در واکه ها:

واکه های زبان ترکی آذربایجانی را از نظر نقش اندامهای گفتاری در تولید ، محل شکل گیری و حالت آنها به چند دسته تقسیم می کنند. واکه ها از نظر حرکت افقی زبان نوع پیشین (e-ə-i-ö-ü) و پسین (a-ı-o-u) از نظر حرکت عمودی زبان به نوع باز(a-ə-o-ö) و بسته (ı-i-u-ü) و از نظر فعالیت لبها در تولید آنها به نوع لبی (u-ö-o-ö) و غیرلبی (a-ə-ı-i) تقسیم می شوند. در زبان معیار ترکی آذربایجانی قانونمندی هایی برای توالی واکه ها وجود دارد و تخطی از این توالی امکانپذیر نیست.

---

[۱]. عادل اوف موسی، وئردیوا زمفیرا،آغایوا فرنگیس، فرهنگ تشریحی اصطلاحات زبانشناسی، نشر معارف، باکو، ۱۹۸۹، ص.۲۸

لیکن لهجه ها ازین قانونمندیها بری هستند و چندان ملزم به رعایت توالی مورد نظر در زبان معیار نمی باشند. تغییرات واکه ها در لهجه های ترکی آذربایجانی به شرح زیر واقع می شود:

۱-۱- ابدال واکه های پسین به واکه های پیشین:

ابدال آ > به أ a>ə : در اکثر لهجه های ترکی آذربایجانی به این فرایند در ابتدا، و میان واژه برمیخوریم. مانند: خلچه xəlçə > خالچا (قالیچه)، قیتر qəytər > قایتار(برگردان) ، قردش qərdəş > قارداش (برادر) ، أیاخ **ə**yax <آیاق(پا) ، قیقناخ qəqənax > قایقاناق(کاچی) ، بشماخ bəşmax > باشماق(کفش) ، أخشم **ə**xşəm > آخشام (شب).

ابدال ای > به ای ı>i : این فرایند در برخی از لهجه ها در اکثر موارد در انتهای واحد آوایی رخ میدهد. در لهجه های مغان و تبریز بیشتر واقع میشود. بیچاق b**i**çaq(چاقو) > بیچاق ، قیزیل q**i**zi**l** (سرخ) > قیزیل، چیراغ ç**i**rağ (چراغ)> چیراغ ، قیزدیرما q**i**zd**i**rma (تب) > قیزدیرما ، قیرمیزی q**i**rmizi (قرمز)> قیرمیزی، یوُخاری yuxar**i** (بالا)> یوُخاری، قاپی qap**i** (درب)> قاپی ، ساری sar**i** (زرد) > ساری ، قیرقی q**i**rqi (قرقی)> قیرقی، یاشیل yaş**i**l (سبز)> یاشیل ، یاخچی yaxç**i** (خوب)> یاخشی ، آلتی alt**i** (شش)> آلتی.

ابدال اوُ > به اوٚ u >ü : فرایندی است قلیل . اکثر در ابتدای واحد آوایی قبل و بعد از آوای دندانی وقوع می یابد. مانند: آرموٚت arm**ü**t (گلابی)> آرموُت ، هیندوٚشکا hind**ü**şka(بوقلمون)> هیندوُشکا.

ابدال او> به اوٚ o>ö : این فرایند نیز در لهجه چندان فراگیر نیست. در اغلب مواقع در هجای نخستین واحد آوایی قبل از همخوان (ی) و (ر) واقع می شود. مانند: توٚیوُخ t**ö**yux (مرغ)> تویوُخ ، اوٚیوُن **ö**yun (آنروز) > او گوُن ، جوٚراب c**ö**rab (جوراب)> جوراب.

۱-۲- ابدال واکه های پیشین به واکه های پسین:

ابدال أ > به آ ə>a : در اغلب لهجه ها دیده می شود بویژه در گروه غربی. لیکن در سایر گروه ها و از جمله در کلمات دخیل فارسی و عربی نیز مشاهده میشود. مانند: توُشمان tuşm**a**n (دشمن) < دوُشمن، حایاط h**a**yat (حیاط)< حیط، خاوار xav**a**r (خبر) < خبر، هالاك h**a**lak (هلاك)< هلاك، چوُراق çur**a**q (نان)< چورك، یئقا yeq**a** (بزرگ) < یئگه ، مارمار m**a**rm**a**r(مرمر)< مرمر، دارس d**a**rs (درس) < درس.

ابدال ای > به ای i>ı : در اغلب لهجه ها دیده می شود بویژه در گروه غربی. لیکن در سایر گروه ها نیز مشاهده میشود.این فرایند اغلب در قبل و بعد از همخوانهای انسدادی (ل-م-ر) مشاهده میشود مانند: ایلدیریم **i**ldırım(رعدوبرق)< ایلدیریم، ایلدیز **i**ldız(ستاره)< اولدوز

ابدال اۆ > به او ö>o: فرایند نادری است و اغلب در هجای نخست واژه مشاهده می شود. مانند: تولا t**o**la (طویله)< تؤیله، گورا g**o**ra (برای)< گؤره، خورك` x**o**raķ (خوراك)< خؤرك ، پورتماخ p**o**rtmax (ترکیدن)< پؤرتمك، کوماخچی **o**maxçı (دستیار) < کؤمکچی، کونول k**o**nul (دل)< کؤنول، گوگرچین g**o**gərçin (کبوتر) < گؤگرچین،.

ابدال اۆ > به اوُ ü>u: این فرایند در لهجه های ترکی آذربایجانی چندان رایج نیست. اغلب در گروه غربی و در کلمات دخیل فارسی و عربی بیشتر مشاهده می شود. مانند: اوُچ **uç** < اۆچ (سه)، دوُغوُ **duğu** < دۆیـۆ(برنج) ، بوُتاو b**u**tav < بـۆتۆو(تمام)، جوُما c**u**ma < cümə جـۆمأ (جمعه) ، قوُووا q**u**vva < قـۆوه (قوه) ، ظوُلوُم z**u**l**u**m < ظـۆلـۆم (ظلم) ، سوُتوُن s**u**t**u**n < سـۆتۆن (ستون).

ابدال ای> به ای i>ı: این فرایند در لهجه های ترکی آذربایجانی چندان رایج نیست. بیشتر مواقع در قبل و بعد از همخوانهای (ل-م-ر) مشاهده می شود. در کلمات دخیل فارسی و عربی نیز مشاهده می شود. مانند: ایشیخ **ı**şıx < ایشیق(نور)، ایلخی **ı**lxı < ایلخی (گله)، قیمات q**ı**ymat < قیمت (قیمت)، سیچان sıçan < سیچان (موش)، چاینیخ çaynıx < چاینیك (قوری)، میثقال mısqal < میثقال (مثقال)، میشار< m**ı**şar میشار (اره).

۱-۳- ابدال واکه های لبی به غیرلبی :

ابدال او > به آ o>a : این فرایند بیشتر در گروه جنوبی مشاهده می شود ، لیکن در گروه غربی نیز کم و بیش دیده شده است. این فرایند با حذف همخوان (و) وقوع پیدا می کند. مانند: آوجی **a**vcı< اووچُو (شکارچی)، قاویرما q**a**vırma< قووُرما (سرخ کردنی)، قاوین q**a**vın< قووُن (خربزه)، قاهام q**a**ham< قوهُم(قوم)، پیلاو pil**a**v < پیلوو(پلو)، داوشان d**a**vşan< دوشان(خرگوش)، ناوریز n**a**vrız< نوورُوز (نوروز)، تاووق t**a**vuq < تویوق (مرغ) ، ساووق s**a**vuq < سویوق (سرد).

ابدال اؤ > به أ ö>ə : فرایند بیشتر در گروه جنوبی مشاهده میشود ، لیکن در گروه غربی (لهجه جبراییل) نیز دیده میشود. این فرایند با حذف همخوان (و) وقوع پیدا میکند. مانند: أولاد **ə**vlad <اؤولاد (فرزند)، کوشن k**ə**vşən <کؤوشن(ماوا)، حوصله h**ə**vsələ < حؤوصله (حوصله) ، دویر d**ə**vir <دؤوور(دور).

ابدال اُو > به ای u>ı : این فرایند در لهجه های گروه شرقی رایجتر است، لیکن در گروه جنوبی و شمالی نیز مشاهده میشود. مانند: بیغدا b**ı**ğda (گندم)< بُوغدا، بیرین b**ı**rın(بینی)< بوُروُن، پیل p**ı**l(پول)<

پۇل، ایشاغ **ı**şağ (کودك)< اؤشاق، اوتیز ot**ı**z(سی) < اوتۇز، تیرپ t**ı**rp(ترب) < تۇرپ ، بیغ b**ı**ğ< بوغ (سبیل).

ابدال اۇ > به آ u>a : این فرایند نادر بصورت محدود در زیرلهجه های لهجه باکو مشاهده شده است.مانند: قۇرادی qur**a**dı (خشك شد) < قۇرۇدی، اوخار ox**a**p (میخواند)< اوخۇر.

ابدال اۇ > به ای u>i : این فرایند در لهجه های گروه شرقی رایجتر است لیکن در گروه جنوبی و شمالی نیز مشاهده می شود. مانند: قۇری qur**i** (خشك)< قۇرۇ، دۇری duri (مایع) < دۇرۇ، قوشی qo:ş**i** (همسایه) < قونشۇ، بیغ b**i**ğ (سبیل) < بۇغ، ایلدیز **i**ld**i**z (ستاره) < اۇلدۇز، ایشاخ **i**şax (کودك)< اؤشاق ایزینبۇغاز **i**zinbuğaz (چکمه) < اۇزۇنبۇغاز ،

ابدال اۆ > به ای ü>i : این فرایند بیشتر در گروه شرقی مشاهده می شود و در سایر گروه ها کمتر رخ می دهد. این حال اغلب در انتهای واژه بوقوع می پیوندد و یا اغلب قبل از همخوان (ل-ر) پیش میاید. مانند: تۆسسی tüss**i** (دود)< تۆسسۆ، بیلبیل b**i**lb**i**l (بلبل)< بۆلبۆل، کؤرپی körp**i** (پل)< کؤرپۆ، دۆگی düg**i** (برنج)< دۆگۆ، تیکان t**i**kan (مغازه)< دۆکان ، کؤمیر köm**i**r(ذغال)< کؤمۆر.

۱-٤- ابدال واکه های غیرلبی به لبی :

ابدال آ > به او a>o : این فرایند کم و بیش در اغلب لهجه های زبان ترکی آذربایجانی مشاهده می شود. به نظر زبانشناسان علت لبی شدن وجود همخوانهای لبي (ب-و-پ-م) قبل و بعد از واکه میباشد. مانند: بوبا b**o**ba(پدر)< بابا، دووا d**o**va (دارو)< داوا، بورماغ b**o**rmağ (انگشت) < بارماق، دوبان d**o**ban(پاشنه)< دابان، پوپاغ p**o**pağ(کلاه) < پاپاغ، هووا h**o**va(هوا)< هاوا، یوخۇن y**o**xun (نزدیك)< یاخین،

یوواش y**o**vaş(آهسته)< یاواش، اومبار **o**mbar(انبار)< آمبار، لوواش l**o**vaş(نان لواش)< لاواش.

ابدال ای > به اوُ a>u :این فرایند چندان رایج نمیباشد و در چند زیر لهجه گروه غربی مشاهده میشود. مانند: یوواش y**u**vaş (یواش)< یاواش، جووان c**u**van (جوان)< جاوان، توآ t**u**a (تابه)< تاوا.

ابدال ائـ > به اؤ e>ö : این فرایند بیشتر در گروه شرقی وجود دارد، لیکن در سایر لهجه ها نیر قبل از همخوان (و-ی) مشاهده میشود. مثل: اؤ **ö** (خانه)< ائو، اؤلنیف **ö**lənif (یادگرفته است)< اؤیرنیب، دؤیۆل d**ö**yül //دؤگول d**ö**gül (نیست)< دئییل، سؤمگ s**ö**məg (دوست داشتن) < سئومك، چؤچله ç**ö**çələ (انگشت) < چئچله .

ابدال أ > به اؤ ə>ö : این فرایند نیز در گروه شرقی رایجتر است، لیکن در سایر لهجه ها نیر قبل از همخوان (و-ی) مشاهده میشود. مثل: دؤوه d**ö**və(شتر)< دوه ، نؤوه n**ö**və (نوه)< نوه، هؤوس h**ö**vəs (هوس)< هوس، نؤشۆن n**ö**şün (چرا)< نه اۆچۆن، بدنؤۆس bədn**ö**üs (بدنفس)< بدنۆس.

ابدال أ > به اۆ ə > ü : این فرایند خاص گروه شرقی است. مثل: نۆه nüə (نوه)< نوه، کۆأر küər (اسب گهر)<گهر ، چۆپر çüpər (پرچین)< چپر، دۆوه düvə//دۆه düə (شتر)< دوه.

ابدال ای > به اوُ ı>u : این فرایند در گروه شرقی و در هجای آخری مشاهده می شود. در سایر لهجه ها هم کم و بیش قبل از همخوان های(م-ن-ب-ت-ل-ر-ش-خ-غ) دیده می شود.مثل: پامبوُق pamb**u**q (پنبه)< پامبیق، قارپوُز qarp**u**z (خربزه)< قارپیز، قاتوُغ qat**u**ğ (ماست)< قاتیق، یاغوُش yağ**u**ş (باران)< یاغیش، خاتوُن xat**u**n (خانم)< خاتین، پوُچاق p**u**çaq (چاقو)< پیچاق، قارشوُ qarş**u** (روبرو)< قارشی،

چالغۇچی çalğ**u**çi (نوازند)< چالغیچی، یالقۇز yalq**u**z (تنها)< یالقیز، صاندۇق sand**u**q (صندوق)< صاندیق، آغۇر ağ**ur** (سنگین)< آغیر.

ابدال ای > به اۆ i>ü : این فرایند بیشتر در گروه جنوبی دیده میشود و در سایر لهجه ها نادر است. در کلمات دخیل نیز به این فرایند برمیخوریم. مثل: سـۆز s**üz**(شما)< سیز، بـۆلـۆرم b**ü**l**ü**rəm (میدانم) < بیلیرم ، پـۆشـۆق püşüq (گربه)< پیشیك، بـۆوۆ b**ü**v**ü** (بی بی)< بی بی ، چـۆمـۆزدۆر ç**ü**m**ü**zd**ü**r (بشورش)< چیمیزدیر، چرچـۆوه çərç**ü**və (چهارچوب)< چرچیوه، نرگـۆز nərg**ü**z (نرگس)< نرگیز، صـۆفت s**ü**fət (چهره)< صیفت، شکـۆل şək**ü**l (شکل)< شکیل، جـۆو c**ü**v (جیب)< جیو.

۱ـ۵ـ ابدال واکه های باز به واکه های بسته :

ابدال آ> به ای a>ı : این فرایند در گروه غربی مشاهده میشود. اغلب در پسوندهایی که با همخوان(ی)شروع میشوند دیده میشود و در بن واژه کمتر روی میدهد.مثل: جیناق c**ı**ynaq (پنجه)< جایناق، سیرماشیخ s**ı**rmaşıx (پیچك)< سارماشیق، قییناق q**ı**ynaq (منبع)< قایناق، قالییاخ qal**ı**yax (رویهم انباشته کنیم)< قالایاق، سیماوار s**ı**mavar (سماور)< ساماوار، یامییر yam**ı**yır (وصله میکند)< یامایير، یاوییا yav**ı**ya (به یابو)< یابایا، باشدییام başd**ı**yam (شروع کنم) باشلایام.

ابدال آ > به ائـ a>e : این فرایند در لهجه های ترکی آذربایجانی خاص گروه شمالی و شرقی است و در نتیجه تاثیر همخوان (ی) در میانه واژه پیش می آید. مثل: قئییش q**e**yiş(کمربند)< قاییش، قئیماق q**e**ymaq (کره)< قایماق، قئین آتا q**e**ynata(پدرزن)< قایین آتا، یئیلاخ y**e**ylax (ییلاق)< یایلاق، یئش y**e**ş (سن)< یاش، بیرئز bir**e**z (کمی)< بیرآز، آلمئیی alm**e**yi(سیب را)< آلمانی، دانئیی dan**e**yi (گوساله را)< دانانی.

ابدال آ > به ای a> i : این فرایند بیشتر در آندسته از لهجه ها که هماهنگی واکه را رعایت نمی کنند مشاهده میشود. در میانه و انتهای واژه در اثر تاثیر همخوان (ی) بیشتر وقوع می یابد. مثال: دییان d**i**yan (صبرکن)< دایان، بیرام b**i**ram (عید)< بایرام، سیماوار s**i**mavar (سماور) < ساماوار، ایستیکان ist**i**kan (استکان) < ایستکان، اوتدیـ:ر otd**i:**r (میچرد)< اوتلاییر، بالییه bal**i**yə (به فرزند)< بالایا، یوُخلییر yuxl**i**yir (میخوابد)< یوُخلاییر.

ابدال أ > به ای ə>i : این نوع ابدال کمتر از سایر ابدالها مشاهده میشود. در بن واژه ها کمتر است و در پایان واژه هنگام افزوده شدن پسوند با همخوان (ی) بیشتر دیده می شود. در ابتدای واژه های دخیل رایجتر است. مانند: شیکیل ş**i**kil (شکل)< شکیل، ییهر y**i**hər (افسار) < یهر، زینجیر z**i**ncir (زنجیر)< زنجیر، اینجیل **i**ncil (انجیر) < أنجیر، ایملاك **i**mlak (املاك)< أملاك، شنبی şənb**i** (شنبه) < شنبه، شیننیخ ş**i**nnix (شادی)< شنلیك.

ابدال أ > به ائـ ə>e : در بن واژه ها به این فرایند کمتر برمیخوریم. بیشتر در واژه هاییکه به واکه أ ختم شده هنگام افزودن پسوندی با همخوان (ی) مشاهد میشود. مانند: کئکلیك k**e**klik (کبك)< ککلیك، سئس s**e**s (صدا)< سس، ائیری **e**yri(کج)< أیری، ائکیز **e**kiz (دوقلو) < أکیز، ائکمك` **e**kme**ķ** (نان) < أکمك، شئننیك` ş**e**nni**ķ** (جشن)< شنلیك، دوشئك döş**e**k (تشك)< دوشك.

ابدال أ > به اۆ ə>ü : این فرایند در گروه شرقی در بن واژه و در گروه غربی هنگام اضافه شدن پسوند با همخوان (ی) دیده می شود. در گروه شرقی قبل از همخوان لبی-دندانی (و) در اثر تاثیر همخوان میباشد. مثال: چـۆپر ç**ü**pər (چیر)< چیر، کؤینـۆك köyn**ü**k (پیراهن)<

کؤینك، کـۆچـۆیه **küçüyə** (به کوچه)<   کـۆچیه ، مؤحـۆبّت **möhübbət** (محبت)< مؤحبّت، دۆوه **düvə** (شتر) < دوه.

ابدال او > به اؤ o>u : این فرایند ویژه زبان های گروه قپچاقی است و بهمین جهت در لهجه های ناحیه شمالی آذربایجان بیشتر دیده میشود. به صورت قلیل در نواحی لهجه های جنوبی اتفاق میفتد. مثال: یؤل **yul** (راه) < یول، گؤناق **gunaq** (مهمان)< قوناق، چؤبان **çuban** (چوپان) < چوبان، اؤرتا **urta** (میان)< اورتا، سؤغان **suğan** (پیاز) < سوغان، اؤتؤز **utuz** (سی)< اوتوز، پاپرؤس **paprus** (سیگار) < پاپروس، بالخؤن **balxun** (بالکن)< بالکون، واغؤن **vağun** (واگن)< واگون.

ابدال او > به ای o>ı : این فرایند ویژه کلمات دخیل است و تابعیت از هماهنگی واکه دارد. مثال: بیخچا **bıxça** (بچه)< بوخچا، پامادیر **pamadır** (گوجه فرنگی)< پامادور، تئلفین **telfın** (تلفن)< تئلفون، تراختیر **traxtır** (تراکتور)< تیراختور، پادنیس **padnıs** (سینی) < پادنوس.

ابدال او > به اۆ o>ü : این فرایند بسیار نادر است و تنها در چند واژه در لهجه زاگاتالا و قاخ مشاهده شده است. مثال: بـۆغز **büğəz** (گلو) < بوغاز، زۆغل **züğəl** (ذغال اخته)< زوغال، سـۆراغ **süraǧ** (سراغ) < سوراغ.

ابدال او > به ائـ o>e : این فرایند نیز بسیار نادر است و تنها در چند واژه در لهجه زاگاتالا و قاخ مشاهده شده است. مثال: دئوشان **devşan** (خرگوش)< دوشان، بوخئی **boxey** (بخار)< بوخؤر، اوخولئی**oxoley** (میخواند)< اوخویؤر.

ابدال اؤ > به اۆ ö>ü : این فرایند در لهجه های شرقی و جنوبی ترکی آذربایجانی مشاهده شده است. مثال: گـۆگرچین **gügərçin** (کبوتر)<

گؤگرچین، بـۆلمه **bü**lmə (بخش)< بؤلمه، سـۆز s**ü**z (کلمه)< سؤز، اۆرۆمچك **ü**rümçəķ (عنکبوت) < هؤرۆمچك، تـۆك t**ü**k (بریز)< تؤك، اۆردك **ü**rdək (اردك)< اؤردك، اۆکـۆر **ü**küz (گاومیش)< اؤکـۆز.

ابدال اؤ > به اُ ö>u : این فرایند تنها در چند واژه لهجه مغان و باکو قبل از همخوان های (ن-ر) مشاهده شده است که می توانند باعث این فرایند شوند.مثال: خؤرئك x**u**rek (غذا) < خؤرك، نؤخصان n**u**xsan (نقصان) < نؤقصان، جؤراغ c**u**rağ (ببینیم)< گؤرك ، نؤمرا n**u**mra (نمره)< نؤمره،.

۱-٦- ابدال واکه های بسته به واکه های باز:

ابدال ای> به آ ı>a : این فرایند در لهجه های ترکی آذربایجانی کمتر مشاهده می شود. این نوع ابدال با توجه به همگونی آواها روی می دهد و واکه (آ) قبل و یا بعد از این واکه آنرا با خود همگون میکند. ابدال اغلب در انتهای واژه رخ میدهد. مثال: تانا tan**a** (بشناس) < تانی، قازادی qaz**a**dı (او کند)< قازیدی، بؤخارا buxar**a** (بخاری) < بؤخاری ، قارغادالی qarğ**a**dalı (ذرت)< قارغیدالی، آشاغا aşağ**a** (به پایین) < آشاغی، کاغاذ kağ**a**z (کاغذ)< کاغیز، شابالات şabal**a**t (شاه بلوط) < شابالیت، خارمان x**a**rman (خرمن) < خیرمن.

ابدال ائـ > به أ e>ə : این فرایند اغلب قبل از همخوان های (و- ی- ن- ل) مشاهده می شود. در بیشتر لهجه ها رخ می دهد ، لیکن خاص لهجه جنوبی است. مثال: ور v**ə**r (بده)< وئر، سوگی s**ə**vgi (محبت) < سئوگی، دییل d**ə**yil (نیست)< دئییل، چشمه ç**ə**şmə (چشمه)< چئشمه، چویرمك ç**ə**virmək (برگرداندن)< چئویرمك، دأ:سن d**ə:**sən (توگویی) < دئیه سن، گن g**ə**n (گشاد)< گئن، گنیش g**ə**niş (فراخ)< گئنیش، أرمنی **ə**rməni (ارمنی)< ائرمنی.

ابدال ائـ > به آ e>a : این فرایند قبل از همخوان های (ی- ن) در چند نمونه مشاهده شده است. زبانشناسان آنرا در نتیجه همگونی پسرو آوای هجای آخری می دانند. مثال: حایوا h**a**yva (به)< حئیوا، حایوان h**a**yvan (حیوان)< حئیوان، عاییب **a**yıb (عیب)< عئیب، گانیش g**a**nış (پهناور)< گئنیش، گان g**a**n (پهن)< گئن.

ابدال ای> به أ i>ə : این فرایند تنها در چند واژه لهجه مغان و نخجوان دیده شده است. مثال: همشه h**ə**məşə (همیشه)< همیشه، عنناب **ə**nnab (عناب)< عیناب، نردفان nərd**ə**fan (نردبان)< نردیوان، قبرسسانیق qəbr**ə**ssannıq (قبرستان)< قبیریستان.

ابدال اؤ> به او u>o : این فرایند خاص لهجه های گروه شرقی است و در سایر لهجه ها مشاهده نمی شود.مثال: بوغدا b**o**ğda (گندم)< بؤغدا، اوتانماغ **o**tanmağ (خجالت کشیدن)< اؤتانماق، اوخاری **o**xarı (به بالا)< یؤخاری، اودغونماق **o**dğunmaq (قورت دادن)< اؤدقؤنماق، اودؤزدؤم **o**duzdum (باختم)< اؤدؤزدؤم، صوبون sob**o**n (صابون) < صابؤن، پودرp**o**dr (پودر)< پؤدر، قم q**o**m(شن)< قؤم.

ابدال اۆ > به اؤ ü>ö : این فرایند بسیار کمتر از سایر فرایندها تنها در چند واژه در هجای نخست کلمه مشاهده شده است.مثال: اؤرك` **ö**rəķ (قلب) < اۆرك، کؤبره k**ö**brə (کود)< کۆبره، مؤهۆم m**ö**hüm (مهم) < مۆهۆم، اؤلکۆج **ö**lküc (لوازم آرایش)< اۆلکۆج.

۱-۷- ابدال واکه های بسته به واکه های بسته:

ابدال ائـ> به ای e>i : این فرایند در گروه شرقی مشاهده شده و در سایر لهجه دیده نمی شود. مثال: ایلچی **i**lçi (خواستگار)< ائلچی، میشه m**i**şə (بیشه)< مئشه، جیران c**i**ran (آهو)< جئیران، بیلیت bil**i**t

(بلیط) < بیلئت، میدال m**i**dal (مدال)< مئدال، یینه y**i**nə (دوباره) < یئنه.

ابدال ای> به ائـ i>e : این فرایند تنها در کلمات دخیل رخ می دهد. مثال: بئیساوات b**e**ysavat (بیسواد)< بیساواد، بئینوا b**e**ynəva (فقیر) < بینوا ، فشگ f**e**şəg (فشنگ) < فیشگ، حرص hers (حرص)< حیرص.

۲ـ اضافه شدن واکه:

اضافه شدن واکه فرایندی است که تنها در لهجه ها رخ می دهد و در زبان معیار به آن برنمی خوریم. اضافه شدن واکه در لهجه های ترکی آذربایجانی در ابتدا، میانه و انتهای واژه ها مشـاهده می شود. در کلمات دخیل که دو همخوان پی درپی قرار گیرند زبان ترکی آذربایجانی برای هماهنگی آوا و راحتی گفتار واکه ای را بدان اضافه میکند.

۲ـ۱ـ اضافه شدن واکه در ابتدای واژه: اضافه شدن واکه در ابتدای واژه به دو شکل رخ می دهد:۱ـ قبل از ترکیب همخوانهای (ست – سك- سپ- شك- شق)؛ ۲- قبل از همخوان های (ر-ل-ش) در کلمات دخیل.

اضافه شدن واکه ای (i): این فرایند تنها در کلمات دخیل رخ میدهد.مثال: ایستاژ **i**staj (کارورزی) ، ایستیکان **i**stəkan (استکان) ، ایستارا **i**stara (ستاره)، ایسکیلات **i**skılat (اسکلت) ، ایشکولاد **i**şkolad (شکلات) ایشقاف **i**şqaf (کمد)، ایشنبه **i**şənbə (شنبه)، ایراحیم **i**rahim (رحیم) ایرضا **i**rza (رضا)، ایراضی **i**razi (راضی)، ایراحات **i**rahat (راحت)، ایرئیحان **i**reyhan (ریحان)، ایرادیول **i**radiyol (رادیو)، ایرهبر **i**rəhbər (رهبر)، ایلامپا **i**lampa (لامپ).

اضافه شدن واکه اُو (u): این فرایند در برخی از لهجه ها در ابتدای واژه قبل از همخوان (ر- ل) رخ می دهد. مثال: اوروزگار **u**ruzgar (باد)، اوروح **u**ruh (روح)، اوروقئیه **U**ruqeyyə (رقیه) ، اوروس **u**rus (روس)،.

اضافه شدن واکه ائـ (e): این فرایند کم و بیش در برخی لهجه ها دیده می شود، لیکن چندان فراگیر نیست. مثال: ائشقاب **e**şqab// ائشکاف **e**şkaf//ائشگاف eşgaf (کمد).

۲-۲- اضافه شدن واکه در میانه واژه: اضافه شدن واکه در میانه واژه عمدا در بین دو همخوان رخ می دهد. در این فرایند واژه های تك هجایی به دو هجایی تبدیل می شوند. این حال بیشتر در کلمات دخیل رخ می دهد تا تلفظ آنرا راحتتر کند.

اضافه شدن واکه ای (i): در کلمات دخیل عربی، اروپایی و فارسی بین دو همخوان برای تلفظ راحت افزوده میشود. مثال: حریف hər**i**f (حرف)، نبیض nəbiz (نبض)، قبیض qəb**i**z (قبض)، لیتیر lit**i**r (لیتر)، مئتیر met**i**r (متر)، دریز dər**i**z (درز)، تیاتیر tiyat**i**r (تئاتر)، پیلان p**i**lan (پلان).

اضافه شدن واکه اُو (u): این فرایند در کلمات دخیل و واژه های ترکی آذربایجانی مشاهده میشود. مثال: قورخوماق qorx**u**maq (ترسیدن)، ظوُلوُم zul**u**m (ظلم)، قوُلوُفلوُ qul**u**flu (دسته دار)، توُروُپ tur**u**p (ترب)، قورخوُماق qorx**u**maq (ترسیدن)، دوُموُروُخ dum**u**rux (مشت) .

اضافه شدن واکه آ (a): واکه آ در میانه واژه بیشتر در لهجه کازاخ مشاهده شده است. مانند: خاراج xar**a**c (خرج)، یانالادی yan**a**ladı (دروغ بست)، تالاوار tal**a**var (تلوار).

اضافه شدن واکه اۆ (ü): اضافه شدن واکه او در میانه واژه هم در کلمات دخیل و هم در واژه های ترکی آذربایجانی مشاهده می شود. مثال: اؤرۆمـۆجك örümücək (عنکبوت)، کـۆرۆك kürük (بالا پوش)، اؤتـۆرۆ ötürü (برای)،حؤکـۆم höküm (حکم)،عؤمور ömür (عمر)، زۆمـۆرۆت zümürüt (زمرد) .

اضافه شدن واکه ای (ı): این فرایند در بین واژه بسیار کم است و تنها در چند واژه دیده شده است. مثال: قالیخدیم qalxıdım (برخاستم)، قیریخ qırıx (چهل).

اضافه شدن واکه أ (ə): این فرایند در کلمات دخیل مشاهده میشود. مثال: شهر şəhər (شهر)، قهرqəhər (غضب)

۲-۳- اضافه شدن واکه در انتهای واژه: اضافه شدن واکه در انتهای واژه بسیار نادر است و در چند نمونه دیده شده است. مثال: همی həm**i** (هم)، قدره qədər**ə** (قدر)، بئکارا bekar**a**(بیکار).

۳- حذف واکه ها:

حذف واکه ها در لهجه های ترکی آذربایجانی با پیوستن یك واژه به واژه دیگر و یا تغییر تکیه رخ می دهد. بطور کلی در سه حالت حذف واکه پیش می آید:۱- در هجای بدون تکیه واژه ؛۲- با تغییر تکیه از بن به پسوند ؛۳- در نتیجه پیوستن کلمات بهم (یا تشکیل واژه مرکب).

۳-۱- در هجای بدون تکیه : در کلمات دخیل در اغلب موارد واکه بسته بدون تکیه حذف میشود. مثال: خزنه xəznə (خزینه)< خز**یـ**نه، خججه xəccə (خدیجه) < خد**یـ**جه، جرمه cərmə (جریمه)< جر**یـ**مه، عرضه ərzə (دادخواست)< عر**یـ**ضه، چرتکه çərtkə (ملخ)< چ**یـ**رتکه، سلقه səlqə (سلیقه)< سل**یـ**قه، پاپروز papruz (سیگار)< پاپ**یـ**روس.

۳-۲- با تغییر (انتقال) تکیه از بن به پسوند: در صورتیکه واژه با همخوان انسدادی ختم شود و پسوند با واکه آغاز شود، آخرین واکه بسته (ای- ای- او-او) حذف می شود. مثال: اوغلؤن oğlun (پسرش)< اوغـؤلؤن، عؤمری ömri (عمرش)< عؤمـؤرۆ، آلنی alnı (پیشانیش) < آلـینـی، تویغؤن toyğun (مرغش)< تویـؤغؤن، گلنه gəlnə (به عروسش)< گلـینـه، قایnانا qaynana (مادر زن)< قایـینـانا، آغزی ağzı (دهانش) < آغـیـزی.

۳-۲-۱- با انتقال تکیه از بن به پسوند هنگامیکه واژه به واکه ختم شود و پسوند با واکه آغاز شود آخرین واکه بسته (i-ı-u) حذف میشود. مثال: ایکسی iksi (هردو)< ایکـیـسی، هامسی hamsı (همه اش)< هامـیـسی، سوقویسی suquysı (چاه آب)< سو قویـوسو، عمسی əmsi (عمویش) < عمـیـسی.

۳-۲-۲- هنگامیکه واژه به واکه ختم شود و پسوند با همخوان (ی) آغاز شود آخرین واکه بن حذف می شود.مثال: قاییا qayya (به صخره)< قایـایا، آییی ayyı (خرس را)< آیـیـیی، قؤییؤ quyyu (چاه را)< قؤیـؤیؤ، داییه dayyə (به داییش)< دایـیـیا.

۳-۲-۳- کلمات گئری geriyə (به عقب)، ایره لی irəli (به پیش)، بری bəri (از)، یوخاری yuxarı (بالا)، تیشاری tışarı (به بیرون)، اورا ora (آنجا)، بورا bura (اینجا)، هارا hara (کجا) وقتی پسوند مکانی، ازی (خروج) و سمت به آنها اضافه شود آخرین واکه آنها حذف میشود[1]. مثال:گئریه geryə (به عقب)< گئریـیه،گئرده gerdə (عقب) < گئریـده، گئردن gerdən (ازعقب)< گئریـدن،اوردا orda (آنجا)< اورادا،اوردان ordan (ازآنجا)< اورادان، بؤریا burya (به اینجا)< بؤرایا، اوریا orya (به آنجا)< اورایا، هاردا harda (در کجا)< هارادا، هاردان

[1]. Sooman Noah Lee. P.۳۰

hardan (ازکجا)< هارادان، یؤخاردا yuxarda (دربالا) < یؤخاریـدا، تیشقاریا tışqarya (به بیرون)< تیشاریـیا،تیشقاردا tışqarda (در بیرون) < تیشاریـدا.

۳-۲-٤- حذف واکه در افعال منتهی به همخوان های (ل- ن- ر) در اول شخص مفرد و جمع زمان آینده مشاهده می شود. مثال: آپارریخ aparrıx (میبریم) < آپاراریق، آللام allam (میخرم) < آلارام، گللم gəlləm (میایم)< گلـرم، میننم minnəm (سوار خواهم شد)< مینـرم، ایسسیننم issinnəm (گرم میشوم)< ایسـیـنرم،ایسسیننیخ issinnıx(گرم میشویم) < ایسینریك.

۳-۳- حذف واکه هنگام ساختن واژه مرکب : بهم پیوستن واژه ها برای ساخت واژه مرکب به سه شکل انجام می شود.

۳-۳-۱- هنگامیکه واژه اول مختوم به واکه و واژه دوم با همخوان باشد، آخرین واکه واژه نخست حذف می شود. مثال: عمدوستؤ əmdostu (دوست عمو)< عمیدوستؤ، بیبقیزی bibqızı (دختر خاله) < **بیبـی** قیزی، علممد Əlməmməd (اسم)< **علـی** محمد، حاجبوبا hacboba (اسم) < **حاجی** بابا، قاپباجا qapbaca (در و پنجره) < **قاپـی** باجا، قاپ-پنجره qappəncərə (دروپنجره)< **قاپـی** پنجره، سؤتلاش sutlaş (آش شیر)< سؤوتلـ**ؤ**آش.

از ترکیب افعال ائله مك (انجام دادن)، اولماق (شدن) و ائتمك (انجام دادن) با ضمایر سئوالی ، واکه آخر ضمیر سئوالی حذف می شود. مثال: نئـ:لدین ne:lədin//نئله دۆن nelədün//نئیلئدۆن neyledün (چه کردی) < نه ائله دین، نو:لار no:lar (چه میشود)< نه اولار، نولؤف noluf (چه شده است)< نه اولؤب، نئجولدی necoldi (چطور شد)< نئجه اولدؤ.

۳-۳-۲- هنگامیکه واژه اول مختوم به همخوان است و واژه دوم با واکه شروع می شود واکه نخست واژه دوم حذف می شود. این فرایند نسبت به فرایند نخست فراگیرتر است. مثال: بیرکی birki (یکی دوتا)< بیر ایکی، بیرکیؤن birkiün (یکی دوروز)< بیر ایکی گؤن، منچؤن mənçün (برای من)< منیم اۆچؤن، سنچؤن sənçün (بخاطرتو)< سنین اۆچؤن، اؤزؤمچؤن özümçün (برای خودم) < اؤزؤم اۆچؤن، کیمسه kimsə (هیچ کس)< کیم ایسه، خمرآشی xəmaşı (نوعی آش) < خمیر آشی.

۳-۳-۳- هنگامیکه واژه اول مختوم به واکه و واژه دوم نیز با واکه آغاز شود ، یك واکه حذف می شود. مثال: ایسسوت issot(زردچوبه)< ایستی اوت، قالالتی qalaltı(زیر قلعه)< قالا آلتی.

٤- هماهنگی آواها:

هماهنگی آواها در واژه ها خصوصا هماهنگی واکه ها از قوانین ضروری و اساسی زبان های ترکی است. برخی از زبانشناسان قانون هماهنگی آواها را قانون آهنین می نامند[1]. به علت وجودی قانون هماهنگی آواها پسوندهای دستوری یا دو و یا چهار نوع هستند. یعنی یا تابع هماهنگی لبی یا غیر لبی هستند. در زبان معیار قانون هماهنگی واکه ها طبق جدول زیر انجام میگیرد.

واکه	توالی هماهنگی واکه ها
اگر واکه آ (a) باشد	بعد از آن آ (a) یا ای (ı) میاید. مثل آت، آتا، آتی، باش، باشا، باشی.
اگر واکه ای(ı) باشد	بعد از آن ای (ı) یا آ (a) میاید.مثل: قیز، قیزا ، قیزی
اگر واکه او(o) باشد	بعد از آن او (o) یا او (u) میاید.مثل: اود ، اودا ، اودو

[1] .M.İ.Adilov,Z.N.Verdiyeva,F.M.Ağayeva, İzahli dilçilik terminləri, Maarif, Bakı, ۱۹۸۹,s.۳۰

اگر واکه اؤ(u) باشد	بعد از آن اوِ (o) یا او (u) میاید.مثل: بؤز، بؤزا، بؤزؤ
اگر واکه ائـ (e)باشد	بعد از آن ائـ أ ای (i-ə-e) میاید.مثل: ائو، ائوه، ائوی
اگر واکه أ (ə) باشد	بعد از آن أ-ای (i-ə) میاید.مثل: أل ، أله ، ألی
اگر واکه ای(i) باشد	بعد از آن أ-ای (i-ə) میاید.مثل: بیز ، بیزه ، بیزی
اگر واکه اؤ (ö)باشد	بعد از آن اؤ (ö) یا او (ü) میاید.مثل: گؤز ،گؤزۆ
اگر واکه اۆ (ü)باشد	بعد از آن او (ö) یا او (ü) میاید.مثل: اۆچ ، اۆچـۆ

هماهنگی آواها در زبان معیار بسیار اهمیت دارد و رعایت آن ساختاری است ، لیکن لهجه های ترکی آذربایجانی چندان مقید به رعایت این هماهنگی نمی شوند. البته عدم رعایت هماهنگی آواها در تمام لهجه ها یکسان نمی باشد. "سومون نوح لی" عدم هماهنگی در لهجه های ترکی آذربایجانی در ایران را رایج تر از لهجه های رایج در جمهوری آذربایجان می داند [۱]. لهجه های زبان ترکی آذربایجانی را با توجه به رعایت هماهنگی آواها به سه گروه تقسیم می کنند:

۱- **لهجه هایی که اصلا هماهنگی آواها را رعایت نمی کنند** مانند لهجه تبریز، اردوباد، باکو، جلفا، لنکران، قوبا، شکی، زاگاتالا و قاخ. در این لهجه ها هماهنگی بیشتر در افزودن پسوند مشاهده می شود. اگرچه در بن واژه نیز هماهنگی واکه کم رعایت میشود. در این لهجه ها بعد از واکه های پیشین (i-e-ü-ə-ö) واکه های پسین (a-ı-o-u) افزوده می شود. مثال: گیداخ g**i**d**a**x (برویم)، بئشلیخ beşlıx (پنج تومنی)، گلدیخدا gəldıxd**a** (هنگام آمدن)، دئدیخ dedıx (گفتیم). در برخی از این نوع لهجه ها در پی واکه های پسین پسوندهایی با واکه های پیشین می آیند.

۲- **لهجه هایی که هماهنگی واکه ها در آنها رعایت می شود** و به زبان معیار نزدیکتر هستند. لهجه های قره باغ، قره داغ ، کازاخ و گنجه از

---

[۱] Soomon Noah Lee (۱۹۹٦) p.٦

این گروه هستند. در این لهجه ها هماهنگی واکه های لبی نسبت به زبان معیار فعالتر است. در حالیکه در زبان معیار پسوندها کامی دو دسته هستند. در این لهجه ها با اضافه شدن پسوندهای لبی و غیرلبی اینگونه پسوندها به چهار گروه تقسیم میشوند. يك حالت استثنا كه در زبان معیار وجود دارد و آن شروع واژه با واکه ای (i) است در این لهجه ها با واکه ای (ı) گفته می شود که درستر است. مثل: ایشیخ (ışıx)،ایلخی (ılxı)، ایلدیریم (ıldırım).

۳- **لهجه هاییکه در برخی موارد هماهنگی واکه ها را رعایت نمیکنند.** این لهجه ها بین دو گروه قبلی قرار می گیرند. مانند لهجه های نخجوان و شماخی ، مغان و مراغه.

٤-۱- عدم هماهنگی واکه های کامی: در لهجه های ترکی آذربایجانی همانند زبان معیار هماهنگی واکه های کامی نسبت به واکه های لبی بیشتر و مستحکمتر است. در زبان معیار باید بعد از واکه آ (a) واکه آ(a) و ای(ı) بیاید. بعد از واکه ای(ı) باید واکه ای(ı) و آ(a) بیآید. بعد از واکه أ(ə) باید واکه های أ (ə) و ای(i) بیآید. بعد از واکه ائـ (e) باید واکه های أ(ə)، ائـ(e)، ای(i) بیآیند و نهایت بعد از واکه ای(i) باید واکه های ای(i) یا أ (ə) بیآیند. از نظر روند لهجه شناسی تاریخی نیز مشاهده می کنیم که عدم هماهنگی واکه های کامی در متون و آثار گذشته بطور بارزی خودنمایی می کند. عدم هماهنگی واکه های کامی در لهجه های ترکی آذربایجانی به شکل زیر مشاهده می شود:

٤-۱-۱- **بعد از واکه آ (a) و ای(ı) واکه اؤ(u) می آید.** مانند: بؤلارؤن bular**u**n (اینها)< بؤلارین، باشؤن baş**u**n (سرت)< باشین، ساچؤن saç**u**n (مویت) < ساچین، اؤشاغدؤن uşaqd**u**n (بچه بودی)< اوشاغدین، آداموُغ adam**u**ğ (آدم هستیم)< آدامیق، آغیمتؤر ağımt**u**r (سفیدی)< آغیمتیل، یازدؤن yazd**u**n (نوشتی) < یازدین، هامیسینؤن

hamısın**un** (همه اشان)< هامیسینین، تاپسؤن taps**un** (بگذار پیدا کند) < تاپسین، چیخمادؤن çıxmad**un** (بیرون نرفتی)< چیخمادین، قالیرؤغ qalır**uğ** (می مانیم)< قالیریق.

٤-١-٢- **بعد از واکه آ (a) و ای(ı) واکه او(o) می آید.** مانند: آتون aton (پدرت) <آتان، قیدیخلاسون qıdıxlason (اگر قلقلك بدهی)< قیدیخلاسان، ساتسوخ satsox (اگر بفروشیم)< ساتساق، یاتسوز yatsoz (اگر بخوابید)< یاتسانیز، ییغسون yığson (اگر جمع کنید) < ییغسان، آنون anon (مادرت)< آنان، آلماسوخ almasox (اگر نخریم) < آلماساق، آلسوخ alsox// آلسوغ alsoğ (اگر بخرید)< آلساق، گلسوخ gəlsox(اگر بیاییم)< گلسك.

٤-١-٣- **بعد از واکه أ (ə) و ای(ı) واکه اۆ(ü) می آید.** مانند: عمۆن əm**ün** (عمویت)< عمین، ایشۆن iş**ün** (کارت)< ایشین، سنۆن sən**ün** (مال تو)< سنین، سیلدۆن sild**ün** (پاك کردی)< سیلدین، ایشچیسۆز işçis**üz** (کارگرهستید)< ایشچیسینیز ، وئرسۆنvers**ün** (بدهد)< وئرسین، ایتیردۆگ itird**üg** (گم کردیم) < ایتیردیك، دؤشه دۆز döşəd**üz** (پهن کردید) < دؤشه دینیز، أکیرسۆز əkirs**üz** (میکارید)< أکیرسینیز، سررۆك sərər**ük** (پهن میکنیم)< سرریك، دررسۆز dərərs**üz** (شما می چینید)< دررسزنیز.

٤-١-٤- **بعد از واکه أ (ə) و ای(ı) واکه اؤ(ö) می آید.** مانند: ننؤن nən**ön** (مادرت)< ننن، گیرسؤن girs**ön** (اگر واردشوی) گیرسن، گلسؤگ gəls**ög** (اگر بیاییم)< گلسك، دینسؤز dins**öz** (اگر بگویید) < دینسنیز، سیلسؤن sils**ön** (اگرپاك کنی)< سیلسنیز، ایچسؤكiçs**ön** (اگر بنوشیم)< ایچسك، ددؤن dəd**ön** (پدرت)< ددن، سپسؤز səps**öz** (اگر بپاچید)< سپسنیز.

٤-۱-٥- بعد از واکه ائـ (e) واکه اؤ(ü) می آید. مانند: وئرسۆن versün (بدهد)< وئرسین، یئرۆن yerün (جایت)< یئرین، مئیلـۆن meylün (میلت)< مئیلین، دئدۆن dedün (گفتی) < دئدین، گئتدۆگ getdüg (رفتیم)< گئتدیك، سئچدۆز seçdüz (انتخاب کردید) < سئچدینیز، سئلـۆن selün (پاك کنی)< سئلین، بئلـۆن belün (کمرت) < بئلین.

٤-۱-٦- بعد از واکه ائـ (e) واکه اؤ(ö) می آید. مانند: گئتسون getsön (اگر بروی)< گئتسن، گئیسوگ geysög (اگر بپوشیم)< گئیسك، دئسوز desöz (اگر بگویی)< دئسنیز، دئدون dedön (تو گفتی)< دئدین.

٤-۲- عدم هماهنگی واکه های لبی: هماهنگی واکه های لبی در مقایسه با هماهنگی واکه های کامی در لهجه های ترکی آذربایجانی چندان مستحکم نمی باشد. در زبان معیار باید بعد از واکه آ (o) واکه او(o) و ای (u) بیاید. بعد از واکه او(u) باید واکه او(o) و او (u) بیآید. بعد از واکه اؤ(ö) باید واکه های اؤ (ö) و او(ü) بیآید. بعد از واکه او(ü) باید واکه های اؤأ(ö)، او(ü)، بیآیند. عدم هماهنگی واکه های لبی در لـهجه های ترکی آذربایجانی به اشکال زیر مشاهده می شود:

٤-۲-۱- بعد از واکه او(u) واکه ای(ı) می آید. مانند: قوُری qurı (خشك) < قوُروُ، قوُملیق qumllıq (شنزار)< قوُملوُق، قوُللیق qullıq (خدمت)< قوُللوُق، بوُرین burın (دماغ)< بوُروُن، پوُلسیز pulsız (بی پول)< پوُلسوُز، ووُردیم vurdım (زدم)< ووُردوُم، دوُریر durır (می ایستد)< دوُروُر، توُتدی tutdı (گرفت)< توُتدوُ.

٤-۲-۲- بعد از واکه اۆ(ü) واکه ای(i) می آید. مانند: تـۆسدی tüsdi (دود) < تـۆسدۆ، اۆتی üti (اتو)< اۆتـۆ، اۆززی üzzi (صورتش) <

اۆززۆ، دۆشدی **düşdi** (افتاد)< دۆشدۆ، سۆردی **sürdi** (راند)< سۆردۆ، اۆزۆمیزی **üzümüzi** (انگورمان را)< اۆزۆموزۆ، گۆنی **güni** (روز را)< گۆنۆ، سۆتدی **sütdi** (مالید) < سۆتدۆ، دۆشیر **düşir** (می افتد)< دۆشۆر، تۆوکی **tüki** (مویش را)< تۆکۆ.

۴-۲-۳- بعد از واکه او(o) واکه ای(ı) می آید. مانند: اولسین **olsın** (باشد) < اولسُون، بویین **boyın** (گردن)< بویُون، اوغلیم **oğlım** (پسرم) < اوغلُوم، اولدی **oldı**(شد) < اولدُو ، سولیر **solır** (خاموش می شود)< سولُور، قولیم **qolım** (دستم)< قولُوم، یوریلدیم **yorıldım** (خسته شدم)< یورُولدُوم، دولیب **dolıb** (پرشد)< دولُوب، کورریخ **korrıx** (ناراحتی)< کوررُوق، یوخدی **yoxdı** (نیست)< یوخدُو.

۴-۲-۴- بعد از واکه اؤ(ö) واکه ای(i) می آید. مانند: چؤللی **çölli** (بیابانی) < چؤللۆ، اؤزیمیز **özimiz** (خودمان)< اؤزۆمۆز، دؤنیب **dönib** (بازگشته)< دؤنۆب، تؤکمیر **tökmir** (نمی ریزد) < تؤکمۆر، گؤزیم **gözim** (چشمم)< گؤزۆم، گؤردی **gördi** (دید)< گؤردۆ، سؤیدی **söydi** (توهین کرد)< سؤیدۆ.

۴-۳- موارد وقوع عدم هماهنگی واکه ها: موارد ساختاری که واکه ها در آن دچار عدم هماهنگی می شوند را می توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول عدم هماهنگی در بن واژه ها که تعداد وقوع آن کمتر و تنها در حالت حذف برخی از همخوان ها یا تاثیر برخی همخوان ها وقوع می یابد ؛ دسته دوم عدم هماهنگی واکه هنگام اضافه کردن پسوند به بن کلمه واقع می شود.

۴-۳-۱- وقوع عدم هماهنگی در بن واژه یا به علت حذف همخوان (و) یا تاثیر همخوان (ی-ش-ل-ق-ر) رخ می دهد. مثال: قئیماق **qeymaq** (خامه)< قایماق، قئیتان **qeytan** (کش)< قایتان، درمان **dəman**

(آسیاب)< دییرمان، یؤومری **y**u**m**u**ri** (گرد)< یؤمرؤ، آلتمیش **a**ltmi**ş** (شصت) < آلتمیش، قاره **q**a**r**ə (سیاه) < قارا، بیزوی b**i**z**o**y (گوساله)< بیزوو، قوزی q**u**z**i**(گوسفند)< قؤزؤ، أیاغ ə**y**a**ğ** (پا)< آیاق .

۴-۳-۲- هنگام افزودن پسوند –چی (çi) که پسوند واژه ساز است. مانند: چایچی ç**a**yç**i** (چای فروش) < چایچی ، قاپیچی qapıç**i**(دربان)< قاپیچی ، اودونچی od**u**nç**i** (هیزم فروش) اودونچو.

۴-۳-۳- هنگام افزودن پسوند –لی (li) که پسوند واژه ساز است. مانند: دوزدی d**u**zd**i** (بانمك)< دوزلو، داددی d**a**dd**i** (خوشمزه) < دادلی، داشدی d**a**şd**i** (سنگلاخ)< داشلی، آتدی **a**td**i** (سواره)< آتلی[1].

۴-۳-۴- اسامی مختوم به واکه آ (a) و ای (ı) در حالت مفعولی (حالت سمت) در اثر تاثیر همخوان (ی) قانون هماهنگی رعایت نمی گردد. مانند: قاپییه qapıy**ə** (به طرف در)< قاپیبا، بالییه balıy**ə** (به فرزند) < بالایا، اوکؤزه okuz**ə** (به گوساله)< اؤگؤزه، اوچییه oçiy**ə** (به شکارچی)< اووچویا، اونه on**ə** (به او)< اونا، قویؤنه qoyun**ə** (به گوسفند)< قویؤنا.

۴-۳-۵-هنگام افزودن پسوند مفعول بیواسطه هماهنگی واکه رعایت نمیشود. مانند: بوبانی oban**i** (پدرت را)< بابانی، آلمانی alman**i** (سیب را)< آلمانی، اونی on**i** (اورا)< اونو، اوجاغی ocağ**i** (اجاق را) < اوجاغی.

---

[1]. تغییر صدای «ل» به سایر همخوان ها در مثال ها به علت همجواری دیگر همخوان هاست. به مبحث مربوطه در صفحات بعد مراجعه کنید.

٤-۳-٦- هنگام افزودن پسوند مفعول بیواسطه (در حالت مکانی و حالت ازی) آغاجده ağac**də**// آغاژده ağ**ajdə** (روی درخت) < آغاجدا، آغاجدن ağac**dən**//آغاژدن ağ**ajdən** (از درخت) < آغاجدان.

٤-۳-۷- هنگام افزودن پسوند مالکیت و منسوبیت در اول شخص ، دوم شخص و سوم شخص و هنگامیکه همین واژه ها در حالت مفعول بی واسطه بکار روند هماهنگی واکه رعایت نمی شود.مانند: باشی baş**i** (سرش)< باشی، جوراوین corav**in** (جورابش) < جورابیم، آتاسی atas**i** (پدرش)< آتاسی، ألیی əl**ıı:** (دستت)< ألینی، ددوو dəd**oo:** (پدرت را)< ددنی، یئروو yer**oo:** (جایت) < یئرینی.

٤-۳-۸- هنگام افزودن پسوند خبری (بودن) هماهنگی رعایت نمیشود. مانند: تکوُغ tək**uğ** (تنها هستیم) < تکیك، بوُردییم burd**iy**əm (اینجا هستم)< بوُردایام، ماراغالییق marağal**iyi**q (اهل مراغه هستیم)< ماراغالییك، اوتاغدئیدیم otağdeyd**i**m (در اتاق بودم)< اوتاغدایدیم .

٤-۳-۹- در هنگام افزودن پسوند اعداد ترتیب هماهنگی رعایت نمیشود. مانند: اوتوُزوُمجی otuzunc**i** (سیومی)< اوتوُزوُمجوُ، آلتیمجی altımc**i** (ششمی)< آلتیمجی، اونوُنجی onunc**i**(دهمی) < اونوُنجوُ، قیرخیمجی qırxımc**i** (چهلمی) <قیرخیمجی.

٤-۳-۱۰- در مصادر افعال. مانند: یئماق y**e**m**a**q (خوردن)< یئمك، تیکماغ tikm**a**ğ//تیکماخ (دوختن)< تیکمك، گئتماخ g**e**tm**a**x (رفتن) < گئتمك، سپماغ səpm**a**ğ//سپماخ səpm**a**x (پاچیدن)< سپمك.

٤-۳-۱۱- در حالت آرزو و امر اول شخص و دوم شخص مفرد و جمع هماهنگی رعایت نمیشود. مانند: اوینییم oyn**iyi**m (بازی کنم)< اوینایيم، اوینییاق oyn**i**yaq (بازی کنیم)< اوینایاق، اویناگینن oynag**i**nən (بازی کن)< اویناگینان (اوینا)، آلاژییم alaj**i**yəm

(میخرم)< آلاجاغام،دییاخ d**i**y**a**x (بگوییم)< دئیك، یازئیدی yaz**e**yd**i**
(می نوشت)< یازایدی.

٤-٣-١٢- در حالت زمان ماضی نقلی اول شخص و دوم شخص مفرد و جمع و سوم شخص مفرد هماهنگی واکه ها رعایت نمی شود. مانند: ساخلامیشان saxlam**i**ş**a**n (نگه داشته ای)< ساخلامیشسان، باشدیب b**a**şd**i**b (شروع کرده است)< باشلاییب، آلمیشیك **a**lm**i**şik (گرفته-ایم)< آلمیشیق، دئمیشوخ dem**i**ş**u**x (گفته ایم)< دئمیشیك، دئمیسیز demisız (گفته اید)< دئمیشسینیز، اوخیمامیشوگ oxımamış**ü**g (نخونده ایم)< اوخوٌمامیشیق.

٤-٣-١٣- در اول شخص و دوم شخص جمع و سوم شخص مفرد گذشته ساده هماهنگی واکه رعایت نمیشود. مانند: دئدوٌز d**e**d**u**z (گفتید) < دئدینیز ، یئدوٌخ y**e**d**u**x (خوردیم)< یئدیك، گلدوٌوخ g**ə**ld**u**x // گلدوغ g**ə**ld**u**ğ (آمدیم)< گلدیك ، گلمدیخ gəlm**ə**dıx (نیامدیم) < گلمدیك، دئمدیخ dem**ə**dıx (نگفتیم)< دئمدیك.

٤-٣-١٤-در زمان حال ساده اول شخص،دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع مانند: اوخییر**oxiyir** (میخواند)< اوخوٌیوٌر، اوینیر **o**yn**i**r (بازی میکند)< اوینابیر، دیوٌروٌخ deyurux (میگوییم)< دئییریك ، دئمیسیز demisız (نمیگویید)< دئمییرسینیز.

٤-٣-١٥- در زمان آینده قطعی در تمامی صیغه ها هماهنگی واکه ها رعایت نمی شود. مانند:گئدجاغام g**e**d**a**c**a**ğ**a**m (خواهم رفت)< گئدجیم، آلاجئك al**ace**k (خواهد خرید)< آلاجاق، دییاجاخ d**iya**cax (خواهد گفت)< دئیه جك، اولجیخ **o**lc**i**x (خواهیم بود)< اولاجاییق.

٤-٣-١٦- در زمان آینده غیرمعین در اول شخص مفرد در افعال مختوم به همخوان و در تمام صیغه ها در افعال مختوم به واکه هماهنگی

رعایت نمی شود.مانند: اوینییرم **oynıyırəm** (بازی میکنم)< اوینابییرام،گللیخ **gəllıx** (می آییم)< گللیك، بؤردییم **burdıyəm** (اینجا هستم) < بؤردایام، اوینییرؤق **oyniyəruq** (بازی میکنیم)< اوینایاریق .

٤-۳-۱۷-درزمان ماضی بعید و ماضی ناتمام در صیغه اول شخص و دوم شخص جمع و سوم شخص مفرد و جمع هماهنگی واکه ها رعایت نمی شود.مانند: گلیردیخ **gəlirdıx** (می آمدیم)< گلیردیك، گلمیشدیخ **gəlmişdıx** (آمده بودیم)< گلمیشدیك، گیتمیشدوخ **gitmişdux** (رفته بودیم) < گئتمیشدیك، آلمیشدی **almışdi** (گرفته بود)< آلمیشدی.

٤-۳-۱۸- در صیغه اول شخص ، دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع زمان گذشته در آینده معین مانند: آلاجئگدون **alacegdün** (میخریدی)< آلاجاقدین،آلاجئگدیم **alacegdim** (میخریدم)< آلاجاقدیم، گیدجاغدیم **gidəcağdım** (میرفتم)< گئدجکدیم،ساخلییاجئیدیم **saxlıyaceydim** (نگه می داشتم)، ساخلییاجئیدین **saxlıyaceydin** (نگه میداشت)، ساخلییاجئیدی **saxlıyaceydi** (نگه میداشت) ساخلییاجئیدیخ **saxlıyaceydıx** (نگه میداشتیم) ساخلییاجئیدینیز **saxlıyaceydınız**(نگه میداشتید)،ساخلییاجئیدیلر **saxlıyaceydılar**.

٤-۳-۱۹- در صیغه اول شخص ، دوم شخص جمع و سوم شخص مفرد زمان گذشته در آینده غیرمعین و در کلیه صیغه های افعال منتهی به واکه مانند: تـۆکردۇغ **tükərduğ** (میریختیم)< تـۆکردیك، گلردۇخ **gələdux**//گلردیخ **gələrdıx** (می آمدیم)< گلردیك، یازاردی **yazardi** (مینوشت)< یازاردی، آلمازدی **almazdi** (نمیخرید)< آلمازدی، باشدییردون **başdiyərdun** (شروع میکردی) باشلییاردین، ساخلییردیم **saxliyərdim**، ساخلییردین **saxliyərdin**، ساخلییردی

saxliyərdi،ساخلییردیك saxliyərdik،ساخلییردیییز saxliyərdiniz ، ساخلییردیلر saxliyərdilər (نگه میداشت).

٤-۳-۲۰- در صیغه اول شخص و دوم شخص جمع افعال در وجه آرزو که مفهوم آینده درآن باشد و در افعالی که به واکه ختم شوند و یا در شکل منفی هماهنگی رعایت نمی شود. مانند: دیاخ diyax (بگویم)< دئیك، گلاخ gəlax (بیاییم)< گلك، آلمییاخ almiyax (نخریم)< آلمایاق، اوخوٗمییللر oxumiyəllər (نخوانند)< اوخوٗمایالار، باشدییئك başdiyək (شروع بکنیم)< باشلایاق.

٤-۳-۲۱- افعال در وجه آرزو اگرچه فعل به گذشته مربوط شود در تمام صیغه ها هماهنگی رعایت نمی شود.مانند: آلئیدینیز aleydiniz (می خریدید)< آلاردینیز ، آلئیدیخ aleydix (میگرفتیم)< آلاردیق، آلئیدین aleydin (می خریدی)< آلاردین،.

٤-۳-۲۲- افعال در وجه التزامی اگر عمل به آینده مربوط شود در صیغه اول شخص و دوم شخص جمع هماهنگی رعایت نمیشود. مانند: گلسییخ gələsıyıx (باید بیاییم)< گله سییك، گلسیسینیز gələsisınız (باید بیایید)< گلسیسنیز،دییه سییخ deyəsiyıx (باید بگوییم)< دییه سییك.

٤-۳-۲۳- افعال در وجه وجوب(واجب) اگر عمل فعل به آینده یا گذشته مربوط شود در تمام صیغه ها هماهنگی رعایت نمی شود. مانند: یازمالییم yazmaliyəm (باید بنویسم)< یازمالییام، دیمه-لییخ diməliyıx (باید بگوییم) < دئمه لییك، اوخوٗمالییدینیز oxumaliydiniz (باید میخواندید)< اوخوٗمالییدینیز، یازمالیدوٗز yazmaliduz (باید مینوشتید)< یازمالیدینیز، یازمالییدی yazmalidi (باید مینوشت)< یازمالیدی.

۴-۳-۲۴- افعال در وجه شرطی اگر عمل فعل به آینده مربوط شود در صیغه اول شخص و دوم شخص جمع و در صورتیکه عمل به گذشته مربوط شود در کلیه صیغه ها هماهنگی واکه ها رعایت نمیشود. مانند: یئساخ yes**a**x (اگر بخوریم)< یئسك، دیساخ dis**a**x (اگر بگوییم)< دئسك،قالسئیدی qals**e**ydı (اگر میماند)< قالسایدی،آلسئیدین als**e**ydın (اگر میخریدی)< آلسایدین.

۴-۳-۲۵- در وجه توانایی افعال در حالت منفی و در زمان های ماضی نقلی و ماضی ساده و زمان حال ساده و مضارع معین و غیرمعین در کلیه صیغه های مفرد و جمع هماهنگی واکه رعایت نمیشود. مانند: آلممدی aləmməd**i** (نتوانست بخرد)< آلا بیلمدی، یازئلمیر yaz**e**lm**i**r (نمیتواند بنویسد)< یازابیلمیر، گللمدی gələlmədı (نتوانست بیاید) < گله بیلمدی.

۴-۳-۲۶- در اسم فعلی. مانند: یازی yaz**i** (نوشته)< یازی، قورخی qorx**i** (ترس)< قورخُو، چالغی çalğ**i** (نواختن)< چالغی.

۴-۳-۲۷- در صفات فعلی. مانند: اوخُومالی oxumal**i** (خواندنی)< اوخُومالی، آغریین ağr**i**yən (دردار)< آغرییان، اوخُوین oxuyən (خواننده)< اوخُویان، گلجاخ gələc**a**x (آینده)< گلجك، آتیجی atıc**i** (پرتاب کننده)< آلیجی.

۴-۳-۲۸- در قیود فعلی. مانند: اوخُوینده oxuy**ə**nd**ə** (ضمن خواندن)< اوخُویاندا، اوخُوینن سورا oxuy**ə**n**ə**n sora (پس از خواندن)< اوخُویاندان سونرا، آلانی alan**i** (پس از خرید)< آلانی، اوخُوییب oxuy**i**b (پس از خواندن)< اوخُویوب، قُورُوبانی quruban**i** (پس از نصب)< قُورُوبانی، گئتدیخجا getdıxc**a** (رفته-رفته)< گئتدیکجه، یئدیخدا yedıxd**a** (پس از خوردن) < یئدیکجه.

هماهنگی واکه ها در زبان معیار ترکی آذربایجانی نسبت به سایر زبان های ترکی چه در گروه غربی ، چه شرقی و شمالی مستحکمتر است.

فصل ششم

فرایندهای آوایی در همخوان ها

همخوان های لهجه های
ترکی آذربایجانی

در لهجه های ترکی آذربایجانی تعداد همخوان ها بیشتر از همخوان های موجود در زبان معیار است. برخی از این همخوان ها تنها در زبان گفتار مورد استفاده هستند و اشارات خاصی برای نشاندادن آنها وجود ندارد. تقسیم بندی همخوان های لهجه های ترکی آذربایجانی همچون تقسیم بندی زبان معیار بوده و همخوانها را بر اساس الف: محل تولید (حلقومی، پس کامی، پیش کامی، کامی، لب و دندانی، دولبی) ؛ ب- شیوه تولید (انسدادی، سایشی، خیشومی، غلطان، زنشی، ناسوده، انفجاری) و ج- نقش صدا (زنگ دار . غیرزنگ دار) به سه دسته تقسیم می کنند.

علاوه بر همخوان های فوق در لهجه های ترکی آذربایجانی همخوان هایی وجود دارند که به صورت مستقل جزو همخوان ها نیستند و در موقعیت گفتاری ایجاد می شوند. مثلا واژه اوردك ördəķ در زبان معیار در برخی لهجه ها طوری تلفظ می شود که همخوان (ك) انتهایی صدایی شبیه (ه) می دهد و در این کتاب بصورت (ك`) نشانداده می شود. همخوان (ن) غنه ای نیز در زبان معیار علامت خاصی ندارد و در زبان گفتار فعال است. علاوه بر اینها در لهجه ها صدای ترکیبی (تس) وجود

دارد که در برخی لهجه ها جانشین (چ) می شود مانند واژه چای زبان معیار که در برخی لهجه ها به صورت (تسای) تلفظ می شود. همخوان ها نیز همچون واکه ها در مواردی دچار فعل و انفعالاتی می شوند که بدان فرایند آوایی می گویند. فرایندهایی آوایی برخی خاص واکه و برخی ویژه همخوان ها هستند. فرایندهایی همچون ابدال، حذف، اضافه بطور مشترك در واکه ها نیز وجود دارند و فرایندهایی همچون همگونی ، ناهمگونی و ... خاص همخوان ها هستند.

۱- ابدال در همخوان ها:

ابدال یکی از فرایندهای آوایی است که در همخوان ها نیز رخ میدهد. معمولا ابدال در همخوان های همخرج بیشتر به چشم می خورد، زیرا صدای های بسیار دور نمی توانند به یکدیگر تبدیل شوند. یکی از موارد قابل توجه در روند رشد مستقل زبان ترکی آذربایجانی و پدیدار شدن تفاوت در گویش های ترکی گروه اوغوز این بود که در گویش ترکی استانبولی همخوان (پ) ، (ب) و(ت) و در گویش ترکی آذربایجانی همخوان ب و ت در موقعیت مستحکمتری قرار گرفتند.

ابدال در همخوان های لهجه های ترکی آذربایجانی در ابتدا، میانه و انتهای واژه مشاهده می شود.

۱- ابدال در ابتدای واژه: این فرایند در کلیه لهجه های ترکی آذربایجانی مشاهده میشود. ابدال در ابتدای واژه در موارد زیر مشاهده میشود:

- **ابدال ب> پ:** ابدال همخوان ب با پ در تمامی لهجه ها رخ میدهد. لاکن در گروه شرقی موقعیت همخوان پ مستحکمتر است. پوتاخ **putax** (شاخه)< بوداق، پۆتۆن **pütün** (همه)< بۆتۆن، پیچاخ **piçax**//پوچاخ **puçax** (چاقو)< بیچاق، پیچین **piçin** (درو) <

بيچين، پـۆکمك ` **p**ükməķ (تاکردن)< بـۆکمك، پيتگی **p**itgi (نبات) < بيتگی.

- **ابدال ب> م:** این نوع ابدال چندان رایج نیست و تنها در تصریف ضمیر اشاره بو (bu) دیده میشود. البته در برخی لهجه ها بطور نادر به این فرایند برمیخوریم. مانند: مؤنؤن **m**unun (این را)< بؤنؤن، مؤنا **m**una (به این)< بؤنا، مؤندا **m**unda (در این)< بؤندا، ماهانا **m**ahana (بهانه)< باهانا،خورؤزمانی xoruz **m**anı (بانگ خروس) < خورؤز بانی، منؤیشه **m**ənöyşə (بنفشه) < بنؤشه.

- **ابدال پ> ب:** این نوع ابدال بیشتر در کلمات دخیل مشاهده میشود. در برخی لهجه ها مثل کازاخی نیز بندرت دیده میشود.مثال: بیلان **b**ilan (پلان) < پلان،بیج **b**ic (بخاری)< پئچ، بامادور **b**amador (گوجه فرنگی) < پامئدور.

- **ابدال پ> ق:** این نوع فرایند بسیار نادر است و تاکنون تنها در چند واژه دیده شده است.مثال: قامادور **q**amador//قامیدور **q**amidor (گوجه فرنگی) < پامئدور.

- **ابدال پ> م:** این نوع فرایند بسیار نادر است و تاکنون تنها در چند واژه دیده شده است.مثال: مامیدور **m**amidor (گوجه فرنگی)< پامئدور.

- **ابدال ت> د:** این نوع ابدال از موارد نادر است و در اندك نمونه هایی به آن برخورد میکنیم. مثال: دۆستـۆ **d**üstü (دود)< تـۆستـۆ، دربنمك **d**ərbənmək (تکان خوردن)< ترپنمك، در **d**ər (عرق)< تر.

- **ابدال خ> ه:** این نوع ابدال ویژه لهجه اردوباد است و لیکن بطور اندك در سایر لهجه ها نیز دیده میشود. مثال: حئرمان **h**erman (خرمن)< خارمان، هیردا **h**ırda (خرد)< خیردا، حورؤز **h**oruz (خروس)<

خورؤز، هیرجین hırcin (خورجین) < خؤرجین، هؤرك hörək (غذا) < خؤرك.

- **ابدال د> ت**: این نوع ابدال در کلیه لهجه های ترکی آذربایجانی خصوصا قبل از واکه های باز بیشتر مشاهده میشود. مثال: تؤستاخ tustax (زندانی)< دؤستاق، تۆکان tükan (دکان)< دۆکان ، تۆشمان tüşman(دشمن)< دۆشمان، تؤرؤر turur (می ایستد)< دؤرؤر، تیخ tıx//تیك tik (عمودی)< دیك، تؤفار tufar//تیفار tifar //تؤهار tuhar (دیوار)< دیوار، تئوشان teoşan (خرگوش) < داوشان.

- **ابدال د> چ**: این نوع ابدال در نتیجه تاثیر همخوان (ش) بعد از آن است و تاکنون تنها در لهجه کازاخی مشاهده میشود. مثال: چیشدمه çişdəmə (دندانگیر)< دیشدمه، چیش çiş (دندان)< دیش،چۆش çüş (بیا پایین)< دۆش، چۆشمان çüşman (دشمن)< دۆشمان.

- **ابدال س> ز**: این نوع ابدال در لهجه های ترکی آذربایجانی کمتر دیده میشود. این فرایند آوایی بیشتر در لهجه کازاخی رخ میدهد. مثال: زیفده zifdə (سفته)< سیفده، زیاه ziyah (سیاه)< سیاه، زۆکۆت zükü̇t (سکوت)< سۆکۆت، زوت zəvət (سبد)< سبت،زاواه zavah (فردا) < صاباح.

- **ابدال س> ش**: این نوع ابدال تنها در دو واژه و قبل از واکه (آ) در لهچه کازاخی مشاهده شده است.مثال: شاژ şaj (ساج)< ساج، شانجی şanci (درد)< سانجی.

- **ابدال ف> پ**:این نوع ابدال کمتر از سایر انواع رایج است و اغلب در کلمات دخیل دیده میشود. مثال: پلك pələk (فلك)< فلك، پیکیر pikir (فکر)< فیکیر، پیلان pilan (فلان)< فیلان، پنر pənər (چراغ)<

فانار، پایتۇن **p**aytun (کالسکه)< فایتون، پۇندۇخ **p**undux (فندق)< فیندیق.

- **ابدال ف> ه**: این نوع ابدال بسیار نادر است و تنها در یك زیرلهجه ترکی آذربایجانی تاکنون دیده شده است.مثال:هره **h**ərə (جوجه) < فره، هیندیخ **h**ındıx (فندق)< فیندیق، هایتون **h**ayton (کالسکه)< فایتون، هنر **h**ənər (چراغ)< فانار.

- **ابدال ك> چ**: این نوع ابدال خاص گروه جنوب لهجه های مرند، مراغه و س. میباشد. مثال: چچیج **ç**əçic (چکش)< چگیج، چیشی **ç**işi (مرد) < کیشی، چۆچه **ç**üçə (کوچه)< کۆچه، چۇرپی **ç**örpi (پل)< کۇرپی، چۆلفت **ç**ülfət (عائله)< کۆلفت، چۇمك **ç**ömək (کمك)< کۇمك، چامانچا **ç**amança (کمانچه)< کامانچا، چۇهنه **ç**öhnə (کهنه) < کۇهنه.

- **ابدال ك> ق**: این نوع ابدال در لهجه های گروه جنوب و لهجه کازاخی مشاهده میشود.مثال: قۆچه **q**üçə (کوچه)< کۆچه،قیشی **q**işi (مرد) < کیشی، قۆنچ **q**ünç (گوشه)< کۆنج.

- **ابدال ك> گ**: این نوع ابدال خاص گروه جنوب و لهجه های ترکی آذربایجانی در ایران است و قبل از واکه های (ائـ ، او،اۆ) و (ی) مشاهده میشود. مثال: گئچی **g**eçi (بز)< کئچی، گوبۇد **g**obud (خشن) < کوبۇد، گئشمیش **g**eşmiş (گذشته)< کئچمیش، گئشنیش **g**eşniş (گیشنیز)< کئشنیش، گۆنج **g**ünc (گوشه)< کۆنج.

- **ابدال گ> ج**: این نوع ابدال خاص گروه جنوب و لهجه های مرند، مراغه میباشد.مثال:جۇی **c**öy (آبی)< گۇی، جئت **c**et (برو)< گئت، جۆمۆش **c**ümüş(نقره)< گۆمۆش، جۆلۆر **c**ülür (میخندد) <

گـۆلـۆر، جؤستر cöstər (نشان بده)< گؤستر، جیلاس cilas (گیلاس) < گیلاس، جیله نار cilənar (آلبالو)< گیله نار.

- **ابدال گـ< گی**: این نوع ابدال چندان رایج نیست و قبل از واکه های پیشین و پسین در برخی از لهجه های ترکی آذربایجانی مشاهده میشود. مثال: قـوُن qun//قـۆن qün (روز)< گـۆن، قـلین qəlin (عروس)< گلین، قؤمقؤی qömqüy (سبز تیره) < گؤمگؤی ، قـۆمـۆش qümüş (نقره)< گـۆمـۆش، قـؤردی qördi (دید)< گؤردی.

- **ابدال ل< ن**: این فرایند نیز چندان رایج نمیباشد و تنها در چند کلمه دخیل مشاهده شده است. مثال: نیمچه nimçə (بشقاب)< لیمچه، نیفه nifə (کنار)< لیفه، نچك nəçək (روسری)< لچك ،نامپه nampə (چراغ گردسوز)< لامپه.

- **ابدال ل< ی**: این فرایند نیز چندان رایج نمیباشد و در چند نمونه مشاهده شده است. مثال: یاپ yap (درجه تفصیلی)< لاپ، یئچك yeçək (روسری)< لچك.

- **ابدال م< ن**: این فرایند چندان رایج نمیباشد و تنها در کلمات دخیل مشاهده شده است. مثال: نـۆبارك nübarək (مبارك)< مـۆبارك، نئیوه neyvə (میوه)< مئیوه، نیشار nişar//نـۆشار nüşar (اره) < میشار.

- **ابدال ن< ل**: این فرایند نیز چندان رایج نمیباشد و تنها در چند کلمات دخیل مشاهده شده است. مثال: لیزام lizam (نظام)< نیظام، لعلبکی ləlbəki (نعلبکی) نعلبکی، لـۆتـۆجه lütücə (نتیجه)< نتیجه، لیمچه limçə (سینی)< نیمچه، لامیس lamıs (ناموس)< نامـوُس، لاماس lamas (نماز)< ناماز، لئیسان leysan (پاییز)< نئیسان.

- **ابدال ن> م**: این فرایند چندان رایج نمیباشد و تنها در کلمات دخیل مشاهده شده است. مثال: معلوکی **m**əlvəki (نعلبکی)< نعلبکی، مـۆصرت **m**üsrət (نصرت)< نـۆصرت.

- **ابدال و> ل**: این فرایند چندان رایج نمیباشد.مثال: لئدارا **l**edara (سطل) وئدره.

- **ابدال و> م**: این فرایند چندان رایج نمیباشد.مثال: مامدا **m**amda (حرارت کم)< وامدا.

- **ابدال ه> خ**: این نوع ابدال ویژه گروه جنوبی است و در لهجه های این منطقه به ویژه در پسیان، نوراشین و اردوباد مشاهده میشود. مثال: خیس **x**is (دوده)< هیس، خاچار **x**açar (آچار)< هاچار، خامام **x**amam (حمام)< حامام، خانی **x**ani (کو)< هانی.

- **ابدال ی> د**: این نوع ابدال در چند مثال در لهجه کازاخی قبل از واکه های لبی دیده شده است. مثل: دؤمرؤخ **d**umrux (مشت)< یؤمرؤخ، دؤمرؤ **d**umru (گرد)< یؤمرؤ.

- **ابدال ی> ق**: این فرایند چندان رایج نمیباشد.مثال: قاواش **q**avaş (آهسته)< یاواش.

- **ابدال ی> ه**: این فرایند چندان رایج نمیباشد.مثال: هـۆنگـۆل **h**üngül (سبك)< یـۆنگـۆل.

۱-۲- **ابدال در میانه واژه**: این فرایند در کلیه لهجه های ترکی آذربایجانی مشاهده میشود. ابدال در میانه واژه در موارد زیر مشاهده شده است:

- **ابدال ب> پ** : این نوع ابدال در لهجه های مغان و قاخ مشاهده میشود. این فراین چندان فراگیر نیست. مثال: صوپؤن sopun (صابون) < صابین، کوپؤد kopud (خشن)< کوبؤد، شورپا şorpa (سوپ)< شوربا، حپس həps (حبس)< حبیس، صؤحپت söhpət (صحبت)< صؤبت.

- **ابدال ب> ف** : این فرایند چندان رایج نیست و تنها در چند مثال در لهجه های ترکی آذربایجانی دیده شده است. مثال: کلفتین kəlfətin (انبردست)< کلبتین، ایفتیدا iftida (ابتدا)< ایبتیدا، کفین kəfin (نکاح) <کبین.

- **ابدال ب> ل** : این نوع ابدال چندان رایج نیست و تنها در چند مثال در لهجه آرپاچای ترکی آذربایجانی دیده شده است. مثال: سؤلف sulf (صبح) < صؤبح.

- **ابدال ب> و** : این نوع ابدال در اغلب لهجه های ترکی آذربایجانی مشاهده شده است.این خصوصیت در گروه شمالی و غربی رایجتر است. مثال: داوان davan(پاشنه)< دابان،چووان çovan (چوپان) < چوبان، قاواخ qavax (قبلا)< قاباق، سود səvəd.(سبد)< سبد، قؤرواغا qurvağa (قورباغه)< قؤرباغا، چیوان çivan (کورک)< چیبان، صاواح savah (فردا)< صاباح، شاوالیت şavalıt (شاه بلوط) < شابالیت، قاویخ qavıx (پوسته)< قابیخ، جوراوا corava (به جوراب)< جورابا، جوراوی coravi (جوراب را)< جورابی.

- **ابدال پ> ف** : این فرایند چندان رایج نیست و تنها در چند مثال در لهجه کازاخ دیده شده است. مثال: تافشیریخ tafşırıx (سفارش)< تاپشیریق، تافتیخ taftıx (پیداکردیم)< تاپدیق، شافکا şafka (کلاه شاپو) < شاپکا ، کؤفۆرمخ köfürməx (کف کردن)< کؤپۆرمك.

- **ابدال ت> د** : این نوع ابدال کم و بیش در تمام لهجه های ترکی آذربایجانی مشاهده میشود. در کلمات دخیل بعد از همخوانهای (س-ف-ش-ك) رخ میدهد و در واژه های ترکی هنگامیکه دو همخوان انسدادی پشت سرهم قرارگیرند. مثال: خسده xəs**d**ə (بیمار)< خسته، دسده dəs**d**ə (دسته)< دسته، شاخدا şax**d**a (سرما)< شاختا، تاخدا tax**d**a //تخده təx**d**ə (تخته)< تخته، هفده həf**d**ə (هفته)< هفته، یاسدیق yas**d**ıq (متکا)< یاستیق، مـؤشدری müş**d**əri (مشتری)< مـؤشتری، دوخدؤر dox**d**ur (دکتر)< دوختور، پیسده pis**d**ə (پسته)< پیسته ، تیراخدؤر tirax**d**ur (تراکتور)< تیراختور.

- **ابدال ت> ك** : فرایندی بسیار نادر است و تنها در چند واژه مشاهده شده است. دراغلب موارد بعد از صدای (س) رخ میدهد. مثال:اؤرکو ör**k**ü //اؤکرؤ ö**k**rü (برای)< اؤترؤ، اؤسکؤن üs**k**ün (بالاتر)< اؤستـؤن.

- **ابدال ت> گ** : این فرایند نیز بسیار نادر است و تنها در چند واژه بعد از صدای (س) مشاهده شده است. مثال: تـؤسگؤ tüs**g**ü (دود) < تـؤستـؤ.

- **ابدال ج> ژ** : این فرایند در گروه غربی و جنوبی فعالتر است. مثال: مژبؤر mə**j**bur (مجبور)< مجبؤر، گئژه ge**j**ə (گئجه)< گئجه، قوژا qo**j**a (پیر< قوجا،مژنؤن mə**j**nun(مجنون)< مجنؤن، مئژمئیین me**j**meyin (سینی) مئجمئیین، باژاناق ba**j**anaq(باجناق) < باجاناق،.

- **ابدال ج> ش** : این فرایند در اغلب لهجه های ترکی آذربایجانی و در کلمات دخیل مشاهده میشود. مثال: باشارماق ba**ş**armaq (توانستن)< باشارماق، ایشتیماعی i**ş**timai (اجتماعی)< ایجتیماعی.

- **ابدال چ> ش** : این نوع ابدال در لهجه های گروه جنوبی بیشتر مشاهده میشود. مثال: آشماق a**ş**maq (بازکردن)< آچماق، قاشدی qa**ş**dı (فرارکرد)< قاچدی،، اوْشدوْ u**ş**du (پروازکرد)< اوْچدوْ، ایشقیرماق ı**ş**qırmaq (سکسکه کردن)< ایچقیرماق، ایشمك i**ş**mək (نوشیدن)< ایچمك.

- **ابدال د> ت** : این نوع ابدال در لهجه های ترکی آذربایجانی چندان رایج نمیباشد. البته در چند واژه به این فرایند برمی خوریم. مثال: تؤستاق tus**t**aq (زندانی)< دؤستاق،بؤلؤتدان bulu**t**dan (از ابر)< بؤلؤددان، مئیتی Mey**t**i//مئهتی Meh**t**i (مهدی)< مئهدی، نرتؤهان nər**t**uhan (نردبان)< نردیوان،یئتدی ye**t**di (هفت) < یئددی، قوْروْتوْن quru**t**un (کشك)< قوْروْدوْن.

- **ابدال د> ن** : این این نوع چندان رایج نیست و در چند واژه دیده شده است. مثال: دانیزماخ da**n**ızmax (مزمزه کردن، چشیدن)< دادیزماق.

- **ابدال د> ی** :این این نوع چندان رایج نیست و در چند واژه مشاهده شده است. مثال:تیبیر tə**y**bir (تدبیر)< تدبیر،گئییر ge**y**ir (میرود)< گئدیر.

- **ابدال ر> ل:** این نوع ابدال تنها در گروه جنوبی دیده میشود و در سایر گروه ها رایج نیست. مثال: قوْلباغا qu**l**bağa (قورباغه) < قوْرباغا، چالغات ça**l**ğat (چارقد)< چارقات، سیلغا sı**l**ğa (گردنبند) < سیرغا، کلتنکله kə**l**tənkələ (مارمولك)< کرتنکله، کیلپی ki**l**pi (جوجه تیغی) < کیرپی، سلچه sə**l**çə (گنجشگ)< سئرچه.

- **ابدال ر>ی:** این نوع ابدال در بین دو واکه رخ میدهد و خاص گروه جنوبی لهجه های ترکی آذربایجانی است. مثال: قییمیزی qi**y**mizi (قرمز)< قیرمیزی، شییین şi**y**in (شیرین)< شیرین، قیه qə**y**ə (سیاه) < قارا، آییتداماخ a**y**ıtdamax (پاك کردن) < آریتداماق.

- **ابدال ش> ج** : این نوع ابدال چندان رایج نمیباشد و تنها در چند واژه مشاهده شده است. مثال: پادجاه pad**c**ah (پادشاه)< پادیشاه، ساغدیجی sağdı**c**ı (ساقدوش)< ساغدیشی، سولدیجی soldı**c**ı (ساقدوش) < سولدیشی.

- **ابدال غ> ق** : این نوع ابدال چندان رایج نمیباشد و تنها در گروه جنوبی مشاهده شده است. مثال: قارقا qar**q**a (کلاغ)< قارغا، بۇرقۇ bur**q**u (پیچ)< بۇرغۇ، دامقا dam**q**a (تمغا)< دامغا،یورقان yor**q**an (تشك) < یورغان، یورقۇن yor**q**un (خسته) < یورغۇن، قایقاناخ qay**q**anax (کاچی) < قایغاناق،سیرقا sır**q**a (گردنبد)< سیرغا، قابیرقا qabır**q**a (دنده)< قابیرغا.

- **ابدال ف> پ**: این نوع ابدال چندان رایج نیست و تنها در چند کلمه (بیشتر دخیل) در لهجه زاکاتالا-قاخ دیده شده است. مثال: سپر sə**p**ər (سفر)< سفر، کۆلپت kül**p**ət (عائله)< کۆلفت، قیپیل qı**p**ıl (قفل) < قیفیل، هپته hə**p**tə (هفته)< هفته، تۆپنگ tü**p**əng (تفنگ)< تۆفنگ.

- **ابدال ف> خ** :این نوع ابدال چندان رایج نیست و تنها در چند کلمه (بیشتردخیل) در لهجه آرپاچای دیده شده است. مثال: آختافا a**x**tafa (آفتابه) < آفتافا.

- **ابدال ف> و** :این نوع ابدال نیز بندرت مشاهده میشود. تنها شواهد این فرایند در لهجه مغان در چند کلمه دیده شده است. مثال: سیوته si**v**tə (دشت) < سیفته، تۆونگ tü**v**əng//تۆوك tü**v**ək (تفنگ)< تۆفنگ، میخللوات mixəllə**v**at(مخلفات)< میخللفات.

- **ابدال ف> ی** :این نوع ابدال تنها در لهجه کازاخی مشاهده میشود. مثل: شویتـۆلی şo**y**tüli (شفتالو)< شفتالی، کؤیکـۆر kö**y**kür (کفگیر) < کفگیر، بنؤیشه bənö**y**şə (بنفشه)< بنفشه.

- **ابدال ك> ه** : این نوع ابدال نیز در تمامی لهجه ها مشاهده نمیشود و بیشتر در گروه غربی و جنوبی لهجه مرند مشاهده شده است. مثال: کهلیك` kə**h**likٖ (کبك)< ککلیك، چـك`مه çə**h**mə (چکمه)< چکمه، مك`تب mə**h**təb//مهتو mə**h**təv (مکتب)< مکتب ، ألهبر Ələ**h**bər (علی اکبر)< ألکبر.

- **ابدال گ//ك> ی** :این نوع ابدال در تمامی لهجه ها مشاهده نمیشود و بیشتر در گروه غربی و جنوبی رخ میدهد. مثال: میم mə**y**əm (مگر) < مگر، سیسن sə**y**sən (هشتاد)< سکسان، اؤیسـۆرۆر ö**y**sürür (سرفه میکند)< اؤسکـۆرۆر، دییسینمك` di**y**sinməkٖ (ازجا پریدن)< دیکسینمك.

- **ابدال ل>ر**: این نوع ابدال در گروه غربی در کلمات دخیل دیده میشود. مثال: چیرپاخ çırpax (لخت)< چیلپاق، کرفتین kə**r**fətin (قندشکن) < کلفتین، میرجه mi**r**cəkٖ (مگس)< میلچك، برکم bə**r**kəm (شاید) < بلکم، کیریف ki**r**if.(کانال) <کیلیف.

- **ابدال ل> ن**: این نوع ابدال بسیار نادر است و کمتر مشاهده میشود. مثال: اوُندوُز unduz (ستاره)< اوُلدوُز.

- **ابدال م> ن**: این نوع ابدال بیشتر در گروه شرقی و در کلمات دخیل دیده می شود، لیکن در برخی لهجه های جنوبی نیز مشاهده شده است. مثال: بوزوُنتوُر bozu**n**tur (خاکستری)< بوزوُمتوُل، مـۆنکـۆن mü**n**kün (ممکن)< مـۆمکـۆن، سناور sı**n**avar// سیناوار si**n**avar

//سینه وار sin**ə**var (سماور)< ساماوار، جیرناخ cır**n**ax (ناخنک) <. جیرماقلامق.

- **ابدال ن> ك:** این نوع ابدال بسیار نادر است و تنها در چند کلمه در لهجه گروه جنوبی مشاهده شده است. مثال: گؤرۆکۆر görü**k**ür (دیده می شود) < گؤرۆنۆر.

- **ابدال ن> ل:** این ابدال تنها در چند کلمه دخیل مشاهده شده است و فرایندی نادر است. مثال: ایلتیظام i**l**tizam (انتظام)< ایتنیظام، شیلیل şi**l**il (شنل)< شینل.

- **ابدال ن> م:** از نوع ابدال بسیار نادر است و تنها در چند کلمه در لهجه مغان دیده شده است. مثال: قومۇر qo**m**ur (می نشیند)< قونۇر، چامتا ça**m**ta (کیف)< چانتا.

- **ابدال ن> و:** از فرایندهای بسیار نادر است. مثال: یاواغ ya**v**ağ (گونه)< یاناق.

- **ابدال ن> ه:** این ابدال تنها در چند واژه گروه جنوبی دیده شده است. مثال: سوهرا so**h**ra (بعدا)< سونرا، ساها sa**h**a (به تو)< سانا، ماها ma**h**a (به من)< مانا.

- **ابدال و> ب** : این ابدال اغلب در کلمات دخیل و بیشتر در گروه شرقی مشاهده میشود و در سایر لهجه ها چندان رایج نمیباشد. مثال: خلبت xəl**b**ət(خلوت)< خلوت،قابال qa**b**al (دایره)< قوال، دؤبرۆش dö**b**rüş (درویش) < درویش، چرچۇوبا çərcu**b**a (چارچوب)< چرچیوه ، شالبار şal**b**ar (شلوار)< شالوار ، میرباری mir**b**ari (مروارید)< میرواری.

- **ابدال و> غ** : این ابدال در میان دو واکه و در چند مثال دیده شده است. فرایندی است که کمتر دیده میشود. مثال: صوغاب suğab (صواب) < صاواب،قوغین qoğın (هندوانه)< قووؤن،جاغاب cağab//جوغاب coğab//جوغاف coğaf//چؤغاب çuğab (جواب)< جاواب.

- **ابدال و> ف** : این نوع ابدال بیشتر در کلمات دخیل مشاهده شده است و در واژه های ترکی آذربایجانی بندرت دیده میشود. مثال:کفشن kəfşən (کوشن)< کؤوشن، تحفیل təhfil (تحویل)< تحویل، جانافار canafar (جانور)< جاناوار، نردؤفان nərdufan(نردبان)< نردیوان، أحفالات əhfalat (احوالات)< أحوالات، تؤفار tufar//دؤفار dufar//تیفار tifar (دیوار)< دیوار.

- **ابدال و> ه** : این ابدال تنها در دو واژه در لهجه کازاخی دیده شده است. مثال: دیهار dihar(دیوار)< دیوار، نوهرؤز nohruz (نوروز)< نوورؤز.

- **ابدال و> ی**: این ابدال بیشتر در لهجه کازاخ دیده شده است و پس از واکه های لبی رخ میدهد. مثال: تویله toyla (طویله)< تؤوله، اؤیلت öylət (اولاد)< اؤولاد، دؤیلت döylət (دولت)< دؤولت، سؤیۆن söyün (شاد شو)< سئوین، چؤیرؤر çöyrör (پشت و رو میکند)< چئویریر، دویغا doyğa (آش دوغ)< دووغا، دویشان doyşan (خرگوش)< دؤوشان.

- **ابدال ه> ر**:از نوع ابدال نادر است. مثال: ورشی vərşi (وحشی)< وحشی.

- **ابدال ه> ن**: از فرایندهای نادر است. مثال: منصیل mənsil (محصول)< محصؤل.

- **ابدال ه> غ**: از نوع ابدال بسیار نادر است و تنها در چند واژه در یك زیرلهجه دیده شده است. این فرایند مابین دو واکه رخ میدهد. مثال: ساغات sa**ğ**at (صحت)< صاحات، جاماغات cama**ğ**at (جماعت) < جاماعات، ایمتاغان imta**ğ**an (امتحان)< ایماتاحان ، اینتیغا inti**ğ**a (انتها)< اینتها.

- **ابدال ه>ی**: این نوع ابدال خاص در گروه شرقی لهجه های ترکی آذربایجانی و در لهجه های جنوب مشاهده شده است. مثال: تئیفه te**y**fə (تحفه) < تؤحفه، سؤیبت sö**y**bət (صحبت)< صؤحبت، شایید şa**y**id (شاهد)< شاهید، سئیرا se**y**ra (صحرا)< صحرا، تئیران te**y**ran (تهران)< تئهران، قویؤم qo**y**um (فامیل)< قوهؤم، کؤینه kö**y**nə (کهنه)< کؤهنه، جفاییر cəfa**y**ir (جواهر)< جواهیر، مئیتر me**y**tər (مهتر)< مئهتر، صاییف sa**y**ıf.(صاحب)< صاحیب.

- **ابدال ی> غ** : این ابدال تاکنون تنها در لهجه آیروم مشاهده شده است. مثال: ایغده i**ğ**də (سنجد)< اییده، ایغنه i**ğ**nə (سوزن)< ایینه، دۆغمه dü**ğ**mə (دگمه)< دۆیمه، دغیرمان də**ğ**irman (آسیاب) < دییرمان، دؤغۆش dö**ğ**üş (نبرد)< دؤیۆش، سؤغۆت sö**ğ**üt (بید)< سؤیۆد.

- **ابدال ی> ق** : این ابدال کم مشاهده میشود و تنها در چند کلمه در لهجه های قاخ و زاقاتالا و آیروم دیده شده است. مثال: دۆقۆ dü**q**ü (برنج) < دۆیۆ،یۆقن yü**q**ən (افسار)< یۆین،قوقارچین qo**q**arçin (کبوتر) < گؤیرچین ، جیقر ci**q**ər (جگر)< جییر، قوقرتی qo**q**ərti (سبزی) < گؤیرتی.

- **ابدال ی> گ** : این نوع ابدال در گروه شرقی و جنوبی مشاهده میشود. اغلب در بین دو واکه و یا دو همخوان انسدادی رخ میدهد. مثال: ایگنه i**g**nə (سوزن)< ایینه، دۆگی dü**g**i (برنج)< دۆیۆ، دۆگمه dü**g**mə

(دگمه)< دؤیمه،ایگیت i**g**it (پهلوان)< اییید، أگری ə**g**ri (کج)< أیری، ایگیرمی i**g**irmi (بیست)< اییرمی.

- **ابدال ی< و** :این ابدال خاص گروه جنوبی است. این فرایند پس از واکه های (اؤ-او) و به تاثیر آنها رخ میدهد. در برخی لهجه ها بعد از واکه های (آ-ائـ -أ) نیز دیده شده است. مثال: سئوید se**v**id(بید) < سؤیؤد، گؤورتی gö**v**ərti (سبزی)< گؤیرتی، گؤورچین gö**v**ərçin (کبوتر) < گؤیرچین، سؤوؤد sö**v**ud (بید)< سؤیؤد، سوووُخ so**v**ux (سرد) < سویؤخ، چویرککه çə**v**irkkə (ملخ)< چیرککه ، تووؤخ to**v**ux (مرغ) < تویؤق.

۳- ابدال در انتهای واژه: ابدال همخوانها در انتهای واژه هم در واژه های ترکی آذربایجانی و هم در کلمات دخیل در کلیه لهجه های ترکی آذربایجانی مشاهده میشود. ابدال در انتهای واژه در موارد زیر مشاهده شده است:

- **ابدال ب< پ:** ابدال همخوان ب با پ در گروه جنوب بیشتر است، لیکن در سایر لهجه نیز دید شده است. هنگام افزودن پسوند با همخوان این فرایند رخ میدهد ، لیکن اگر پسوند با واکه آغاز شود چنین فرایندی دیده نمیشود. مثال: کیتاپ kita**p** (کتاب)< کیتاب، کاباپ kaba**p** (کباب)< کاباب، مکتپ məktə**p** (مکتب)< مکتب، حئساپ hesa**p** (حساب)< حئساب، مکتؤپ məktu**p** (نامه) < مکتؤب.

- **ابدال ب< ف:** این نوع ابدال عمدتا در گروه غربی و شمالی مشاهده میشود ، لیکن در گروه جنوبی نیز این فرایند رخ میدهد. بیشتر در کلمات دخیل دیده میشود. هنگام افزودن پسوند با همخوان (ف) بیشتر به (و) تبدیل میشود. مثال: زویوف **züyüf** (سرخورد)< زویوب ، کیتاف **kitaf** (کتاب)< کیتاب، کاواف **kavaf** (کباب)< کاباب، جاواف

cavaf (جواب)< جاواب، جوراف **coraf** (جوراب)< جوراب، جورافچی **corafçi** (جورابچی)< جورابچی، صاییف **sayıf** (صاحب) < صاحیب،.

- **ابدال ب> و**: این نوع ابدال در انتهای واژه های تك هجایی در گروه غربی مشاهده میشود. مثال: جیو **civ** (جیب)< جیب، دیو **div** (ته)< دیب، قاو **qav** (ظرف)< قاب.

- **ابدال پ> ف**: این ابدال در انتهای واژه ها و هنگام افزودن پسوند با همخوان در ابتدای آن در گروه های غربی ، جنوبی و لهجه شهر شكی بیشتر دیده میشود.مثال: تاف **taf** (پیداكن)< تاپ، قۇلف **qulf** (دسته) < قۇلپ، تۇرف **turf** (ترب)< تۇرپ، توف **tof** (توپ)< توپ، تاف **taf** (پیداكن)< تاپ،لاف **laf** (حداكثر)< لاپ، ساف **saf** (نخ) ساپ .

- **ابدال ج> ژ** : این ابدال در انتهای واژه های تك هجایی در گروه غربی و جنوبی مشاهده میشود.مثال: گیژ **gij** (گیج)< گیج، بیژ **bij**(زرنگ) < بیج ، گئژ **gej** (دیروقت)< گئج، آژ **aj** (گرسنه)< آج، گۆژ **güj** (زور) < گۆج،.

- **ابدال ج> ش** : این نوع ابدال در گروه جنوبی و غربی مشاهده میشود. مثال:آغاش **ağaş** (درخت)< آغاج، كرپیش **kərpiş** (آجر) < كرپیج، قیلیش **qılış** (شمشیر)< قیلیج، تۇراش **turaş** (توراج)< تۇراج، چكیش **çəkiş** (چكش)< چكیج، دیلماش **dilmaş** (مترجم)< دیلماج، اورۇش **oruş** (روزه)< اورۇج، بوش **boş** (قرض)< بورج، مرش **mərş** //مش **məş** (شرط بستن)< مرج.

- **ابدال چ> ش**: این نوع ابدال نیز در گروه جنوبی و غربی مشاهده میشود. این فرایند در كلمات تك هجایی بیشتر رخ میدهد. اگر پسوندی با واكه به این واژه ها افزوده شود این فرایند رخ نمیدهد. مثال: كۆش **köş**

(کوچ)< کؤچ، اۆش **üş** (سه)< اۆچ، هئش **heş** (هیچ)< هئچ، سئش **seş** (انتخاب کن)< سئچ، قوش **qoş** (قوچ)< قوچ.

- **ابدال د> ت**:این نوع ابدال در اغلب لهجه ها خصوصا در گروه غربی، شمالی و جنوبی و تا حدی شرقی مشاهده میشود. اگر پسوندی با واکه به این واژه ها افزوده شود این فرایند رخ نمیدهد. مثال: بؤلؤت **bulut** (ابر)< بؤلؤد، پیت **pit** (پیت)< پید، آرمیت **armıt** (گلابی)< آرمؤت، نابلت **nabələt** (ناشی)< نابلد ،قۇرۇت **qurut** (کشك)< قۇرۇد،آروات **arvat** (عورت)< آرواد، دؤرت **dört** (چهار)< دؤرد.

- **ابدال ر> ل**: این ابدال کمتر دیده میشود. تنها درچند نمونه و بیشتر در گروه جنوبی مشاهده شده است. مثال: ضرل **zərəl** (زیان) < ضرر، خنجل **xəncəl**//خنچل **xənçəl** (خنجر)< خنجر،أنجیل**əncil**//اینجیل **incil** (انجیر) < أنجیر.

- **ابدال ر>م** : این فرایند نادر است. لیکن درچند نمونه و در گروه جنوبی مشاهده شده است. مثال: میم **məyəm** (مگر)< مگر

- **ابدال ز> س**: این ابدال در گروه جنوبی و غربی رایجتر است و بیشتر در انتهای واژه های چندهجایی مشاهده میشود. مثال: پالاس **palas** (پلاز)< پالاز، قارپیس **qarpıs** (هندوانه)< قارپیز، اۇلدۇس **uldus** (ستاره)< اۇلدۇز، خورۇس **xorus** (خروس)< خورۇز، پاییس**payıs** (پاییز)< پاییز، دوققۇس **doqqus** (نه)< دوققۇز، فیرنگیس **firəngis** (فرنگیس)< فیرنگیز، سککیس **səkkis** (هشت)< سککیز، آتلاس **atlas** (اطلس)< آتلاز.

- **ابدال ش> چ** : از فرایندهای بسیار نادر است و تنها در یکی دو واژه دیده شده است. مثال: قارانقۇچ **qaranquç** (پرستو)< قارانقۇش، ایسماریچ **ismarıç**(سفارش) <ایسماریش.

- **ابدال ف> پ**: این ابدال چندان رایج نیست. مثال: قیپ qı**p** (قیف)< قیف.

- **ابدال ق> خ**: این نوع ابدال در گروه جنوبی،غربی و شمالی در انتهای واژه های چندهجایی رایج میباشد. مثال: آریخ arı**x** (لاغر)< آریق، یارپاخ yarpa**x** (برگ)< یارپاق، بالیخ balı**x** (ماهی)< بالیق، دیرناخ dırna**x** (ناخن)< دیرناق، تورپاخ torpa**x** (خاك)< تورپاق، قابیخ qabı**x** (پوست)< قابیق، چۆبۆخ çubu**x** (چپق)< چۆبۆق، پالچیخ palçı**x** (گل)< پالچیق.

- **ابدال ق> غ** : این نوع ابدال موازی فرایند فوق است و تنها در گروه غربی مشاهده میشود. مثال: یارپاغ yarpa**ğ** (برگ)< یارپاق، بالیغ balı**ğ** (ماهی)< بالیق، دیرناغ dırna**ğ** (ناخن)< دیرناق، تورپاغ torpa**ğ** (خاك)< تورپاق، قابیغ qabı**ğ** (پوست)< قابیق، چۆبۆغ çubu**ğ** (چپق)< چۆبۆق، پالچیغ palçı**ğ** (گل)< پالچیق.

- **ابدال ك> گ** : این ابدال در گروه شرقی بیشتر دیده میشود. مثل: اینگ inə**g** (گاو)< اینك، چؤرگ çörə**g** (نان)< چؤرك، کۆلگ külə**g** (باد) < کۆلك، کیچیگ kiçi**g** (کوچك)< کیچیك.

- **ابدال ك> م**: این فرایند چندان رایج نیست. مثال: چیألم çiə**l**əm (توت فرنگی)< چییلك.

- **ابدال ك> ه**: این ابدال در گروه جنوبی، غربی و شمالی در انتهای واژه های چند هجایی دیده میشود. مثال: اینك` inə**ķ** (گاو)< اینك، چؤرك` çörə**ķ** (نان)< چؤرك، کۆلك` külə**ķ** (باد)< کۆلك، کیچیك` kiçi**ķ** (کوچك)< کیچیك.

- **ابدال ك> ی**: این نوع ابدال در گروه غربی و در برخی لهجه های گروه شرقی در انتهای واژه و یا هنگام افزودن پسوند رخ میدهد. مثال: كۆری **kürəy** (كمر)< كۆرك، ألی **ələy** (سرند)< أللك، اینی **inəy** (گاو)< اینك، اۆری **ürəy** (قلب)< اۆرك، اؤردی **ördəy** (اردك)< اؤردك.

- **ابدال ل> ر** : این فرایند چندان رایج نیست. مثال: تونقار **tonqar** (توده هیزم)< تونقال.

- **ابدال م> ن** : این فرایند چندان رایج نیست. مثال: تصمین **təsmin** (تصمیم)< تصمیم .

- **ابدال ن> م**: این نوع ابدال کمتر به چشم میخورد. با این حال هم کلمات دخیل، هم در واژه های ترکی مشاهده شده است. مثال: آفریم **afərim** (آفرین) < آفرین، بادیمجام **badımcam** (بادمجان)< بادیمجان،دۆگۆم **dügüm**//دۆیۆم **düyüm** (گره)< دۆیۆن، قۇرقۇشۇم **qurquşum** (سرب)< قۇرقۇشۇن.

- **ابدال و> ی**: این فرایند ویژه لهجه کازاخی است و در انتهای واژه بعد از واکه های لبی رخ میدهد. مثال: بۇزوی **buzoy** (گوساله)< بۇزوو، پیلوی **piloy** (پلو)< پیلوو، کؤسؤی **kösöy** (کنده) کؤسؤو.

- **ابدال ه> ف**: این نوع ابدال کمتر به چشم میخورد، لیکن در چند مثال در لهجه آرپاچای به آن برمیخوریم. مثال: .سۇلف **sulf** (صبح)< صۇبح

۲ـ اضافه شدن همخوان ها:

اضافه شدن همخوان ها در سه موقعیت در واژه ها دیده میشود: در ابتدا، میانه و در انتهای واژه. همخوانهای (ب- خ- د-ر- س- ق-ك- گ- م- ی-

ه- ن- و-) متفاوت از زبان معیار در لهجه های ترکی آذربایجانی در واژه ها اضافه میشوند. البته در برخی موارد در مقایسه با زبان معیار اینرا نمیتوان اضافه کردن بلکه انتخاب یکی از دو حالت تاریخی واژه به حساب آورد. برای مثال در گذشته در ابتدای برخی از واژه ها همخوان "ی" نوشته میشد ، مثل یلدز (ستاره) ولی در زبان معیار کنونی این همخوان حذف شده و تنها در لهجه ها به بقای خود ادامه میدهد که در مقایسه با زبان معیار نوعی اضافه شدن همخوان تلقی میشود. اضافه شده همخوانها در حالتهای زیر واقع میشود:

۲-۱- اضافه شدن همخوان در ابتدای واژه : اضافه شدن همخوان (ی) و (ه) فرایندی است که در لهجه های ترکی آذربایجانی در ابتدای واژه رخ میدهد. البته از نظر تاریخی هردو حالت یعنی واژه هایی با همخوان (ی) و بدون آن رایج بوده است. لیکن از آنجاییکه گویش معیار واژه را بدون (ی) را انتخاب کرده است و وجود همخوان (ی) در لهجه ها تداوم دارد ، آنرا نوعی اضافه شدن به حساب می آوریم. در برخي از گویشها این حالت زبان معیار شمرده میشود. اضافه شدن همخوانها در زبان ترکي آذربایجاني در ابتدای واژه به شکل زیر میباشد:

- **اضافه شدن همخوان ی (y)** : اضافه شدن همخوان (ی) در اغلب لهجه ها خصوصا در گروه شمالی و جنوبی مشاهده میشود. این فرایند قبل از واکه های بسته رخ میدهد، لیکن قبل از واکه باز (آ) نیز دیده میشود. مثل: ییری **yiri** (درشت)< ایری، ییلخی **yılxı** (گله)< ایلخی، ییل **yil** (سال) <ایل، ییلدیریم **yıldırım**(رعدوبرق)< ایلدیریم، یُولدُوز **yulduz** (ستاره) < اُولدُوز، یۆزۆك **yüzük**(انگشتری)< اۆزۆك، یۆرك **yürək** (قلب)< اۆرك، ییگیت **yigit** (پهلوان)< ایگیت، یئسیر **yesir** (اسیر)< أسیر، یئندیر **yendir** (پایین بیاور)< ائندیر.

- اضافه شدن همخوان ه (h) : اضافه شدن همخوان «ه» در اغلب لهجه ها کم و بیش مشاهده میشود، لیکن مختص گروه شمالی میباشد. محمود کاشغری اضافه شدن همخوان «ه» را تاثیر زبانهای غیرترك میداند.مثل: هاسان **h**asan//هاسانت **h**asant (آسان)< آسان، هاچار **h**açar (آچار) < آچار، هلبتده **h**əlbətdə (البته)< ألبته، هانجاق **h**ancaq (لیکن)< آنجاق، هالچا **h**alça (آلوچه)< آلچا، هارابا **h**araba (ارابه)< آرابا ، هاذربئجان **h**azerbecan (آذربایجان) < آذربایجان، هوندا **h**onda// هؤندا **h**unda (نزد او)< اوندا، هریك **h**ərik (زردآلو)< أریك.

۲-۲- اضافه شدن همخوان در میانه واژه ها: این فرایند نسبت به فرایند فوق فعالتر است و همخوانهای (ی- ه- ن- ق-غ- ك- گ- د-ر- ب- و- م) در میانه برخی واژه ها افزوده میشوند. اضافه شدن همخوان در میانه واژه به صورت زیر انجام میگیرد:

- اضافه شدن همخوان ب (b): این فرایند در چند واژه قبل از واکه های لبی مشاهده شده است. مثال: حامبال ham**b**al (حمال)< حامال، قاپباز qap**b**az (توسری)< قاپاز، چومباخ çom**b**ax (چماق)< چوماق،.

- اضافه شدن همخوان د (d) : اضافه شدن همخوان (د) در لهجه مغان و کازاخ بیشتر مشاهده میشود. مثال: تۆتدك tüt**d**ək (توتك)< تۆتك، باتداخ bat**d**ax (باتلاق)< باتاق، یؤمؤرتدا yumurt**d**a (تخم مرغ) < یؤمؤرتا ، ورثده vərəs**d**ə (وراث)< ورثه،.

- اضافه شدن همخوان ر (r) : اضافه شدن همخوان (ر) در لهجه مغان مشاهده می شود. این فرایند اغلب قبل از همخوان (ش-ج) و بعد از همخوان (ت) رخ میدهد. مثال: قیرچ qı**r**ç (پا) < قیچ، تۆرشبره tü**r**şbərə//تورشبره turşbərə (نوعی غذا از گوشت سینه بره)<

تۆشبره، بـۆترۆم bütrüm (همه)< بـۆتـۆن، مرژمیی məjməyi// مرجمیی mərcməyi (سینی)< مجمیی.

- **اضافه شدن همخوان غ (ğ)** : از فرایندهای بسیار نادر است. مثال: اوغراغ oğrağ (داس)< اوراق.

- **اضافه شدن همخوان ق (q)** : این فرایند بسیار نادر است و در لهجه های ترکی آذربایجانی اغلب مابین همخوانهای (ش-ل) و واکه (آ) مشاهده میشود. به نظر برخی از زبانشناسان این حالت بازمانده حالتی است که در گذشته در زبان اوغوزی بوده[1] و آن حفظ همخوان (ق-غ) در بین واژه می باشد. برای مثال در واژه سیچقان siçqan (موش) قدیمی این حالت دیده میشود. مثال: دانیشقان danışqan (حراف)< دانیشان ، تیشقاری tişqari// دیشقاری dişqari (بیرون)< دیشاری،.

- **اضافه شدن همخوان گ (g)** : این فرایند تنها در لهجه نخجوانی دیده شده است. کؤچرکی köçərgi (کوچ کننده)< کؤچری، گئدرگی gedərgi (رفتنی)< گئدری. البته به نظر برخی از زبانشناسان این حالت اضافه شدن نیست بلکه همان پسوند –گی،-قی//غی است که در زبان معیار و برخی واژه ها حفظ شده است. مانند: ایچگی içgi (نوشیدنی)، سیلگی silgi (تمیزکننده، پاک کن)، آسقی asqı (آویزان کردنی) و وئرگی vergi (مالیات).

- **اضافه شدن همخوان م (m)** : این فرایند بسیار نادر است. مثال: ترۇمبا trumba (تروپ)< ترۇبا.

---

[1]. لازم به ذکر است که برخی از واژه های ترکی اوغوزی با حفظ صدای «ق» به زبان فارسی وارد شده اند ، لیکن در فرایند های بعدی زبان ترکی ازین واژه ها حذف شده اند. مثل درق (دره)

- **اضافه شدن همخوان ن (n)** : این فرایند در گروه شرقی بیشتر مشاهده میشود و قبل از همخوانهای (ت-د-ك-گ-ج-چ-ع) رخ میدهد. مثال: نه قندر nə qə**n**dər (هرچقدر)< نه قدر، کلیند kili**n**d (کلید)< کلید، سرحند sərhə**n**d (سرحد)< سرحد، میخنگ mixə**n**g (میخك)< میخگ،زیرنگ zirə**n**g (زیرك)< زیرك، ائلنجه elə**n**cə (همانطور) < ائلجه، فیرصند firsə**n**d (فرصت)< فؤرصد.

- **اضافه شدن همخوان و (v)** : از فرایندهای بسیار نادر است. مثال: ساوال sa**v**al (سئوال)< سوال.

- **اضافه شدن همخوان ه (h)** : اضافه شده همخوان (ه) اغلب در واژه های دخیل مشاهده میشود و فرایندی فراگیر نیست. مثال: جاماهات cama**h**at (جماعت)< جاماعات، نهلت nə**h**lət (لعنت)< نعلت، مهللیم mə**h**əllim (معلم)< معللیم، قنهت qənə**h**ət (قناعت)< قنعت، ساهات sa**h**at (ساعت)< ساعات.

- **اضافه شدن همخوان ی (y)** : این فرایند در گروه غربی لهجه ها فعالتر است و در کلمات دخیل مابین دو واکه رخ میدهد. مثل: حئیساب he**y**sab (حساب)< حئساب، شاییر şa**y**ır//شاییر şa**y**ir (شاعر)< شاعیر، ضییف zə**y**if (ضعیف)< ضعیف، دایوا da**y**va (دعوا)< داوا، تیاتر ti**y**atr (تئاتر)< تیاتر، بئیساواد be**y**savad (بیسواد)< بئساواد، بئیغیرت be**y**ğirət (بی غیرت)< بئغئیرت.، اعیتیبار e**y**tibar (اعتبار)< ائعتیبار، وایغۇن va**y**ğun (واگن)< واقۇن.

۲-۳- اضافه شدن همخوان در انتهای واژه: این فرایند نسبت به سایر فرایندها کمتر دیده میشود و اغلب در ادات ، حروف ربط و پسوندها رخ میدهد. اضافه شدن همخوان در انتهای واژه به صورت زیر انجام میگیرد:

ـ اضافه شدن همخوان خ (x): این فرایند اغلب به هنگام افزودن پسوند ـجا (اگر به نام قومی افزوده شود مفهوم زبان آن قوم را میدهد.) دیده میشود. مثال: فارسجاخ farsca**x** (فارسی)< فارسجا، اوُروُسجاخ urusca**x** (روسی)< روُسجا، کوُردجاخ kurdca**x** (کردی)< کوُردجه.

ـ اضافه شدن همخوان م (m): این فرایند نیز بندرت دیده میشود. مثل: برکم bərkə**m** (بلکه)< بلکه، کئشکم keşkə**m** (کاشکی)< کئشکی.

ـ اضافه شدن همخوان ن (n): این فرایند در بن واژه رخ نمیدهد و تنها در کلمات دخیل در بن واژه دیده میشود. مثال: دفعن dəfə**n** (دفعه)< دفعه،اؤترؤن ötrü**n** (برای)< اؤترؤ، قاباخجادان qabaxcada**n** (قبلا) < قاباقجادا، کرن kərə**n** (دفعه)< کره، قاباخجان qabaxca**n** (پیشتر)< قاباقجا، آخشام چاغین axşam çağı**n** (سرشب)< آقشام چاغی.

ـ اضافه شدن همخوان و (v): این فرایند در لهجه جبراییلی مشاهده میشود. مثال: کیلوو kilo**v** (کیلو)< کیلو، پیلوو pilo**v** (پلو)< پیلو.

ـ اضافه شدن همخوان ه (h): این فرایند نیز اغلب به هنگام افزودن پسوند ـجا (به مفهوم زبان قومی) دیده میشود. مثال: گؤرجؤجه gürcücə**h** (به زبان گرجی)< گؤرجؤجا.

ـ اضافه شدن همخوان ی (y): این فرایند در کلمات دخیل لهجه کازاخی دیده شده است. مثال: کیلوی kilo**y** (کیلو)< کیلو.

۳ـ حذف شدن همخوان ها:

حذف همخوان ها در لهجه های ترکی آذربایجانی در مقایسه با اضافه شدن (همخوانها) بیشتر مشاهده میشود. در این نوع فرایند ما شاهد حذف

همخوانهای انسدادی و همخوانهای (ت-ه-د-ك-ی-و-ر-ل-ن) هستیم. حذف شدن همخوانها در ابتدا، میانه و انتهای واژه به صورت زیر میباشد:

۳-۱- حذف شدن همخوان در ابتدا واژه ها: حذف همخوان در ابتدای واژه فرایندی است که در برخی از لهجه های ترکی آذربایجانی رایج است. در ابتدای واژه همخوانهای (ی-گ- ه- ن) در مقایسه با زبان معیار چندان مستحکم نیستند و دچار حذف میشوند. به نظر برخی از زبانشناسان وجود همخوان(ی) و (ه) در ابتدای واژه بطور تاریخی واقع بوده ، لذا با توجه به اینکه در زبان معیار امروزی این همخوانها در ابتدا واژه وجود دارند، این پدیده را در لهجه ها نوعی حذف تلقی میکنیم. حذف در ابتدای واژه در اشکال زیر رخ میدهد:

- **حذف همخوان گ (g)**: این فرایند بیشتر در ترکیباتی دیده میشود که واژه دوم آن با همخوان(گ) آغاز میشود و هنگام بیان همخوان حذف میشود. مثال: آلاؤ:ز alaö:z (چشم عسلی)< آلا **گ**ؤز، اوباأزر obaəzər (مهمان میان ایل)< اوبا **گ**زر، اوناؤره onaörə (بهمان سبب)< اونا **گ**ؤره، آغلیماألیر ağlımaəlir (بنظرم میاید)< آغلیما **گ**لیر.

- **حذف همخوان ن (n)**: این فراین بسیار کم رخ میدهد و تنها درچند نمونه به آن برخومیخوریم. مثال: ایشان işan (نامزد)< **نـ**یشان، ایشاننی işannı (نامزدی)< **نـ**یشانلی.

- **حذف همخوان ه (h):** این فرایند در گروه غربی فعال است. حذف همخوان (ه) عمدتا قبل از واکه های دولبی واقع میشود ولی قبل از واکه (ای) بسته نیز مشاهده شده است. مثال: ایشقیریق işqırıq //ایچقیریق ıçqırıq (سکسکه)< **هـ**یچقیریق ، اؤرۆمچك örümçək (عنکبوت)<

هـؤرۆمچك، اؤركمك örkmək (از جا پريدن)< **هـ**ؤركمك، اؤرمك örmək (بافتن)< **هـ**ؤرمك.

- **حذف همخوان ی (y):** این فرایند اغلب قبل از واکه های لبی بسته در بیشتر لهجه های ترکی آذربایجانی مشاهده میشود، لیکن قبل از واکه های کامی نیز رخ میدهد. مثال: اوُخاری uxarı (بالا)< **یـ**وُخاری، اوُموُورتا umurta (تخم مرغ)< **یـ**وُموُرتا، اوُرد urd (مسکن)< **یـ**وُرد، اوُخوُ uxu (خواب)< **یـ**وُخوُ، اۆزباشی üzbaşı (یوزباشی)< یـۆزباشی، ایملی iməli (خوردنی)< **یـ**ئملی، اوُموُروُ umuru (گرد)< **یـ**وُموُروُ، آسمن Asəmən (یاسمن)< **یـ**اسمن.

۳-۲- حذف شدن همخوان در میانه واژه ها: حذف همخوان در میانه واژه در لهجه های ترکی آذربایجانی بیشتر در همخوانهای انسدادی و همخوانهای (ه-ی-و-د- ف) رایج است. حذف همخوانها به صورت زیر رخ میدهد:

- **حذف همخوان د (d)**: حذف این همخوان فرایندی نادر است و تنها در چند نمونه به آن برمیخوریم. مثال: پنیر penir (پنیر)< پنـ**د**یر، گۆنـۆز günüz (روز)< گۆنـ**د**ۆز.

- **حذف همخوان ر (r):** حذف همخوان ر فرایندی چندان فراگیر نیست و در واژه ها قبل از همخوانهای (ت-ج-چ-خ-ژ- ش-ك) رخ میدهد. مثال: بیلدیچین bildiçin (بلدرچین)< بیلدیـرچین، قوُتار qutar (تمام کن)< قوُرتار، قیخ qıx (چهل)< قیـرخ، توُهلر tühlər (ترکها)< توُرکلر، قیخدیر qıxdır(کوتاه کن)< قیـرخدیر، قوخدوُم qoxdum (ترسیدم)< قورخدوُم، بوشلی boşli (بدهکار) < بورجلوُ، بؤیـۆتکن böyütkən (توت فرنگی)< بؤیـۆرتکن، چخلر çəxlər (چرخها)< چـرخلر، خشلیه xəşlik̦ (خرجی)< خـرجلیك.

- حذف همخوان ف (f): این فرایند چندان فراگیر نیست و تنها در چند واژه قبل از همخوان (ش) و یا مابین دو واکه مشاهده شده است. مثال: بنؤ:شه bənö:şə (بنفشه)< بنفشه، تۆأنگ tüəng //تۆأگې tüəķ (تفنگ) < تۆفنگ.

- حذف همخوان ل (l): این فرایند چندان فراگیر نیست و در برخی از لهجه ها قبل از همخوانهای (م-ش-چ) و همخوانهای لبی-دندانی رخ میدهد.مثال: دۆزت düzət (درست کن)< دۆزلت، آتمیش atmış (شصت)< آلتمیش،قاخدی qaxdi (برخاست)< قالخدی، آنامادیم anamadım (نفهمیدم)< آنلامادیم، خاخنان xaxnan (با مردم)< خالقلا، اؤشدۆم öşdüm (اندازه گرفتم)< اؤلچدۆم،میچك miçək (مگس)< میلچك.

- حذف همخوان م (m): این فرایند بسیار نادر است. مثال: أمه əmə//آما ama (اما)< آمما.

- حذف همخوان ن (n): این فرایند در تمام لهجه های ترکی آذربایجانی مشاهده میشود. حذف همخوان ن عمدتا قبل از همخوانهای (ت- ر- ز- ل- س- ش- گ- گ -ل) رخ میدهد. مثال: سورا sora (بعدا)< سونرا، نادیج nadic (ناآرام)< نادینج، هاسات hasat (آسان)< هاسانت، قشگ qəşəg (قشنگ)< قشنگ، قو:شی qo:şi (همسایه)< قونشی، قازاش qazaş (درآمد)< قازانچ، قیلیش qılış (شمشیر)< قیلینج، دیلماج dilmac// دیلماش dilmaş (مترجم)< دیلمانج.

- حذف همخوان و (v): حذف همخوان و در کلیه لهجه ها کم و بیش دیده میشود. این فرایند در برخی لهجه ها مابین دو واکه و در برخی دیگر قبل ازهمخوان (ش-غ- ق) رخ میدهد. مثال: او:قات o:qat (اوقات)< اووقات، یو:شان yo:şan (علف)< یووشان، دو:شان do:şan

(خرگوش)< دووشان، جوآن cuan(جوان)< جاوان ، قوورما qourma (قورمه) < قووورما، چوآل çual (کیسه)< چووال.

- **حذف همخوان ه (h):** این فرایند کم و بیش در تمام لهجه دیده میشود، لیکن در گروه شرقی فراگیرتر است. حذف همخوان "ه" بیشتر درکلمات دخیل مابین دو واکه یا قبل از همخوانهای انسدادی و همخوانهای (ش-س-ف-و) رخ میدهد. حذف همخوان باعث کشیده شدن واکه قبل از آن میشود. مثال: زأ:له zə:lə (نفرت)< زهله، مأ:له mə:lə (محله)< محله، مؤکم mö:kəm (محکم)< مؤحکم، مأ:صول mə:sul (محصول)< محصول، وأ:شی və:şi (وحشی)< وحشی، زأ:مت zə:mət(زحمت)< زحمت، ت:فیل tə:fil (تحویل)< تحویل ، سأ:ر sə:r (سحر)< سحر.

- **حذف همخوان ی (y):** این فرایند کم و بیش در بیشتر لهجه ها دیده میشود لیکن خاص گروه غربی است. حذف"ی"هم در بین دو واکه و هم قبل از همخوان (چ-ر-د-ك-ن) رخ میدهد. مثال: قچی qəçi(قیچی) <قیچی،ایرمی irmi (بیست)< ایرمی، درمانdərman (دارو) <دیرمان، گؤأرچین göərçin (کبوتر)< گؤیرچین، بؤرگ börəķ (کلیه)< بؤیرك، قا: qa: (صخره)< قایا.

۳-۳- حذف شدن همخوان در انتهای واژه: حذف همخوانها در انتهای واژه ها به مانند دو نوع دیگر نبوده و بسیار اندك رخ میدهد. به طور کلی حذف همخوان در انتهای واژه در دو همخوان (ت-ر-ل) بروز میکند. حذف در انتهای واژه در بن کلمه و همچنین در افزودن پسوندها مشاهده میشود. حذف همخوانها در انتهای واژه ها به صورت زیر است:

- **حذف همخوان ت (t):** حذف این همخوان در انتهای واژه در کلمات دخیل بعد از دو همخوان (س-خ) رخ میدهد. البته هنگام افزودن پسوند با واکه ت به موقعیت خود برمیگردد. مثال: دوس dos (دوست)< دوس**ت**، واخ vax (وقت)< واخ**ت**، دۆرۆس dürüs (درست) < دۆرۆس**ت**، اۆس üs (رو)< اۆس**ت**، دوسدۇ dosdu(دوستش)< دوس**تۇ**، واخدیم vaxdım(وقت من)< واخ**تیم**.

- **حذف همخوان ک//ق//خ (x):** این فرایند چندان رایج نیست و در چند واژه در لهجه قاخ دیده شده است. مثل: آلاجا alaca (میخرد)< آلاجاق، بیلجا bilca (میداند)< بیلجك، وئرجا verca (میدهد)< وئرجاق.

- **حذف همخوان ر (r):** حذف همخوان ر قبل از همخوانهای (د-م) در بن افعال یا حالتهای فعلی هنگام افزودن پسوند مشاهده میشود. مثل: اوتدی otdi (نشست)< اوتۇردی، گتدی gətdi (آورد) گتیردی، گلیبدی gəlibdi (آمده است)< گلیبدی**ر**،ایستیدی istidi(گرم است)< ایستیدی**ر**، ناخوشدۇ naxoşdu (مریض است)< ناخوشدۇ**ر**، بسدی bəsdi (بس است)< بسدی**ر**، قوشدۇ quşdu (پرنده است)< قوشدۇ**ر**، پیسدی pisdi.(بد است)< پیسدی**ر** ، اولا ola (میشود)< اولا**ر**[1].

- **حذف همخوان ل (l):** این فرایند چندان فراگیر نیست و تنها در دو واژه تثبیت شده است. مثال: دؤیۆ döyü//دؤی döy (نیست) < دئییی**ل** ، گأ: gə: (بیا)< گ**ل**.

- **حذف همخوان و (v):** حذف این همخوان در انتهای واژه در تعدادی واژه مشاهده شده است. مثال: پیلو pilo (پلو)< پیلو**و**، بیزو bizo (گوساله)< بیزو**و**، آلو alo (آتش)< آلو**و**.

---

[1] . Soomon. P.۳۰

- **حذف همخوان ه (h):** این فرایند چندان رایج نیست و در چند واژه دیده میشود. مثال: سئگا sega (سه گاه)< سئگاه، گۆنا güna (گناه)< گۆناه، شا şa (شاه)< شاه.

۴- همگونی همخوان ها:

گاهی یك همخوان در همنشینی با همخوان دیگر (در زبان ترکی آذربایجانی این حالت در بیشتر موارد هنگام افزودن پسوند پیش می آید) پاره ای از مختصات آوائی خود را از دست میدهد و به جای آن مختصات آوائی همخوان مجاور را به خود میپذیرد. این فرایند را که شاید یکی از جهانیهای آوائی باشد همگونی[1] گویند[2]. همجنس کردن آواها از فرایندهایی است که مخصوص لهجه ها میباشد و در زبان معیار بهیچوجه دیده نمیشود. این فرایند در کلیه لهجه های ترکی آذربایجانی فعال میباشد. همگونی همخوانها با توجه به سمت آن بدو دسته پسرو و پیشرو و نسبت به تاثیر آن بدو دسته کامل[3] و نیمه کامل یا ناقص[4] تقسیم میشوند. بدین ترتیب همگونی همخوانها در چهار دسته همگونی کامل پیشرو[5]، همگونی ناقص پیشرو، همگونی کامل پسرو[6]، همگونی ناقص پسرو به شرح زیر واقع میشود:

۱- همگونی کامل پیشرو: در این نوع همگونی همخوان اول در همخوان بعد از خود تاثیر گذاشته و آنرا تماما به شکل خود درمی آورد. در لهجه های ترکی آذربایجانی همگونی کامل پیشرو را به صورتهای زیر مشاهده می کنیم:

---

[1]. assimilation

[2]. علی محمد حق شناس، آواشناسی (فونتیك)، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۶،ص.۱۵۲

[3]. complete assimilation

[4]. partial assimilation

[5]. complete progressive assimilation

[6]. complete regressive assimilation

- **همگونی دل به دد (dl>dd):** آددی a**dd**ı (مشهور)< آدلی، داددی da**dd**ı (خوشمزه)< دادلی، آرواددار arva**dd**ar (زنها)< آروادلار، اؤددۆخ ö**dd**üx (کیسه صفرا)< اودلۆك، شادداشماخ şa**dd**aşmax (شادشدن)< شادلاشماق.

- **همگونی رل به ل ل (rl>ll):** مثل قارری qa**rr**ı (برفی) < قارلی، وارری va**rr**ı(پولدار)< وارلی، تررى tə**rr**i(عرق آلود) < ترلی، جیبرری ciyə**rr**i (جگردار)< جیبرلی، یئرری ye**rr**i (محلی)< یئرلی، هۆنرری hünə**rr**i (باهنر)< هۆنرلی، زوررۇ zo**rr**u (زورمند)< زورلۇو، اۆزرریك üze**rr**ik (اسپند)< اوزرلیك.

- **همگونی زد به زز (zd>zz):** بیززن bi**zz**ən (ازما)< بیزدن،یاززان ya**zz**an (از پائیز)< یازدان، قیززیرما qı**zz**ırma (تب)< قیزدیرما، پاییززا payı**zz**a (در پاییز)< پاییزدا، گؤززن gö**zz**ən (از چشم)< گؤزدن، أویمیززن əvimi**zz**ən (از خانه مان)< ائویمیزدن، گئتمززیم grtmə**zz**im (نمیرفتم)< گئتمزدیم.

- **همگونی زل به زز (zl>zz):**قیززار qı**zz**ar (دخترها)< قیزلار، اۇجۇززۇق ucu**zz**uq (ارزانی)< اۇجۇزلۇق، بیززر bi**zz**ər (ماها) < بیزلر، تمیززیك təmi**zz**ik(نظافت)< تمیزلیك،اؤکۆززر ökü**zz**ər (گوساله ها)< اؤکۆزلر، میممززر mimmə**zz**ər (سوار نمی شوند) < مینمزلر، ایلدیززار ildı**zz**ar (ستارگان)< ایلدیزلار.

- **همگونی ست به سس(st>ss):** دسسه də**ss**ə(دستگیره) < دستك، آسسارا A**ss**ara (آستارا)<آستارا، اوسسا u**ss**a (استاد)< اوستا، اۆسسۆن ü**ss**ün (برتر)< اۆستۆن، ایسسر i**ss**ər (خواهی)< ایستر، ایسسی i**ss**i (گرما)< ایستی، ایسسیراحت i**ss**irahət (استراحت)< ایستیراحت، بوسسان bo**ss**an (جالیز)< بوستان.

- **همگونی سد به سس (sd>ss):** تـۆسسی **tüssi** (دود)< تـۆسدۆ، باسسیر ba**ss**ır (دفن کن)< باسدیر، تصصیق tə**ssiq**(گواهی) < تصدیق، کسسی kə**ssi** (برید)< کسدی، أسسی ə**ssi** (وزید) < أسدی.

- **همگونی سل به سس (sl>ss):** حیصصی hissi (عصبانی)< حیرصلی، ایسسادیف **iss**adıf//ایسسادیب **iss**adıb (خیس کرده است) < ایسلادیب، پیسسیـك` pi**ss**iķ (بدی)< پیسلیك، پیسسیخ pi**ss**ix (بدی)< پیسلیك.

- **همگونی لد به ل ل (ld>ll):** آللاتما a**ll**atma (فریب نده)< آلداتما، آللاتدی a**ll**atdı (فریب داد)< آلداتدی،آللیم a**ll**ım(خریدم)< آلدیم، گلّلیم gə**ll**im (آمدم) < گلدیم،گـۆللـۆم gü**ll**üm(خندیدم)< گـۆلدۆم، اینیللمـك` ini**ll**əməķ (زاری کردن) < اینیلدمك.

- **همگونی مب به مم (mb>mm):** آممار a**mm**ar (انبار)< آمبار، حاممال ha**mm**al (حمال)< حامبال، پاممیغ pa**mm**ığ (پنبه)< پامبیق، دوممك dü**mm**ək (دنبك)< دومبك، تممکی tə**mm**əki (تنباکو)< تنبکی، اومما o**mm**a (استخوان زانو)< اومبا ، زممیل zə**mm**il (زنبیل)< زمبیل.

- **همگونی نب به مم (nb>mm):** قممر Qə**mm**ər(قمبر)< قنبر، شممه şə**mm**ə (شنبه)< شنبه، گوممز gü**mm**əz (گنبد)< گونبز.

- **همگونی ند به نن (nd>nn):** مننن mə**nn**ən (ازمن)< مندن،اوننان ou**nn**an (ازآن)<اوندان، یاشیننان yaşı**nn**an (از سنش)< یاشیندان، یئرینن yeri**nn**ən (ازجایش)< یئریندن، اؤزۆنن özü**nn**ən (از

خودش) < اؤزۆندن، گئدننن gedə**nn**ən (از زمان رفتن)< گئدندن ، باشیننان başı**nn**an (از سرش) <. باشیندان[1].

- **همگونی نل به نن (nl>nn):** ایلاننار ila**nn**ar (مارها)< ایلانلار، اوغلاننار oğla**nn**ar (پسرها) < اوغلانلار، سیننی si**nn**i (سن دار) < سینلی، آننار a**nn**ar (میفهمد)< آنلار، میغاننی mığa**nn**ı (اهل مغان)< موغانلی ،باننادی ba**nn**adı (خواند)< بانلادی، بۆلاننیخ bula**nn**ıx (گل آلود) < بۆلانلیق، اؤننۆک` ö**nn**üķ (پیشرو)< اؤنلۆك ، چمن نر çəmə**nn**ər (چمن ها) < چمن لر[2].

۴-۲- همگونی نیمه کامل پیشرو: در این نوع همگونی همخوان اول نمیتواند همخوان دوم را کاملا به شکل خود درآورد و آنرا به همخوان نزدیك به خود تبدیل میکند. در لهجه های ترکی آذربایجانی همگونی ناقص پیشرو به صورتهای زیر رخ می دهد:

- **همگونی تل به تد (tl>td):** کتدر kə**td**ər (روستاها)< کندلر، اوتدۆخ o**td**ux//اوتدۆغ o**td**uğ (چمنزار)< اوتلوق، قاتداما qa**td**ama (تا کردن)< قاتلاما، غیرتدی ğeyrə**tdi** (باغیرت)< غیرتلی اوتدیر o**td**ır (چرامیکند)< اوتلاییر؛ ات در ətdər (گوشتها) <اتلر ، ایتدر i**td**ər (سگها) < ایتلر،آت در a**td**ar (اسبها) <آتلار،اوت دار o**td**ar (علفها) < اوتلار[3].

---

۱. Sooman Noah Lee, A Grammer of Iranian Azerbaijani, University of Sussex, ۱۹۹٦ ,p.۲۸

۲. حسن گیوی در "دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی" این حالت را " آیین همسان سازی واج ها (قانون وحدت حروف) نامیده است. ص. ۱۷.

۳. حسن گیوی در "دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی" این حالت را " آیین هم طرازی حرف ها " نامیده است. ص. ۱۷.

- **همگونی زل به زد (zl>zd):** قیزدار qı**zd**ar (دخترها)< قیزلار، بیزدر bi**zd**ər (ماها)< بیزلر، توزدی to**zd**ı//توزدؤ to**zd**u (گردو غباری)< توزلؤ، اؤزدری ö**zd**əri (خودشان)< اؤزلری، دؤزدؤ du**zd**u(بانمك)< دؤزلؤ، گیزدندی gi**zd**əndi (پنهان شد)< گیزلندی، گؤزددیم gö**zd**ədim (منتظرشدم)< گؤلدیم.

- **همگونی سل به سد (sl>sd):** درسدر də**sd**ər (درسها)< درسلر، سسدر sə**sd**ər (صداها)< سسلر، بسددی bə**sd**ədi (تربیت کرد)< بسلدی، حیرصدندی hir**sd**əndi (عصبانی شد)< حیرصلندی، هوسدشمك həvə**sd**əşmək (هوس کردن)< هوسلشمك، نامیسدی namı**sd**ı (ناموسدار)< نامؤسلؤ، دوسدار do**sd**ar (دوستان)< دوسلار.

- **همگونی شل به شد (şl>şd):** باشدا ba**şd**a (شروع کن)< باشلا، ایشده i**şd**ə (کارکن)< ایشله، یولداشدار yolda**şd**ar(دوستان)< یولداشلار، ایشدیر i**şd**ir (کارمیکند)< ایشلییر، قیشداخ qı**şd**ax// قیشداغ qı**şd**ağ (قشلاق)< قیشلاق،داشدیغ da**şd**ığ (سنگلاخ)< داشلیق، باغیشدا bağı**şd**a (ببخشید)< باغیشلا.

- **همگونی مد به من (md>mn):** ایشیمنن işi**mn**ən (از کارم)< ایشیمدن، آخشامنان axşa**mn**an (از سرشب)< آخشامدان، قوؤمنان qou**mn**an (از فامیل)< قوهؤمدان، دیلیمنن dili**mn**ən (از زبان من) < دیلیمدن، قؤمنان qu**mn**an (از شن)< قؤمدان.

- **همگونی مل به من (ml>mn):** بایرامنیخ bayra**mn**ıx (عیدی)< بایراملیق، توخؤمنؤیؤر toxu**mn**uyur (تخم میکند)< توخؤملؤیؤر، دامنار da**mn**ar (بامها)< داملار، داوامنی dava**mn**ı (پی در پی)<

داواملی، آدامنار ada**mn**ar(آدمها)< آداملار، معلیمنیخ məli**mn**ıx (معلمی)< معلیملیك.

- همگونی نم به نب (nm>nb): تاپباجا ta**pb**aca (معما)< تاپماجا، قوپباز qo**pb**az (کنده نمیشود)< قوپماز، تاپباخ ta**pb**ax //تاپباغ ta**pb**ağ (پیداکردن)< تاپماق، چیرپباخ çır**pb**ax (تکان دادن)< چیرپماق.

٤-۳- همگونی کامل پسرو: در این نوع فرایند همخوان دومی در همخوان قبل از خود تاثیر گذاشته و آنرا تماما به شکل خود درمی آورد. در لهجه های ترکی آذربایجانی همگونی کامل پسرو را در انواع زیر مشاهده میکنیم:

- همگونی تچ به چچ (tç>çç): جۆچچیcü**çç**i//جۆچچۆ cü**çç**ü (گاوآهن دار)< جۆتچۆ ، کچچی kə**çç**i (روستایی) < کندچی، نؤبچچی nöbə**çç**i (کشیك)< نؤبتچی.

- همگونی تس به سس (ds>ss): ساسسا sa**ss**a(اگربفروشد)< ساتسا، یاسسین ya**ss**ın (بخوابد)< یاتسین، گئسسه ke**ss**ə (اگربرود)< گئتسه، ایسسه i**ss**ə (اگر کم شود)< ایتسه، تۇسسا tu**ss**a (اگر بگیرد)< تۇتسا، ائشیسسه eşi**ss**ə (اگربشنود)< ائشیتسه،آسسا a**ss**a (اگربیندازد)< آتسا، برکسسیز bərəkə**ss**iz(بی برکت) < برکتسیز، غیرسسیز ğeyrə**ss**iz (بیغیرت)< غیرتسیز.

- همگونی چس به سس (çs>ss): اۆسسات ü**ss**at (سه ساعت)< اۆچ ساعات.

- همگونی دس به سس (ds>ss): داسسیز da**ss**ız (بی مزه)< دادسیز.

- **همگونی رل به لل (rl>ll):** اوتوراللار oturallar (مینشینند)< اوتورارلار، اویناللار oynallar (بازی میکنند)< اوینارلار، بیللر bilələr (میدانند)< بیلرلر،آلاللار alallar (میخرند)< آلیرلار،گلیللر gələllər (می آیند)< گلیرلر، أزللر əzəllər (له میکنند) < أزرلر.

- **همگونی زج به جج (zç>çç):** آچچا aççà (کمی)< آزچا، قارپیچچی qarpıççı (هندوانه فروش)< قارپیزچی.

- **همگونی زس به سس (zs>ss):** یاسسین yassın (بنویسد) < یازسین، أسسن əssin(له کند)< أزسین،دؤسسه dössə(اگرتحمل کند)< دؤزسه، ساتماسسان satmassan (نمیفروشی)< ساتمازسان، سۆسسه süssə (اگرآب بکشد)< سۆزسه،اۆسسیلن üssilən(صورت پاکن)< اۆزسیلن، بوسسرچه bossərçə (گنجشك خاکستری)< بوزسرچه، تمیسسه təmissə (اگر تمیز است)< تمیزسه، بۇینۇسسۇز buynussuz (بی شاخ) < بۇینۇزسۇز.

- **همگونی چش به شش (çş>şş):** اوششئی üşşey (سه چیز)< اوچ شئهی، اوششاهی üşşahı(سه شاهی)< اوچ شاهی

- **همگونی لر به رر (lr>rr):** بازاررار bazarrar(بازارها) < بازارلار[1] ، خبررر xəbərrər (اخبار)< خبرلر.

- **همگونی لس به سس (ls>ss):** اوسسۇن ossun (باشد)< اولسۇن.

- **همگونی لن به نن** (ln>nn)**:** گۆننیشان Günnişan (گلنشان)< گۆلنیشان، گۆننار Günnar (گلنار)< گۆلنار، گۆنناز Günnaz (گلناز) < گۆلناز.

---

[1]. حسن گیوی در "دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی" این حالت را " آیین همسان سازی واج ها (قانون وحدت حروف" نامیده است. ص. ۱۷.

- **همگونی نس به سس (ns>ss):** هاسسی hassı (کدام)< هانسی.

- **همگونی نم به مم(nm>mm):** ایناممما ina**mm**a (باورنکن) < اینانما ، امماز qa**mm**az (نفهم)< قانماز ، بیممیر bəyə**mm**ir (نمی پسندد) < بینمیر، دیممز di**mm**əz (آرام)< دینمز، دیممه di**mm**ə (ساکت باش) < دینمه، میممه mi**mm**ə (سوارشدن)< مینمك، گؤرۆممۆرسن görü**mm**ürsən (پیدایت نیست)< گؤرۆنمۆرسن، سیممیشدی sı**mm**ışdı (شکسته بود) <سینمیشدی.

- **همگونی هك به كك (hk>kk):** مؤککم mö**kk**əm (محکم)< مؤحکم.

٤ـ٤ همگونی نیمه کامل پسرو: در این نوع همگونی همخوان دوم نمیتواند همخوان اول را کاملا به شکل خود درآورد ، لذا آنرا به همخوان نزدیك به خود تبدیل میکند. در لهجه های ترکی آذربایجانی همگونی ناقص پسرو به صورتهای زیر رخ میدهد:

- **همگونی تگ به کگ (tk>kk):** کؤکگه kö**kk**gə (بردار‌بیار)< گؤتور گل.

- **همگونی خد به تد (xd>td):** آرتدان ar**td**an (ازجوب)< آرخدان، قالتدی qal**td**ı (برخاست)< قالخدی، قورتدۇ qor**td**u (ترسید)< قورخدۇ، قیرتدی qır**td**ı (تراشید)< قیرخدی.

- **همگونی زج به چج (zc>cc):** یۆچجه yü**cc**ə (فقط صدتا)< یۆزجه، آچجا a**cc**a (کمی)< آزجا، قیچجیقز qı**cc**ığaz (دختر بیچاره) < قیزجیغاز

- **همگونی سچ به جج (sc>çc):** روچجا ru**çc**a (روسی)< روسجا، روچجاخ ru**çc**ax//اروچجاخ uru**çc**ax (روسی) < روسجا .

- همگونی شچ به چچ (şç>çc): بئچجه be**çc**ə (فقط پنج)< بئشجه، ایچجی i**çc**i (نوشیدنی)< ایشچی.

- همگونی فد به تد (fd>td): گلیتدی gəli**td**i//گلیفدی gəli**fd**i (آمد) < گلیبدی، آلتدی alı**td**ı//آلیفدی alı**fd**ı (او خرید)< آلیبدی.

- همگونی کد به تد (kd>td): برتدن bər**td**ən (باصدای بلند)< برکدن، کۆرتده kür**td**ə (در پالتو پوست)< کۆرکده.

- همگونی نب به مب (nb>mb):سومبول sü**mb**ül (سنبل) <سونبول، زمبیل zə**mb**il (زنبیل)< زنبیل، گومبز gü**mb**əz (گنبد) < گونبز، شمبه şə**mb**ə (شنبه)< شنبه، اومبیر o**mb**ir (یازده)< اونبیر، اومبئش o**mb**eş (پانزده)< اونبئش،میمبیر گئجه mi**mb**ir gecə (هزارو یك شب)< مینبیر گئجه.

۵- ناهمگونی همخوان ها:
در این فرایند یك همخوان که در یك یا چند مختصه آوایی با همخوان همنشین خود مشترك است، در ترکیب با آن مختصه های مشترك را از دست میدهد و مختصه های آوایی دیگری را بدست می آورد[۱]. ناهمگونی نیز مانند همگونی نسبت به جهت آن دو نوع است یعنی ناهمگونی پیشرو و ناهمگونی پسرو. ناهمگونی همخوانها در لهجه های ترکی آذربایجانی نسبت به همگونی کمتر مشاهده میشود. انواع ناهمگونی به صورت زیر است:

۵-۱- ناهمگونی پیشرو: در این فرایند همخوان دوم با همخوان دیگری عوض میشود. این فرایند اغلب در کلمات دخیل مشاهده میشود. ناهمگونیهای پیشرو لهجه های ترکی آذربایجانی درانواع زیر هستند:

---

[۱]. علیمحمد حق شناس، آواشناسی(فونتیك)، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵٦،ص.۱۵۵

- ناهمگونی ر> ل (r>l): قرال qəra**l** (قرار)< قرار، ضرل zərə**l** (ضرر)< ضرر،قۇرتال qurta**l** (تمام کن)< قۇرتار، مۇردال murda**l** (نجس)< مۇردار، تکـ`ـرال təķra**l** (تکرار)< تکرار، ایغرال iğra**l** (اقرار)< ایقرار.

- ناهمگونی ك> س (k>s): سکسـۆز sək**s**üz (هشت)< سککیز.

- ناهمگونی م> ب (m>b): أمبه əm**b**ə//آمبا am**b**a (اما)< آمما، هـۆمبت hüm**b**ət (همت)< هـۆممات

- ناهمگونی ن> ر (n>r): قانۇر qanu**r**(قانون)< قانۇن.

- ناهمگونی ن> ل (n>l): فانتال fanta**l** (فواره)< فانتار.

۵-۲- ناهمگونی پسرو: در این فرایند همخوان اول با همخوان دیگری عوض میشود. ناهمگونیهای پسرو در لهجه های ترکی آذربایجانی درانواع زیر هستند:

- ناهمگونی ج> ژ (c >j): ویژدان vi**j**dan (وجدان)< ویجدان، آغاژدار ağa**j**dar (درختان)< آغاجلار، گـۆژدی gü**j**di (قوی)< گـۆجلـۆ، بیژدیك bi**j**dik (زرنگی)< بیجلیك، مژدۇن mə**j**dun (مجنون)< مجنۇون.

- ناهمگونی ج> ش (c>ş): آغاشدا ağa**ş**da (روی درخت)< آغاجدا، کرپیشدن kərpi**ş**dən (آجر)< کرپیجدن.

- ناهمگونی چ> ش (ç>ş): قاشدی qa**ş**dı (فرارکرد)< قاچدی، کئشدی ke**ş**di (عبورکرد)< کئچدی، اوشدی ü**ş**di (پرواز کرد)< اوچدو، آشدی a**ş**dı (بازکرد)< آچدی.

- **ناهمگونی ر> ل (r>l):** مؤلدار muldar (نجس)< مؤردار، اۆلکر ülkər//اۆلکور ülkör (میترسد)< هۆرکۆر.

- **ناهمگونی ر> ن (r>n):** موندار mundar//میندار mındar (نجس) < میردار.

- **ناهمگونی ن> ل (n>l):** لردیوان lərdivan(نردبان)< نردیوان.

۶- قلب همخوان ها :

گاهی دو همخوان در ترکیب بر اثر همنشینی جای خود را با هم عوض میکنند به طوری که همخوان نخستین جایگاه دومین را میگیرد و همخوان دومین به جای همخوان نخستین می نشیند. این فرایند را قلب گویند[1]. فرایند قلب در لهجه های ترکی آذربایجانی بسیار فراگیر است. در لهجه های ترکی آذربایجانی دو نوع قلب داریم . نخست هنگامی که دو همخوان در کنار هم قرار دارند و قلب میشوند. دوم همخوانهاییکه با هم فاصله دارند و قلب میشوند. فرایند قلب در اشکال زیر رخ میدهد:

۱- قلب همخوان های مجاور: در این نوع قلب دو همخوان مجاور در موقعیتهای متفاوت در واژه جای خود را باهمدیگرعوض میکنند. قلب همخوانهای مجاور به صورت زیر مشاهده می شود:

- **قلب بر > رب (br>rb):** کیربیت kirbit (کبریت)< کیبریت ، گوربه gürbə (کود)< گوبره ، ایرباهیم İrbahim (ابراهیم)< ایبراهیم، تربیز Tərbiz (تبریز)< تبریز (این مثال در اغلب منابع علمی ذکر میشود ولی به گمان من اسم اصلی این شهر همانا تربیز میباشد و در آن فرایندی رخ نداده بلکه ثبت آن به زبان فارسی مرسوم شده است.م) .

---

[1]. علی محمد حق شناس، آواشناسی(فونتیك)،انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۶،ص.۱۵۶

- **قلب بل به لب (bl>lb):** قلبیت q**əlb**iyyıt (قابلیت)< قابیلییت.

- **قلب تر> رت (tr>rt):** اؤرتؤ ö**rt**ü (خاطر)< اؤترؤ.

- **قلب خس > سخ (xs>sx):**رؤصخات ru**sx**at//رؤصقات ru**sq**at (رخصت) < رؤخصت.

- **قلب خل> لخ (xl>lx):** اولخو o**lx**o//اولخئی**olxey**//اولخوی**olxoy** (وردنه)< اوخلوو.

- **قلب خم>مخ (xm>mx):** دامخا da**mx**a (آلونك-دخمه)< داخما.

- **قلب دب > بد (db>bd):** تبدیر tə**bd**ir(تدبیر)< تدبیر.

- **قلب دی > ید (dy>yd):** مایدان ma**yd**an (مادیان)< مادیان، بایدا ba**yd**a (بادیه)< بادیا.

- **قلب رپ> پر (rg>gr):** کیپریگ ki**pr**ig (ابرو)< گیرپیگ.

- **قلب رز> زر (rz>zr):** قزرینکه qə**zr**inkə (سبد)<قرزینکه.

- **قلب رس> سر** (rs>sr)**:** دیسرك di**sr**ək (زانو)< دیرسك، فسرتینه fə**sr**ətinə (فراستش)< فرستینه.

- **قلب رم > مر(rm>mr):** دیمریخ dı**mr**ıx (چنگ)<دیرمیق، أمرؤد ə**mr**üd(گلابی)< آرمؤد،خؤمرا xu**mr**a(خرما)< خؤرما.

- **قلب رو > ور (rv>vr):** دوریش də**vr**iş (درمیش)< درویش، کاورانسارا ka**vr**ansara (کاروانسرا)< کاروانسارا، شوورا ş**ovr**a

(شوربا)< شوروا، کیوره ki**vr**ə (عموخوانده)< کیروه، داورازا da**vr**aza (دروازه)< داروازا.

- قلب ره > هر (rh>hr): فهراد fə**hr**ad (فرهاد)< فرهاد، سحرد sə**hr**əd(سرحد)< سرحد.

- قلب ری > یر (ry>yr): میرمme**yr**əm//مایرام ma**yr**am(مریم) < مریم.

- قلب زو > وز (zv>vz): قوزین Qə**vz**in(شهر قزوین)< قزوین.

- قلب سق > قس (sq>qs): آخسیر a**qs**ır (سرفه کن)< آسقیر.

- قلب سك > کس (sk>ks): اؤسـؤرگ ö**ks**ürəg (سرفه)< اؤکسـؤرك، أیسیك ə**ks**ik (کم)< أسکیك.

- قلب سم > مس (sm>ms): یومسا yo**ms**a(عشوه گر)< یوسما.

- قلب شق > قش (şq>qş): رخشندrə**xş**ənd(ریشخند)< ریشخند، بوخشاب bo**xş**ab//بوقشاب bo**qş**ab (بشقاب)< بوشقاب، باقشا ba**qş**a//باخشا ba**xş**a (دیگر)< باشقا.

- قلب شم> مش (şm>mş): یامشاخ ya**mş**ax (روبند)< یاشماق.

- قلب شه > هش (şh>hş): مهشور mə**hş**ur (مشهور)< مشهور.

- قلب غر > رغ (ğr>rğ): اورغو o**rğ**u (دزد)< اوغرو، دورغو do**rğ**u (راست)<دوغرو ،دورغا do**rğ**a (خرد کن)< دوغرا، بارغیم ba**rğ**ım (قلب)< باغریم.

- **قلب غز** < **زغ (ğz>zğ):** وازغال va**zğ**al (ایستگاه)< واغزال.

- **قلب غم** < **مغ (mğ>ğm):** داغما da**ğm**a (تمغا)< دامغا.

- **قلب فر** < **رف (fr>rf):** مرفش mə**rf**əş (مفرش)< مفرش، سۆرفه sürfə//سۆرپه sürpə//سۆرفه surfə//سیرفا sırfa (سفره)< سۆفرا.

- **قلب فل** < **لف (fl>lf):** ایلفیج i**lf**ic (فلج)< ایفلیج.

- **قلب قچ** < **قچ~قش (qç>çq~şq):** آراشقینara**çq**ın ~آراچقین ara**çq**ın (عرقگیر)< آراقچین.

- **قلب قد** < **دق (qd>dq):** میدقار mi**dq**ar (مقدار)< میقدار.

- **قلب قر** < **رق (qr>rq):** عرقب ə**rq**əb (عقرب)< عقرب.

- **قلب قل** < **لق (ql>lq):** ایلقیمه İ**lq**imə (اسم خاص)< ایقلیمه.

- **قلب کت > تك (kt>tk):** متکب mə**tk**əb (مکتب)< مکتب.

- **قلب کس** < **سك//سگ (ks>sk~sg):** دیسکندی di**sk**indi (از جاپرید)< دیکسندی، اثکریت ə**sk**əriyyət (اکثریت)< أکثرییت، عسکینه ə**sk**inə (برعکس)< عکسینه، برسك bərə**sk** (برعکس)< بر عکس ، واسکی va**sk**i (واکسی) <واکسی.

- **قلب گر** < **رگ (gr>rg):** اؤرگنیر ö**rg**ənir (یاد میگیرد)< اؤگرنیر.

- **قلب گم** < **مگ (gm>mg):** دۆمگه dü**mg**ə (دگمه)< دۆگمه.

- **قلب لب > بل (lb>bl):** نبلکی nə**bl**əki (نعلبکی)< نلبکی.

- **قلب لف > فل** **(lf>fl):** کـۆفلت küf**l**ət//کیفلت kif**l**ət (عائله)< کـۆلفت.

- **قلب لم > مل (ml>lm):** یئلمیخ ye**lm**ix (محل چرا)< یئملیك، ملمکت mə**lm**əkət (مملکت)< مملکت، قۇلماخ qu**lm**ax (شنزار) > قۇملاق

- **قلب لو > ول (vl>lv):** حاولا ha**vl**a (حلوا)< حالوا، یاولاردی ya**vl**ardı (التماس کرد)< یالواردی، شاولار şa**vl**ar (شلوار) > شالوار، تاولار ta**vl**ar (پشته)< تالوار.

- **قلب له >هل (lh>hl):** مهلم mə**hl**əm (مرهم)< ملهم.

- **قلب لی > یل (ly>yl):** قایلان qaylan//قیلان qəylan (قلیان)< قلیان.

- **قلب مر> رم (mr>rm):** گـۆرماه gü**rm**ah (سالم)< گـۆمراه.

- **قلب مغ > غم (mğ>ğm):** داغما da**ğm**a (تمغا)< دامغا.

- **قلب مل > لم (ml>lm):** ملمکت mə**lm**əkət (مملکت) > مملکت، یئملیگ ye**lm**ik̦ (چراگاه)< یئملیك.

- **قلب نی > ین (ny>yn):** دۇینا du**yn**a (دنیا)< دۆنیا.

- **قلب ور > رو (vr>rv):** قیرواخ qı**rv**ax (قبراق)< قیوراخ، قیرویم qı**rv**ım (مجعد)< قیوریم، نارویز na**rv**ız (نوروز)< نووروز.

- **قلب وی > ی و (vy>yv):** لویوا **loyva** (لوبیا)< لوویا<لوبیا.

- **قلب هر > ره (hr>rh):** صرحا sə**rh**a (صحرا)< صحرا، چرهایی çə**rh**ayi (صورتی)< چهرایی.

- **قلب هو > وه (hv>vh):** أوحال ə**vh**al (احوال)< أحوال.

- **قلب هی > یه (hy>yh):** ییحا Yə**yh**a (یحیی)< یحیا.

- **قلب یب > بی (yb>by):** هبیه hə**by**ə (هیبت)< هیبه.

- **قلب یر > ری (yr>ry):** آریان a**ry**an (دوغ)< آیران،غیریت ği**ry**ət (غیرت)< غئیرت.

٦-۲- قلب همخوان های غیرمجاور: در این نوع قلب دو همخوان که با هم فاصله دارند در موقعیت های متفاوت در واژه جای خود را باهم عوض می کنند. همخوان های غیرمجاور به صورت زیر هستند:

- **قلب ج-د > د-ج (c-d>d-c):** گؤندؤج kün**d**ü**c** (گنجد)< گؤنجؤد.

- **قلب خ-و > و-خ (x-v>v-x):** ناوچیخوان Na**v**çı**x**an (نخجوان)< ناخجیوان.

- **قلب ر-ن > ن-ر (r-n>n-r):** خؤنجؤر xu**n**cu**r** (خورجین)< خؤرجؤن .

- **قلب س-پ > پ-س (s-p>p-s):** پؤسرؤنتؤ **p**ü**s**rüntü (آشغال) > سؤپؤرؤنتؤ.

- **قلب غ-د > د-غ (d-ğ>ğ-d):** قاردیغالی qar**dığ**alı (ذرت)> قارغیدالی.

- **قلب غ-ن > ن-غ (ğ-n>n-ğ):** یورنۇغ yor**nuğ** (خسته)> یورغۇن.

- **قلب ك-د > د-ك (kd>dk):** خدنگز xədəngəz (خاك انداز)> خكنداز.

- **قلب ك-م > م-ك (km>mk):** ترمکه tərəməkə (ترکمه)> ترکمه.

- **قلب ل-ر > ر-ل (l-r>r-l):** پارتال pa**rtal** (لباس)> پالتار، شاروال ş**a**r**val** (شلوار)> شالوار.

- **قلب ل-ن > ن-ل (l-n>n-l):** نلت **nəl**ət//نلئت **nəl**et (لعنت)> لعنت.

- **قلب م-ن > ن-م (m-n>n-m):** اینتاحام i**n**taha**m** (امتحان)> ایمتاحان.

- **قلب م-ه > ه-م (m-h>h-m):** جاحمات ca**ha**m**at** (جماعت) >جاماعات.

- **قلب ن-ر > ر-ن (n-r>r-n):** گرئنال ge**ren**al (ژنرال)> گئنئرال.

- **قلب ن-ل > ل-ن (n-l>l-n):** لنبکی lə**n**bəki (نعلبکی)> نلبکی.

- **قلب ن-م > م-ن (n-m>m-n):** میندار **mın**dar (کهنه-نیمدار)> نیمدار.

۷- تشدید همخوان ها:

تشدید همخوانها در بن واژه یکی از خصوصیات بارز زبان ترکی آذربایجانی است که در میان گویش های اوغوزی آنرا از سایرین متمایز می کند. تشدید همخوان ها در لهجه ها با زبان معیار متفاوت است. همخوان هایی که در لهجه ها تشدید می شوند عبارتند از : ل-م-ن-ر-ز-و-ق-د-ژ-ی-ت-چ-ش. تشدید همخوان ها هم در کلمات دخیل و هم در واژه های ترکی در همه جای واژه می تواند رخ بدهد. تشدید در لهجه ها به اشکال زیر صورت می پذیرد:

- **تشدید همخوان ت** : باتتاخ ba**tt**ax (باتلاق)< باتاق، تـۆتتاك` tü**tt**aķ (توتك)< تـۆتك.

- **تشدید همخوان ج** : حؤججت hö**cc**ət (گوشزد)< حؤجت.

- **تشدید همخوان چ** : کیچچیگ ki**çç**iķ (کوچك)< کیچیك،قوچچاخ qo**çç**ax (زرنگ)< قوچاق

- **تشدید همخوان د** : آدداش a**dd**aş (همنام)< آداش (این تشدید با افزودن پسوند –داش وقوع یافته است).

- **تشدید همخوان ر** : قاررانقۇش qa**rr**anquş (پرستو)< قارانقۇش.

- **تشدید همخوان ز** : اۇززۇن u**zz**un (دراز)< اۇزۇن، تززه tə**zz**ə (تازه) < تزه.

- **تشدید همخوان ژ** : نژژگ nə**jj**əķ (ظریف)< نازیك.

- **تشدید همخوان ش** : آششاغی a**şş**ağı (پایین)< آشاغی، باششاخ ba**şş**ax (شیربها)<باشاق.

- **تشدید همخوان ق** : اوققدر o**qq**ədər (آنقدر)< اوقدر، یوققوُش yo**qq**uş (سربالایی)< یوخوُش.

- **تشدید همخوان ل** : ایللاش i**ll**aş//ایللاج i**ll**ac (دارو)< ایلاج، یوُماللییاخ yuma**ll**ıyax (تا کنیم)< یوُمالییاق.

- **تشدید همخوان م** : هاممی ha**mm**ı (همه)< هامی، هممشه hə**mm**əşə (همیشه)< همشه.

- **تشدید همخوان ن** : سیننی si**nn**i (سینی)< سینی.

- **تشدید همخوان و** : عاووامجا a**vv**amca (عوامانه)< عاوامجا.

- **تشدید همخوان ی** : آبی حاییات abiha**yy**at (آب حیات)< آبیحیات.

۸ـ حذف هجا:

یکی دیگر از فرایندهای آوایی حذف هجا می باشد. حذف یك هجا در لهجه های ترکی آذربایجانی در ابتدا و انتهای واژه مشاهده میشود. در میانه واژه نیز گاهی بخشی از یك هجای کامل حذف میشود. در اغلب مواقع حذف هجا باعث کشیده شدن واکه قبل از آن میشود. نمونه هایی از حذف هجاها بدین صورت میباشد:

- **حذف کل هجا**: آیبا ayba (ای بابا)< آی بابا ayba**ba**، دقه dəqə (دقیقه)< دقیقه də**qi**qə، ایسراحاتدیق israhatdıq (استراحت)< ایستیراحاتدیق is**ti**rahatdıq.

- **حذف بخشی از هجا**: گتدی gətdi (آورد)< گتیردی gət**ir**di، اوتدوُ otdu (نشست)< اوتوُردوُ ot**ur**du، گؤتدی götdi (برداشت) < گؤتـۆردۆ göt**ür**dü.

راهنمای گردآوری مواد برای لهجه ها

این راهنما نه تنها برای محققان لهجه های زبان ترکی آذربایجانی بصورت جامع تهیه شده است ، بلکه برای کاربرانیکه قصد گردآوری و تحلیل آواشناسی یک لهجه خاص را در نظر دارند نیز مفید میباشد.

روش استفاده از این راهنما در ایران بدین ترتیب است که با مراجعه به افراد سالمند (عمدتا با سواد ابتدایی) در مناطق مورد نظر ، اقدام به طرح پرسش و علامتگذاری مورد را میکنند. سپس با تحلیل آماری مواد خاص منطقه را استخراج می کنند. در تهیه این پرسشنامه باید دقت بسیار به وابستگی جغرافیایی فرد گویشور و پدر و مادر وی داشت. ممکن است فرد منسوب به منطقه دیگری باشد که بدان ناحیه مهاجرت کرده است.

این راهنما همچنین برای تدوین اطلس لهجه های مناطق مورد بررسی بسیار کاربرد دارد. بدین ترتیب که با ترسیم نقشه جغرافیای زبانی ، موارد زیر را بصورت پراکنده میتوان در روی نقشه ترسیم و میزان پراکندگی و ترکیب جمعیتی را با توجه به حالتهای مختلف ترسیم کرد. این امر جزایر لهجه را نیز نشان میدهد.

باید یادآوری کرد که هرگاه کار بصورت تیمی انجام گیرد فرایند کار سریعتر و دقیقتیر میشود ، زیرا در مرحله تحلیل آماری خطای انسانی کمتر میشود.

کلمات انتخاب شده درین راهنما در تمام لهجه ها کاربرد دارند و از واژه های خاص اجتناب شده است. برخی از مثالها دارای مستند اندکی هستند. مثالها را نباید منحصر بهمین موارد دانست و پرسشگر میتواند از کلمات مشابه نیز برای حصول اطمینان در ثبت یک حالت استفاده کیند.

این راهنما براساس فرایندهای جامع تهیه شده و مخصوص هیچ گروه خاص لهجه ای نمیباشد.

از کسانیکه اقدام به تهیه لهجه های خاص خود مینمایند ، خواهشمند است در صورت امکان نسخه ای را نیز به آدرس این مولف ارسال کنند، تا در تحقیقات آتی مورد استفاده قرار گیرد.

فراموش نشود در روی هر برگه نام ، سن، میزان تحصیلات، منطقه جغرافیایی (وابستگی آن منطقه به تقسیمات جغرافیایی. مثلا اگر ده میباشد به کدام بخشداری و س. وابسته است)نوشته شود.

جداول گردآوری مواد لهجه ها

۱- سؤزۆن بیرینجی هئجاسیندا آ **(a)**، یوخسا أ **(ə)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟
(در هجای نخست کدام تلفظ میشود (آ **a**) یا (أ **ə**) ؟

قایچی	qayçı	قه یچی	qəyci
قامیش	qamış	قه میش	qəmiş
یاشیل	yaşıl	یه شیل	yəşil
آیاق	ayaq	أیاخ	əyax
قارداش	qardaş	قردش	qərdəş
شافتالی	şaftalı	شفتالی	şəftalı
قایغاناق	qayğanaq	قیغاناق	qəyğanaq
قاناد	qanad	قه ند	qənd
قالین	qalın	قلین	qəlin
قایناتا	qaynata	قه یناتا	qəynata

۲- سؤزۆن بیرینجی و ایکینجی هئجاسیندا آ**(a)**، یوخسا ائـ **(e)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟ (درهجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود(آ **a**)یا (ائـ **e**)؟

قاییش	qayış	قئییش	qeyiş
قایچی	qayçı	قئیچی	qeyçi
قایسی	qaysı	قئیسی	qeysi

qeynana قئینانا	qaynana قاینانا
qeynana قئیناتا	qaynanaقایناتا
eyğır ائیغیر	ayğır آیغیر
yeylax یئیلاخ	yaylax یایلاخ
daneyi دانئیی	dananı دانانی
yaveyi یاوئیی	yabanı یابانی

۳- سؤزۆن بیرینجی هئجاسیندا آ **(a)**، یوخسا **او(o)** سسی تلفوظ اولۇنور؟ (در هجای اول کدام تلفظ میشود (آ **a**) یا (**او o**) ؟

motor موتور	mator ماتور
boba بوبا	baba بابا
doban دوبان	daban دابان
popağ پوپاغ	papax پاپاخ
ombar اومبار	ambar آمبار
yoxun یوخۇن	yaxın یاخین
şolvar شولوار	şalvar شالوار
noxoş نوخوش	naxoş ناخوش
o toyda اوتویدا	o tayda اوتایدا
qorsoydu قۇرسویدۇ	qorsa قۇرسا ایدی
oxuyoydum اوخۇیویدۇم	oxuya اوخۇیا ایدیم
oxusoydu اوخۇسویدۇ	oxusa اوخۇسا ایدی

٤-سؤزۆن بیرینجی و ایکینجی هئجاسیندا **آ(a)**، یوخسا **اۇ(u)** سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود(آ **a**) یا (**اۇ u**)؟

yuvan یۇوان	yavan یاوان
yuvaş یۇواش	yavaş یاواش
cuğab جۇغاب	cavab جاواب
kosuyu کوسۇیۇ	kosanı کوسانی
cuvan جۇوان	cavan جاوان

yunağ یؤواغ//یؤناغ	yanaq یاناق
oxumuyam اوخؤمؤیام	oxumayam اوخؤمایام
burduyux بؤردؤیؤخ	burdayıq بؤردابیق
oynuyur اوینؤیؤر	oynayır اوینابیر
oxçuyur اوخشؤیؤر	oxşayır اوخشابیر

۵-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا آ(**a**)،یوخسا ای(**ı**) سسی تلفۆظ اولونور؟(در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود (آ **a**) یا (ای**ı**) ؟

yıxa ییخا	yaxa یاخا
baltıya بالتییا	baltaya بالتایا
sımavar سیماوار	samavar ساماوار
dayı //dahı داهی//دایی	daha داها
danıya دانییا	danaya دانایا
yamıyır یامی ییر	yamayır یامابیر
yağlıyır یاغلی ییر	yağlayır یاغلابیر
başlıyax باشلییاخ	başlayaq باشلایاق
oynıyır اوینی ییر	oynayır اوینابیر
sırmaşıx سیرماشیخ	sarmaşıq سارماشیق

٦-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا أ(**ə**)، یوخسا آ(**a**) سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود (أ**ə**) یا (آ**a**) ؟

ciyar جییار	ciyər جییه ر
çaltıx چالتیخ	çəltik چه لتیک
nazar ناظار	nəzər نظر
nana نانا	nanə نانه
kanar کانار	kənar کنار
Xacca خاججا	Xədicə خدیجه
dasmal داسمال	dəsmal دسمال
xancal خانجال	xəncər خنجر

düşman دۇشمان	düşmən دۆشمن
Haydar حایدار	Heydər حئیدر

۷- سؤزون بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا أ**(ə)** ، یوخسا ای**(i)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود (**أə**) یا (**ای**i)؟

cihər جیه ر	cəhər جه هر
qədir قدیر	qədər قدر
şikil شیکیل	şəkil شکیل
zincir زینجیر	zəncir زنجیر
incir اینجیر	əncir أنجیر
dəviyə دوییه	dəvəyə دوه یه
qəhriman قهریمان	qəhrəman قهرمان
çiltik چیلتیک	çəltik چلتیک
beçiyə بئچییه	beçəyə بئچه یه
milçiyə میلچیه	milçək میلچک
dəvinən دویینن	dəvə ilə دوه ایله
yihər یی هر	yəhər یه هر

۸ -سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا أ **(ə)** ، یوخسا **ائـ (e)** سسی تلفوظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود (**أə**) یا (**ائـ e**) ؟

ses سئس	səs سس
gelin گئلین	gəlin گلین
kesmə کئسمه	kəsmə کسمه
demir دئمیر	dəmir دمیر
ekiz ائکیز	əkiz أکیز
elek ألئک	ələk ألک
seggiz سئگگیز	səlkgiz سکگیز
çörek چؤرئک	çörək چؤرک
xörek خؤرئک	xörək خؤرک

beçəyi بئچه یی	beçəni بئچه نی
döiyə دوییه	dəvəyə دوه یه
mejmayı مئژمایی	mecməyi مه جمه یی

۹-سؤزون بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا أ **(ə)**، یوخسا اؤ **(ö)** سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **(أə)** یا **(اؤ ö)** ؟

dövə دؤوه	dəvə دوه
növə نؤوه//نؤه	nəvə نوه
kökür کؤیکۆر	kəfgir کفگیر
öyöy اؤیؤی	ögəy اؤکه ی
bədnöyüs بدنؤیۆس	bədnəfia بدنفیس
göröydü کؤرؤیدۆ	görəydi کؤره یدی
görsöydü کؤرسؤیدۆ	görsəydi کؤرسه یدی

۱۰-سؤزۆن بیرینجی هئجاسیندا **ائـ (e)**، یوخسا آ **(a)** سسی تلفوظ اولونور؟ (در هجای اول کدام تلفظ میشود **ائـ (e)**، یا **(a)** ؟

hayva هایوا	heyva هئیوا
hayvan حایوان	heyvan حئیوان
gan گان	gen گئن
ganış گانیش	geniş گئنیش

۱۱- سؤزۆن بیرینجی هئجاسیندا **ائـ(e)** ، یوخسا أ**(ə)** سسی تلفوظ اولونور؟ (در هجای اول کدام تلفظ میشود **ائـ (e)**، یا أ**(ə)** ؟

həybə هه ییه	heybə هئیبه
səvgi سه وگی	sevgi سئوگی
çəşmə چه شمه	çeşmə چئشمه
vər وه ر	ver وئر
gən گه ن	gen گئن

ən أن	en ائن
əv أو	ev ائو
dəyliyə ده ییلیه	deyilik دئییلیک
pəndir پندیر//پنیر	pendir پئندیر
ərkək أرکک	erkək ائرکک
çəvir چه ویر	çevir چئویر
vədrə وه دره	vedrə وئدره

۱۲-سؤزۆن بیرینجی هئجاسیندا **ائـ (e)** ، یوخسا **ای(i)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟ (در هجای اول کدام تلفظ میشود **ائـ (e)**، یا **ای(i)** ؟

diyim دیییم	deyim دئییم
yiyim یيییم	yeyim یئییم
giyim گیییم	geyim گئییم
bilit بیلیت	beilit بیلئت

۱۳-سؤزۆن بیرینجی هئجاسیندا **ائـ(e)** ، یوخسا **اؤ(ö)** سسی تلفۆظ اولونور؟(در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **ائـ (e)**، یا **اؤ(ö)** ؟

söyüb سؤیۆب	sevib سئویب
sömək سؤمک	sevmək سئومک
Hüsöyn حۆسؤین	Hüseyn حۆسئین
döyül دؤیۆل	deyil دئییل
çöçələ چؤچله	çeçələ چئچه له
nöyüt نؤیۆت	neft نئفت

۱٤-سؤزۆن بیرینجی، ایکینجی و یا اوچونجو هئجاسیندا **ای(ı)**، یوخسا **اوُ(u)** سسی تلفۆظ اولونور؟(در هجای اول، دوم یا سوم کدام تلفظ میشود **ای(ı)**، یوخسا **اوُ(u)** ؟

yarpuz یارپوُز	yarpız یارپیز

sabun	صابۇن	sabın	صابین
palut	پالۇت	palıt	پالیت
xatun	خاتۇن	xatın	خاتین
baluğ	بالۇغ	balıx	بالیخ
puçaq	پۇچاق	bıçaq	بیچاق
pambux	پامبۇخ	pambıx	پامبیخ
qabuğ	قابۇغ	qabığ	قابیغ
sarmaşuğ	سارماشۇغ	sarmaşığ	سارماشیغ
yuxaru	یۇخارۇ	yuxarı	یۇخاری
qarpuz	قارپۇز	qapız	قارپیز
fundux	فۇندۇخ	findıq	فیندیق

۱۵-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا ای**(ı)**، یوخسا ای**(i)** سسی تلفۆظ اولونور؟(در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود ای**(ı)**، یا ای**(i)** ؟

qiz	قیز	qız	قیز
qizil	قیزیل	qızıl	قیزیل
cir	جیر	cır	جیر
qirmizi	قیرمیزی	qırmızı	قیرمیزی
findiq	فیندیق	findıq	فیندیق
sirğa	سیرغه	sırğa	سیرغا
xəmir	خمیر	xamır	خامیر
qəbir	قبیر	qabır	قابیر
qifil	قیفیل	qıfıl	قیفیل

۱۶-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا ای**(ı)** ،یوخسا ائـ **(e)** سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود ای**(ı)**،یا ائـ **(e)**؟

yazem	یازئم	yazım	یازیم
alem	آلئم	alım	آلیم

۱۷-سؤزۆن بیرینجی ، ایکینجی و یا اوچونجو هئجاسیندا ای**(ı)**، یوخسا آ**(a)** سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول ،دوم یا سوم کدام تلفظ میشود ای**(ı)**،یا آ**(a)**؟

kağaz	کاغاذ	kağız	کاغیذ
aşağa	آشاغا	aşağı	آشاغی
xarman	خارمان	xırman	خیرمان
puxara	پوخارا	buxarı	بوخاری
şabalat	شابالات	şabalıd	شابالید
sazağan	سازاغان	sızağan	سیزاغان

۱۸-سؤزۆن بیرینجی هئجاسیندا ای**(i)**، یوخسا ای**(ı)** سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول کدام تلفظ میشود ای**(i)**،یا ای**(ı)**؟

ılan	ایلان	ilan	ایلان
ılxı	ایلخی	ilxı	ایلخی
ışıx	ایشیخ	işığ	ایشیغ
bıldır	بیلدیر	bildır	بیلدیر
ıldırım	ایلدیریم	ildırım	ایلدیریم
sıçan	سیچان	siçan	سیچان
bıldırçın	بیلدیرچین	bildırçın	بیلدیرچین
ılıx	ایلیخ	ilıq	ایلیق
qıymat	قیمات	qiymət	قیمت

۱۹-سؤزۆن بیرینجی،ایکینجی و یا اوچونجو هئجاسیندا ای **(i)**، یوخسا اۆ **(ü)** سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول ، دوم یا سوم کدام تلفظ میشود ای**(i)**،یا اۆ **(ü)**؟

büldür	بۆلدور	bildir	بیلدیر
şəkül	شکۆل	şəkil	شکیل
çəküc	چکۆج	çəkic	چکیج

صیفت sifət	صۆفت süfət
سیز siz	سۆز süz
تندیر təndir	تندۆر təndür
سئچگی seçgi	سئچگۆ seçgü
ایچگی içgi	ایچگۆ eçgü
گؤگرتی gögərti	گؤگرتۆ gögərtü
چلتیک çəltik	چلتۆک çəltük
نعلبکی nəlbəki	نعبکۆ nəlbəkü
نردیوان nərdivan	نردۆوان nərdüvan
لعلبکی ləlbəki	نعبکۆ nəlbəkü

۲۰-سؤزۆن بیرینجی، ایکینجی هئجاسیندا ای**(i)**، یوخسا اُو **(u)** سسی تلفۆظ اولونور؟(درهجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود ای**(i)**،یا اُو **(u)**؟

دیوار divar	دۇوار duvar
یُوسیف Yusif	یُوسُوف Yusuf
میشار mişar	مُوشار muşar
صیفت sifət	صوُفات sufat

۲۱-سؤزۆن بیرینجی،ایکینجی و یا اۆچونجو هئجاسیندا ای**(i)**، یوخسا أ**(ə)** سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول ، دوم یا سوم کدام تلفظ میشود ای**(i)**، یا أ **(ə)**؟

همیشه həmişə	همه شه həməşə
نردیوان nərdivan	نرده فان nərdəvan
چینگیز Çingiz	چنگیز Çəngiz
عینّاب//ایناب innab	أنّاب ənnab

۲۲-سؤزون بیرینجی،ایکینجی و یا اۆچونجو هئجاسیندا ای**(i)**، یوخسا ا **ئـ(e)** سسی تلفۆظ اولونور؟(در هجای اول ، دوم یا سوم کدام تلفظ می شود ای **(i)**، یا **ائـ (e)**؟

gəler گلئر	gəlir گلیر
bevaxt بئیواخت	bivəxt بیوخت
begünah بئگۆناه	bigünah بیگۆناه

۲۳-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا **اوُ(u)**، یوخسا **ای(ı)** سسی تلفۆظ اولونور؟(در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **اوُ(u)**، یا **ای (ı)**؟

bıra بیرا	bura بوُرا
bığda بیغدا	buğda بوُغدا
mısa میسا	musa موُسا
armıd آرمید	armud آرموُد أرمود
otız اوتیز	otuz اوتوُز
bırın بیرین	burun بوُرون
bılıd بیلید	bulut بوُلوت
bılax بیلاخ	bulağ بوُلاغ
bıynız بیی نیز	buynuz بوُینوز
qarpız قارپیز	qarpuz قارپوُز

۲٤-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا **اوُ(u)**، یوخسا **او(o)** سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **اوُ(u)**، یا **او(o)**؟

boğda بوغدا	buğda بوُغدا
boxça بوخچا	buxça بوُخچا
ostad اوستاد	ustad اوُستاد
otan اوتان	utan اوُتان
buror بوُرور	burur بوُروُر
buzo بوزو	buzov بوُزوو
soltan سولطان	sultan سوُلطان
quror قوُرور	qurur قوُروُر

۲۵-سؤزون بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا **اوُ(u)**، یوخسا **ای(ı)** سسی تلفوظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **اوُ(u)**، یا **ای(ı)**؟

qoyın	قویین	qoyun	قویوُن
qoşın	قوشین	qoşun	قوشوُن
xorcın	خورجین	xorcun	خورجوُن
teymır	تئیمیر	teymur	تئیموُر
qorı	قوری	qoru	قوروُ
uldız	اولدیز	ulduz	اولدوُز
bıil	بی ایل	buil	بوُایل
məhsıl	محصیل	məhsul	محصوُل

۲۶-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا **اۆ(ü)**، یوخسا **ای(i)** سسی تلفوظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **اۆ(ü)**، یا **ای(i)**؟

bilbil	بیلبیل	bübül	بۆلبۆل
kömir	کؤمیر	kömür	کؤمۆر
sümbil	سۆمبیل	sünbül	سۆنبۆل
körpi	کؤرپی	körpü	کؤرپۆ
ökiz	اؤکیز	öküz	اؤکۆز
kilfət	کیلفت	külfət	کۆلفت
sibüt	ثیبوت	sübüt	ثۆبوت
Zileyxa	زیلئیخا	Züleyxa	زۆلئیخا
Əbdil	عبدیل	Əbdül	عبدۆل
biləv	بیله و	bülöv	بۆلؤو

۲۷-سؤزۆن بیرینجی ویا ایکینجی هئجاسیندا **اۆ(ü)**،یوخسا **اؤ(ö)** سسی تلفوظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **اۆ(ü)**،یا **اؤ(ö)**؟

ölkəc	اؤلکوج	ülkəc	اۆلکوج
sörür	سورؤر	sürür	سۆرۆر
görör	گؤرؤر	görür	گؤرۆر
üzör	اۆزؤر	üzür	اۆزۆر

۲۸-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا **اۆ(ü)**، یوخسا **اۇ(u)** سسی تلفوظ اولۇنور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **اۆ(ü)**، یا **اۇ(u)**؟

duşman	دۇشمان	düşmən	دۆشمن
curbacur	جۇرباجۇر	cürbəcür	جۆربجۆر
cuma	جۇما	cümə	جۆمه
zulum	ظۇلوم	zülm	ظۆلم
quvat	قۇوات	qüvvət	قۆوّت
zulmat	ظۇلمات	zülmət	ظۆلمت
sufra	سۇفرا	süfrə	سۆفره

۲۹-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا **او(o)**، یوخسا **آ(a)** سسی تلفوظ اولونور؟ (درهجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **او(o)** ، یا **آ(a)**؟

av	آو	ov	اوو
qavırma	قاویرما	qovurma	قوورما
qahım	قاهیم	qohum	قوهۇم
havuz	حاوۇض	hovuz	حووض
bizav	بیزاو	buzov	بۇزوو
savırmaq	ساویرماق	sovurmaq	سوورماق
qavın	قاوین	qovun	قووۇن
cavğın	جاوغین	covğun	جووغۇن
qırqavıl	قیرقاویل	qırqovul	قیرقووۇل
qavmaq	قاوماق	qovmaq	قووماق
davğa	داوغا	dovğa	دووغا

۳۰-سؤزۆن بیرینجی هئجاسیندا **او(o)**، یوخسا **اوُ(u)** سسی تلفۆظ اولونور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **او(o)**، یا **اوُ(u)**؟

quyun قوُیون	qoyun قویون
quşun قوُشوُن	qoşun قوشوُن
udun اوُدوُن	odun اودوُن
umbir اوُمبیر	ombir اومبیر
çumağ چوُماغ	çomağ چوماغ
qutur قوُتور	qotur قوتوُر
qunağ قوُناغ	qonax قوناخ
kutan کوُتان	kotan کوتان
quz قوُز	qoz قوز
ul اوُل	ol اول

۳۱-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا **او(o)**، یوخسا **ای(ı)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **او(o)**، یا **ای(ı)**؟

bığça بیغچا	boğça بوغچا
papırıs پاپریس	papıros پاپیروس
telefın تئلفین	telefon تئلئفون
pamador پامادور	pamıdor پامیدور
matır ماتیر	mator ماتور

۳۲-سؤزۆن بیرینجی و یا ایکینجی هئجاسیندا **اؤ(ö)**، یوخسا **أ(ə)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود **اؤ(ö)**، یا **أ(ə)**؟

kösəv کؤسه و	kösöv کؤسؤ
kəvşən که وشن	kövşən کؤشن
əv أو	öy اؤی
təvlə طه وله	tövlə طؤوله

əvlad	أولاد	övlad	اؤولاد
bitəv	بیته و	bütöv	بؤتؤو
bənəfşə	بنفشه	bənövşə	بنؤوشه
dəvlət	ده ولت	dövlət	دؤولت

۳۳-سؤزۆن بیرینجی هئجاسیندا اؤ(ö)، یوخسا اۆ(ü) سسی تلفۆظ اولوٗنور؟ (در هجای اول یا دوم کدام تلفظ میشود اؤ(ö)، یا اۆ(ü)؟

güzəl	گۆزل	gözəl	گؤزل
kürpi	کۆرپی	köroü	کؤرپو
üz	اۆز	öz	اؤز
süz	سۆز	söz	سؤز
güz	کۆز	göz	کؤز
bülmə	بۆلمه	bölmə	بؤلمه
üzgə	اۆزگه	özgə	اؤزگه
güg	گۆگ	göy	گؤی
gügərçin	گۆگرچین	göyərçin	گؤیرچین
çürək	چۆرک	çörək	چؤرک
küdək	کۆده ک	ködək	کؤده ک

۳٤-سؤزۆن باشیندا (ب) ، یوخسا (پ) سسی تلفۆظ اولوٗنور؟ (در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود (ب) یا (پ) ؟

pıçaq	پیچاق	bıçaq	بیچاق
piçin	پیچین	biçin	بیچین
poğça	پوٗخچا	boğça	بوٗغچا
palta	پالتا	balta	بالتا
putax	پوٗتاخ	budax	بوٗداخ
pütün	پۆتۆن	bütün	بۆتۆن
pişmiş	پیشمیش	bişmiş	بیشمیش
pütö	پۆتؤ	bütöv	بۆتؤو//بۆتؤ

بینار	bınar	پینار	pınar
بیتگی	bitgi	پیتکی	pitgi

۳۵-سؤزۆن باشیندا **(ب)** ، یوخسا **(م)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟ (در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ب)** یا **(م)** ؟

بۇنا	buna	مۇنا	muna
بۇندا	bunda	مۇندا	munda
بیز	biz	میز	miz
بانلادی	banladı	مانلادی	manladı

۳٦-سؤزۆن باشیندا **(ب)** ، یوخسا **(ف)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟ (در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ب)** یا **(ف)** ؟

کلبتین	kəlbətin	کلفتین	kəlfətin
ایبتیدا	ibtida	ایفتیدا	iftida

۳۷-سؤزۆن باشیندا **(پ)** ، یوخسا **(م)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟ (در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(پ)** یا **(م)** ؟

پامیدور	pamıdor	مامیدور mamıdor//مامیدیر mamıdır

۳۸-سؤزۆن باشیندا **(پ)** ، یوخسا **(ب)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(پ)** یا **(ب)** ؟

پامیدور	pamıdor	بامیدور	bamıdor

۳۹-سؤزۆن باشیندا **(ت)** ، یوخسا **(د)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ت)** یا **(د)** ؟

تر	tər	در	dər

۴۰-سؤزۆن باشیندا **(خ)** ، یوخسا **(ه)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(خ)** یا **(ه)** ؟

harman	هارمان	xarman	خارمان
horuz	هورۇز	xoruz	خورۇز
horcun	هۇرجۇن	xorcun	خۇرجۇن
hırda	هیردا	xırda	خیردا
hala	هالا	xala	خالا
həmir	همیر	xəmir	خمیر
hurma	هۇرما	xurma	خۇرما
həkəndaz	هک انداز	xəkəndaz	خک انداز

۴۱-سؤزۆن باشیندا **(د)** ، یوخسا **(ت)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(د)** یا **(ت)** ؟

tik	تیک	dik	دیک
tiş	تیش	diş	دیش
tikan	تیکان	dıkan	دیکان
tukan	تۆکان	dukan	دۆکان
tuşman	تۆشمان	duşman	دۆشمان
tüş	تۆش	düş	دۆش
tustax	تۇستاخ	dustax	دۇستاخ
tüşbərə	تۆشبره	düşbərə	دۆشبره
tifar	تیفار	divar	دیوار

۴۲-سؤزۆن باشیندا **(د)** ، یوخسا **(چ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(د)** یا **(چ)** ؟

çiş	چیش	diş	دیش
çüş	چۆش	düş	دۆش
çişi	چیشی	dişi	دیشی

düşük دۆشوک	çüşük چۆشوک
düşgün دۆشگون	çüşgün چۆشگون
dişdəmə دیشدمه	çişdəmə چیشدمه

٤٣-سؤزون باشیندا **(ف)** ، یوخسا **(پ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ف)** یا **(پ)** ؟

fərə فره	pərə پره
fındıx فیندیخ	pındıx پیندیخ
fayton فایتون	payton پایتون
qıfıl قیفیل	qıpıl قیپیل
fənər فنر	pənər پنر
səfər سفر	səpər سپر
fikir فیکیر	pikir پیکیر

٤٤-سؤزون باشیندا**(ق)** ، یوخسا **(غ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ق)** یا **(غ)** ؟

qarğa قارغا	ğarğa غارغا
qar قار	ğar غار
qara قارا	ğara غارا

٤٥-سؤزۆن باشیندا **(ک)** ، یوخسا **(گ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ک)** یا **(گ)** ؟

keçi کئچی	geçi گئچی
keçmiş کئچمیش	geşmiş گئشمیش
kobud کۆبود	gobud گۆبود
keşniş کئشنیش	geşniş گئشنیش

۴۶-سؤزۆن باشیندا **(ک)** ، یوخسا **(چ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ک)** یا **(چ)** ؟

کۆچه küçə	چوچه çüçə
کند kənd	چند çənd
کیشی kişi	چیشی çişi
کؤرپو körpü	چؤرپو çörpü
کؤینک köynək	چؤینک çöynək
کیچیک kiçik	چیچیک çiçik
کاغیذ kağız	چاغیذ çağız
کیلو kilo	چیلو çilo
کنار kenar	چنار çenar

۴۷-سؤزۆن باشیندا **(گ)**، یوخسا **(ج)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(گ)** یا **(ج)** ؟

گیلاس gilas	جیلاس cilas
گۆموش gümüş	جۆموش cümüş
گۆلّه gülə	جۆلّه cülə
گئدیر gedir	جئدیر cedir
گاوالی gavalı	جاوالی cavalı
گیله نار gilənar	جیله نار cilənar
گۆل gül	جۆل cül
گؤر gör	جؤر cör
گؤی göy	جؤی cöy

۴۸-سؤزۆن باشیندا **(ل)** ، یوخسا **(ن)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ل)** یا **(ن)** ؟

لچک ləçək	نچک nəçək

۴۹-سؤزۆن باشیندا **(م)** ، یوخسا **(ن)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(م)** یا **(ن)** ؟

مئیوه	meyvə	نئیوه	neyvə

۵۰-سؤزۆن باشیندا **(ن)** ، یوخسا **(ل)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ن)** یا **(ل)** ؟

نیظام	nizam	لیظام	lizam

۵۱-سؤزۆن باشیندا **(و)** ، یوخسا **(ب)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(و)** یا **(ب)** ؟

وئدره	vedrə	بئدره	bedrə

۵۲-سؤزۆن باشیندا **(و)** ، یوخسا **(م)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(و)** یا **(م)** ؟

واشاق	vaşaq	ماشاق(پیشیک)	maşaq

۵۳-سؤزۆن باشیندا **(ی)** ، یوخسا **(ق)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در ابتدای واژه کدام تلفظ میشود **(ی)** یا **(ق)** ؟

یاواش	yavaş	قۇواش	qavaş

۵۴-سؤزۆن اورتاسیندا**(ب)** ، یوخسا **(و)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ب)** یا **(و)** ؟

چوبان coban	چووان çovan
قابیغ qabığ	قاویخ qavıx
بابا baba	باوا bava
قبیر qəbir	قه ویر qəvir

şorba شوربا	şorva شوروا
ədəbli أدبلی	ədəvli أدولی

۵۵-سؤزۆن اورتاسیندا **(ت)** ، یوخسا **(د)** سسی تلفۆظ اولۆنور؟ (در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ت)** یا **(د)** ؟

dəftər دفتر	dəfdər دفدر
pistə پیسته	pisdə پیسده
doktur دوکتۆر	doxdur دوخدۆر
bostan بوستان	bosdan بوسدان
məktəb مکتب	məkdəb مکدب
bəxtəvər بخته ور	bəxdəvər بخده ور
müxtəsər مختصر	müxdəsər مخدصر
müştəri مؤشتری	müşdəri مؤشدری

۵۶-سؤزۆن اورتاسیندا **(ج)** ، یوخسا **(ژ)** سسی تلفۆظ اولۆنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ج)** یا **(ژ)** ؟

bacı باجی	bajı باژی
ocaq اوجاخ	ojax اوژاخ
qoca قوجا	qoja قوژا
gencə گئجه	gejə گئژه
alacax آلاجاخ	alajax آلاژاخ

سؤزۆن اورتاسیندا**(ج)** ، یوخسا **(ش)** سسی تلفۆظ اولۆنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ج)** یا **(ش)** ؟

bacarmaq باجارماق	başarmaq باشارماخ
ictimai ایجتیماعی	iştimai ایشتیماعی

۵۷-سؤزۆن اورتاسیندا و یا **ق،ک،م** سسلریندن قاباق **(ج)** ، یوخسا **(ش)** سسی تلفوظ اولۇنور؟(در میانه واژه قبل از همخوانهای ق ،ک ،م کدام تلفظ میشود **(ج)** یا **(ش)** ؟

آچماخ açmaq	آشماخ açmax
سئچگی seçgi	سئشگی seşgi
ایچگی içgi	ایشگی işgi
اۇچماغ uçmağ	اۇشماخ uşmax
قاچماغ qaçmaq	قاشماخ qaşmax
ایچقیریخ ıçqırmax	ایشقیریخ ışqırıx
گئچمک geçmək	گئشمک geşmək

۵۸-سؤزۆن اورتاسیندا **(چ)** ، یوخسا **(ش)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(چ)** یا **(ش)** ؟

سئچگی seçgi	سئشکی seşki
ایچقیریق içqırıq	ایشقیریخ işqırıx
ایچکی içki	ایشگی işgi
بیچق biçqi	پیشقی pişqi

۵۹-سؤزۆن اورتاسیندا **(د)** ، یوخسا **(نـک)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(د)** یا **(نـک)** ؟

دادیزماق dadızmaq	دانکیزماق dangızmaq

٦۰-سؤزۆن اورتاسیندا **(ر)** ، یوخسا **(ل)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ر)** یا **(ل)** ؟

سیرغا sırğa	سیلغا sılğa
بۆرکۆ bürkü	بۆلکۆ bülkü
سیرکه sirkə	سیلکه silgə
هؤرۆمچک hörümcək	اؤلۆمچک ölümcək

qulbağa	قۇلباغا	qurbağa	قۇرباغا

٦١-سؤزۆن اورتاسیندا **(ش)** ، یوخسا **(چ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ش)** یا **(چ)** ؟

yaxçı	یاخچی	yaxşı	یاخشی

٦٢-سؤزۆن اورتاسیندا **(ف)** ، یوخسا **(و)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ف)** یا **(و)** ؟

tüvəh	تۆوه	tüfəng	تۆفنگ
tüvəng	تۆونگ	tüfəng	تۆفنگ
sivtə	سیوته	siftə	سیفته
müstava	مصطاوا	müstafa	مصطافا
müxələvat	مخلوات	müxələfat	مخلفات

٦٣-سؤزۆن اورتاسیندا **(ف)** ، یوخسا **(پ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ف)** یا **(پ)** ؟

qıpıl	قیپیل	qıfıl	قیفیل
səpər	سپر	səfər	سفر
həptə	هپته	həftə	هفته
ispəndiyar	اسپندیار	isfəndiyar	اسفندیار
külpat	کۆلپات	külfət	کۆلفت
tüpəng	تۆپنگ	tüfəng	تۆفنگ

٦٤-سؤزۆن اورتاسیندا **(ف)** ، یوخسا **(ی)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ف)** یا **(ی)** ؟

şöytəli	شؤیته لی	şaftalı	شافتالی
bənöyşə	بنؤیشه	bənəfşə	بنفشه
köykür	کؤیکۆر	kəfgir	کفگیر

٦٥-سؤزۆن اورتاسیندا **(ق)** ، یوخسا **(غ)** سسی تلفۆظ اولۇنور[1]؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ق)** یا **(غ)** ؟

damğa دامغا	damqa دامقا
halğa حالغا	halqa حالقا
yorğa یورغا	yorqa یورقا
yorğun یورغۇن	yorqun یورقۇن
yorğan یورغان	yorqan یورقان
böşğab بوشغاب	boşqab بوشقاب

٦٦-سؤزۆن اورتاسیندا **(گ)** ، یوخسا **(ی)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(گ)** یا **(ی)** ؟

iynə ایینه	ignə ایگنه
düyü دۆیۆ دویی	dügü دۆگۆ
düymə دۆیمه	dügmə دۆگمه
buyün بۇیۆن	bugün بۇگۆن
iyirmi اییرمی	igirmi ایگیرمی
düyün دۆیۆن	dügün دۆگۆن
dəyirman دییرمان	dəgirman دگیرمان
əyri أیری	əgri آگری

٦٧-سؤزۆن اورتاسیندا **(م)** ، یوخسا **(ن)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(م)** یا **(ن)** ؟

cırnax جیرناخ	cırmaq جیرماق
münkün مۆنکۆن	mümkün مۆمکۆن
bozuntur بوزونتور	bozumtur بوزومتور
intahan اینتاحان	imtahan ایمتاحان

---

[1]. این حالت در لهجه ها کمتر مشاهده میشود، لیکن در زبان معیار هنخوان «ق» هنگام افزودن پسوندی که با واکه شروع میشود «ق» را به «چ» تبدیل میکند. م

۶۸-سؤزۆن اورتاسیندا **(ن)** ، یوخسا **(م)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ن)** یا **(م)** ؟

qomur	قومؤر	qonur	قونؤر
çamta	چامتا	çanta	چانتا

۶۹-سؤزۆن اورتاسیندا**(ن)** ، یوخسا **(نک)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ن)** یا **(نک)**یشـومیخ ؟

gəlirsiṅiz	گلیرسینیز	gəlirsiniz	گلیرسینیز
aldıṅız	آلدینیز	aldınız	آلدینیز
məṅə	منه	mənə	منه
aṅrı	آنری	anrı	آنری
səṅə	سنه	sənə	سنه

۷۰-سؤزۆن اورتاسیندا **(ن)** ، یوخسا **(ل)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ن)** یا **(ل)** ؟

şilil	شیلیل	şinel	شینل
iltizam	ایلتیظام	intizam	اینتیظام

۷۱-سؤزۆن اورتاسیندا **(ن)** ، یوخسا **(ی)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ن)** یا **(ی)** ؟

göyül	گؤیۆل	gönül	گؤنۆل

۷۲-سؤزۆن اورتاسیندا **(و)** ، یوخسا **(ب)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(و)** یا **(ب)** ؟

Qəzbin	قزبین	Qəzvin	قزوین
dərbiş	دربیش	dərviş	درویش
xəlbət	خلبت	xəlvət	خلوت

هئیوا	heyva	هئیبا	heyba
شالوار	şalvar	شالبار	şalbar
قاوال	qaval	قابال	qabal
قووال	qoval	قابال	qabal
تاواکابابی	tavakababı	تاباکابابی	tabakababı

۷۳-سؤزۆن اورتاسیندا **(و)** ، یوخسا **(ف)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(و)** یا **(ف)** ؟

دیوار	divar	تیفار	tifar
نردیوان	nərdivan	نردیفان	nərdifan
تحویل	təhvil	تحفیل	təhfil
احوالات	əhvalat	احفالات	əhfalat

۷٤-سؤزۆن اورتاسیندا **(و)** ، یوخسا **(ه)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(و)** یا **(ه)** ؟

دیوار	divar	دیهار	dihar
نوورۇز	novruz	نوهرۇز	nohruz

۷۵-سؤزۆن اورتاسیندا **(و)** ، یوخسا **(غ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(و)** یا **(غ)** ؟

جاواب	cavab	جاغاب	cağab
صاواب	savab	صوغاب	suğab
قووون	qovun	قوغین	qoğın

۷٦-سؤزۆن اورتاسیندا **(ه)** ، یوخسا **(ی)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ه)** یا **(ی)** ؟

وحشی	vəhşi	وه یشی	vəyşi
صؤحبت	söhbət	صؤیوه ت	söybət

Teyran	تئیران	Tehran	تئهران
Ibrayim	ایبراییم	İbrahim	ایبراهیم

۷۷-سؤزۆن اورتاسیندا **(ه)** ، یوخسا **(ف)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ه)** یا **(ف)** ؟

mafıd	مافید	mahıd	ماهید
ləfcə	لفجه	ləhcə	لهجه

۷۸-سؤزۆن اورتاسیندا **(ی)** ، یوخسا **(و)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ی)** یا **(و)** ؟

gövərti	گؤورتی	göyərti	گؤیرتی
gövərçin	گؤورچین	göyərçin	گؤیرچین
sövüd	سؤوۆد	söyüd	سؤیۆد
övəc	اؤوه ج	öyəc	اؤیه ج

۷۹-سؤزۆن اورتاسیندا **(ی)** ، یوخسا **(گ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در میانه واژه کدام تلفظ میشود **(ی)** یا **(گ)** ؟

ignə	ایگنه	iynə	ایینه
dügü	دۆگۆ	düyü	دۆیۆ
dügmə	دۆگمه	düymə	دۆیمه
igirmi	ایگیرمی	iyirmi	اییرمی
dəgirman	دگیرمان	dəyirman	دییرمان
əgri	أگری	əyri	أیری
sögüt	سؤگۆت	söyüd	سؤیۆد
igit	ایگید	iyid	اییید

۸۰-سؤزۆن سونوندا **(ب)** ، یوخسا **(ف)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود **(ب)** یا **(ف)** ؟

coraf جوراف	corab جوراب
qotaf قوتاف	qotab قوتاب
əriyif أرییيف	əriyib أرییيب
kabaf کاباف	kabab کاباب
gəlif گلیف	gəlib گلیب

۸۱-سؤزۆن سونوندا **(ب)** ، یوخسا **(و)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود **(ب)** یا **(و)** ؟

kitav کیتاو	kitab کیتاب
qav قاو	qab قاب
div دیو	dib دیب
boşqav بوشقاو	boşqab بوشقاب
corav جوراو	corab جوراب
civ جیو	cib جیب

۸۲-سؤزۆن سونوندا **(ب)** ، یوخسا **(پ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود **(ب)** یا **(پ)** ؟

kitap کیتاپ	kitab کیتاب
corap جوراپ	corab جوراب
gülüp گۆلوپ	gülüb گۆلوب
boşqap بوشقاپ	boşqab بوشقاب
alıp آلیپ	alıb آلیب

۸۳-تک هئجالی سؤزلرین سونوندا **(پ)** ، یوخسا **(ف)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در انتهای واژه های تک هجایی کدام تلفظ میشود **(پ)** یا **(ف)** ؟

qulf قۇلف	qulp قۇلپ
turf تۇرف	turp تۇرپ

laf	لاف	lap	لاپ
tof	توف	top	توپ
saf	ساف	sap	ساپ
if	ایف	ip	ایپ

۸٤-سؤزۆن سونوندا**(ج)** ، یوخسا **(ش)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود **(ج)** یا **(ش)** ؟

ağaş	آغاش	ağac	آغاج
kərpiş	کرپیش	kərpic	کرپیج
qılış	قیلیش	qılıc	قیلیج
dilmaş	دیلماش	dilmanc	دیلمانج
qazaş	قازاش	qazanc	قازانج
turaş	تۇراش	turac	تۇراج
oruş	اورۇش	oruc	اورۇج
mərş	مرش	mərc	مرج

۸۵-سؤزۆن سونوندا **(ج)** ، یوخسا **(ژ)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود **(چ)** یا **(ژ)** ؟

saj	ساژ	sac	ساج
gənj	گئژ	gənc	گئج
ağaj	آغاژ	ağac	آغاج
kərpij	کرپیژ	kərpic	کرپیج
bij	بیژ	bic	بیج
aj	آژ	ac	آج
güj	گۆژ	güc	گۆج

۸٦-سؤزۆن سونوندا **(چ)** ، یوخسا **(ش)** سسی تلفۆظ اولۇنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود **(چ)** یا **(ش)** ؟

üş	اۆش	üç	اۆچ
peş	پئش	peç	پئچ
iş	ایش	iç	ایچ
qaş	قاش	qaç	قاچ
aş	آش	aç	آچ
qüş	قۆش	qüç	قۆچ
uş	اوُش	uç	اوُچ
keş	کئش	keç	کئچ

۸۷-سؤزۆن سونوندا **(د)** ، یوخسا **(ت)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود **(د)** یا **(ت)** ؟

bulut	بوُلوُت	bulud	بوُلوُد
yurt	یوُرت	yurd	یوُرد
qurt	قوُرت	qurd	قوُرد
qurut	قوُروُت	qurud	قوُروُد
dört	دؤرت	dörd	دؤرد
kilit	کلیت	kilid	کلید
süt	سۆت	süd	سۆد

۸۸-سؤزۆن سونوندا **(ز)** ، یوخسا **(س)** سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود **(ز)** یا **(س)** ؟

palas	پالاس	palaz	پالاز
Aras	آراس	Araz	آراز
almas	آلماس	almaz	آلماز
qapas	قاپاس	qapaz	قاپاز
qarpus	قارپوُس	qarpuz	قارپوُز
xorus	خوروُس	xoruz	خوروُز
uldus	اوُلدوُس	ulduz	اوُلدوُز

۸۹-سؤزۆن سونوندا (غ) ، یوخسا (خ) سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود (غ) یا (خ) ؟

yarpax یارپاخ	yarpağ یارپاغ
qabıx قابیخ	qabığ قابیغ
balıx بالیخ	balığ بالیغ
ocax اوجاخ	ocağ اوجاغ
orax اوراخ	orağ اوراغ
papax پاپاخ	papağ پاپاغ

۹۰-سؤزۆن سونوندا (ک) ، یوخسا (ه-گ-ی) سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود (ک) یا (ه – گ - ی) ؟

küləy-küləg-küləh کۆله،کۆلگ،کۆله ی	külək کۆلک
ələy-ələg-ələh أله،ألگ،أله ی	ələk ألک
çiçəy-çiçəg-çiçəh چیچه،چیچگ،چیچه ی	çiçək چیچک
kiçiy-kiçig-kiçih کیچیه،کیچیگ،کیچیی	kiçik کیچیک

۹۱-سؤزۆن سونوندا (ن) ، یوخسا (نٜ) داماق سسی تلفۆظ اولوُنور؟(در انتهای واژه کدام تلفظ میشود (ن) یا (نٜ) ؟

nənəń نه نـنٜ	nənən نه نن
yazıń یازیـنٜ	yazın یازین
atań آتانٜ	atan آتان
doń دونٜ	don دون

۹۲-باشیندا(ی) سسی اولمایان بعضی سؤزلر نئجه ایشله نیر؟(ی سسی دوشورمو)؟ (در ابتدای واژه همخوان ی تلفظ میشود یا نمیشود؟)

uxarı اوُخاری	yuxarı یوُخاری
umax اوُماخ	yumax یوُماخ

umrux اوُمروُخ	yumrux يوُمروُخ
urd اوُرد	yurd يوُرد
ük اؤک	yük يؤک

۹۳-باشيندا (ی) سسی اولمايان بعضی سؤزلر نئجه ايشله نير؟(ی سسی آرتيريليرمی)؟ (در ابتدای واژه همخوان ی تلفظ ميشود يا نميشود؟)

yeniş يئنيش	eniş ائنيش
yendirmək يئنديرمک	endirmək ائنديرمک
yulduz يوُلدوُز	ulduz اوُلدوُز
yüzmək يؤزمک	üzmək اؤزمک
yalov يالوو	alov ألوو
yüzük يؤزؤک	üzük اؤزؤک

۹٤-باشيندا (ه) سسی اولمايان بعضی سؤزلرنئجه ايشله نير؟(ه سسی آرتيريليرمی)؟ (در ابتدای واژه همخوان ه تلفظ ميشود يا نميشود؟)

hindi هيندی	indi ايندی
haçar هاچار	açar آچار
halça هالچا	alça آلچا
hancax هانجاخ	ancax آنجاخ
horax هوراخ	orax اوراخ

۹۵-باشيندا (ه) سسی اولمايان بعضی سؤزلرنئجه ايشله نير؟(ه سسی دوشورمو)؟ (در ابتدای واژه همخوان ه تلفظ ميشود يا نميشود؟)

örmək اؤرمک	hörmək هؤرمک
ışqırmqx ايشقيرماخ	hışqırmax هيشقيرماخ
ürmək اؤرمه	hürmək هؤرمک
örümcək اؤروُمچه	hörümcək هؤروُمچک

۹٦-سؤزون اورتاسیندا،سونوندا ویا شکیلچیدن قاباق بعضی سؤزلرده **(ر)** سسی نئچه ایشله نیلیر(ر سسی دوشورمو)؟

قورتار	qurtqr	قوتار	qutar
قیرخدیر	qırxdır	قیخدیر	qıxdır
اوتور	otur	اوتو	otu
کؤتور	götür	کؤتو	götü
گتیر	gətir	گتی	gəti
قالدیرماق	qaldırmaq	قالدیماخ	qaldımax
قورخوت	qorxut	قوخوت	qoxut
یاندیردی	yandırdı	یاندیدی	yandıdı
یئتیردی	yetirdi	یئتیدی	yetidi
تیکدیردی	tikdirdi	تیکدیدی	tikdidi

۹۷-سؤزون اورتاسیندا بعضی سؤزلرده **(ل)** سسی نئچه ایشله نیلیر(ل سسی دوشورمو)؟ (در میانه واژه همخوان **ل** تلفظ میشود یا حذف میشود؟)

آلتمیش	altmış	آتمیش	atçış
میلچه	milçəh	میچه	miçəh
دوزلت	düzəlt	دوزت	düzət
قالخدی	qalxdı	قاخدی	qaxdı
اوجالتدی	ucaltdı	اوجاتدی	ucatdı
خالخنان	xalxnan	خاخنان	xaxnan
اؤلچدوم	ölçdüm	اؤشدوم	öşdüm

۹۸-سؤزون باشیندا، اورتاسیندا ویا سونوندا **اووov**، یوخسا **آوav**، **اوی oy**، **اووou**،اوo تلفوظ اولونور؟ (در واژه **اووov**، یا **آوav**، **اوی oy**، **اوو ou**،اوo کدام تلفظ میشود؟)

دووشان	داوشان،دویشان،دووشان،دوشان

dovşan	doşan-douvşan-doyşan-davşan
یووشان yovşan	یاوشان،یویشان،یووشان،یوشان yoşan-youşan-yoyşan-yavşan
قوولاماق qovalamaq	قاولاماق،قویلاماق،قوولاماق،قولاماق qolamaq-qoulamaq-qoylamaq-qavlamaq
قاشوو qaşov	قاشاو،قاشوی،قاشوو،قاشو qaşo-qaşou-qaşoy-qaşav
بوزوو buzov	بوزاو،بوزاوی،بوزاوو،بوزو buzo-buzou-buzoy-buzav
اوو ov	آو، اوی،اوو،او o-ou-oy-av

۹۹- سؤزون باشیندا، اورتاسیندا ویا سونوندا **اووöv**، یوخسا **آوəv**، **اوی öy**، **اووöü**، **او ö** تلفوظ اولونور؟ (در واژه **اووöv**، یا **آوəv**، **اوی öy**، **اووöü**، **او ö** کدام تلفظ میشود؟)

اؤو öv	أو، اوی، اوو، او ö-öü—öy-əv
جه ووز cəvuz	جه ویز، جه ووز، جه یوز، جه ز cəz-cəüz-cəvüz-cəviz
اؤولاد övlad	أولاد، اؤولاد، اؤلاد، اؤیلت öylət-ölad-övlad-əvlad
طؤوله tövlə	طه وله، تؤله، تؤیله، تؤوله tövlə-töylə-tölə-təvlə
بوتؤو bütöv	بیته و، بوتؤ، بوتؤو، بوتؤی bütöy-bütöv-butö-bitəv

۱۰۰-سؤزون سونوندا **(اووuv)** ، یوخسا **(اوآ ua)** سسی تلفوظ اولونور؟ (در انتهای واژه **(اووuv)** ، یا **(اوآ ua)** کدام تلفظ میشود؟)

سوواماخ suvamax	سواماخ suamax
چووال çuval	چوال çual
دووار duvar	دوار duar
سووار suvar	سوار suar

منابع

احمدی گیوی حسن ، دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی ، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۳

بیانی علیمحد، مقایسه لهجه تورکی زنگان با تورکی تبریز، ماهنامه بایرام، شماره ٤٣، ۱۳۹۱

بهرنگی صمد ، مجموعه مقالات ، شمس ، تبریز، ١٣٤٤

جعفری ابوذر، لهجه تورکی تیکان تپه (تکاب افشار)، ماهنامه بایرام، زنگان، اسفند ۱۳۹۱، شماره ٤٤

حاجیئف توفیق ،رفاهی علمداری فیروز،«دده قورقوو»-ون سون صحیفه سی حاققیندا- «أدبیات و اینجه صنعت قزئتی» ، ١٩٨٦ ، آپریل ٤

حق شناس علیمحمد، آواشناسی (فونتیك)، انتشارات آگاه، تهران، ١٣٥٦

خوش باطن حسین، مطالعه ساختار نحوی زبان ترکی از دیدگاه رده شناسی ، تبریز ، ١٣٨٥

داورنیا عباس ، زبان ترکهای تهران ، تهران ، انتشارات اندیشه نو، ١٣٨٥

رفاهی علمداری فیروز ، کتاب دده قورقود و لهجه های کنونی زبان ترکی آذربایجانی (بخش آواشناسی)، پایاننامه فوق لیسانس ، دانشگاه دولتی باکو، ١٩٨٦،منتشرنشده است.

سامارین ویلیام ، زبانشناسی عملی-راهنمای بررسی گویشها، ترجمه لطیف عطاری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران

کاشغری محمود، دیوان لغات الترك، ترجمه دکتر محمدزاده صدیق،اختر، تبریز، ۱۳۸۳

مشکوۀ الدینی مهدی، ساخت آوایی زبان، دانشگاه فردوسی ، مشهد، ١٣٦٤

مقدم محمد، گویشهای وفس و آشتیان و تفرش ، ایران کوده ۱۱، ۱۳۱۸

وزین پور ، نادر ،بررسی صرف افعال در زبان ترکی آذری. رساله دکتری رشته زبان شناسی ، دانشگاه تهران، ١٣٤٥

هاندا کوئیجی ، لهجه تبریز، ترجمه حسین محمدزاده صدیق، نشر یاران، تبریز، ۱۳۸۹

فصلنامه آذری و سایر نشریات منتشره به زبان ترکی آذربایجانی

References:

Axundov Ağamusa, Azərbaycan dilinin fonemlər sistemi, Maarif, Bakı, 1973

Axundov Ağamusa, Azərbaycan dilinin tarixi fonetikası, ADU nəşri, Bakı, 1973

Azərbaycan dili dialekt və şivələrinin monoqrafik tədqiqinə aid proqram, AEA nəşriyyatı, Bakı, 1956

Bağırov Q.Ə., Ermənistan SSR Sisyan rayonu azəri şivələri, nam.dis., Bakı,1966 (rus dilində)

Bosnalı Sonel, İran Azerbaycan Türkçesi/Toplum-dilbilimsel Bir İnceleme, kebikeç yayınları, İstanbul,2007

Bosnali Sonel, Patrimoine linguistique et litteraire turcophone de l'Iran: une etude sociolinguistique, 2003

Çelik Muhittin, Kaşkay Türkçesi, İnönü Üniversitesi,Doktora tezi, Malatya, 1997

Çobanov M., Bolnisi rayonu şivələrində işlənən bəzi arxaizmlər, ADU-nun elmi əsərləri, Sil və Ədəbiyyat seryası, 1973, No.4

Doğan Talıp , Tikântepe Ağzı Üzerine **,** MTADÇ Ⅷ1 , c.9, AU, 2012

Doğan Talıp. (2010a) *Urmiye Ağızları*. Kırıkkale Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayımlanmamış Doktora Tezi, Kırıkkale.

Doğan Talıp. (2010b) "İran Türk Ağızlarında Eski Oğuz Türkçesinin (Eski Türkiye Türkçesi) Kalıntılarına Dair Notlar", *Turkish Studies*, Volume 5/3, Summer, 1113-1124.

Eren Hasan, Türklük Bilimi sözlüğü, 1-Yabancı türkologlar, Ankara ,1999, s.189

Əliyev Ə.İ., Ermənistan SSR Meğri rayonu Azərbaycan dili şivələri, 1965

Ergin Muharrem, Azeri Türkçesi, Edebiyat Fakültesi Basımevi, İstanbul,1981,s.9

Əzizov Elbrus, Azərbaycan dilinin tarixi dialektologiyası, Bakı Universiteti Nəşriyatı, Bakı, 1999

Firuz Refahi Ələmdari, Kitabi Dədə Qorqud və Azərbaycan dilinin dialektləri (fonologiya), Magistratura Diplom işi, Bakı,1986 (əlyazma hüququnda)

Foy Karl, Azerbajganische Studien mit einer Charakteristik des Südtürrkischen- Mitteilungen des Seminars für Orietalische Sprachen, 1903-1904

Gökdağ Bilgehan A., Salmas Ağzı, Güney Azerbaycan Türkçesi Üzerine bir İnceleme, Karam yayınları, Çorum, 2006

Gülcihan Pehlivan, Hamadan bölgesi Bahar ağzı,

Hüseynov A., Azərbaycan dialektologiyasl, Bakı, APİ nəşri, 1958

Hüseynov A., Azərbaycan dialektologiyasl, Bakı, APİ nəşri, 1979

Karahan Leyla, Anadolu Ağızlarının Sınıflandırılması, TDK,Ankara, 1996,

Karini J. (2009) *Erdebil İli Ağızları*. Gazi Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayımlanmamış Doktora Tezi, Ankara.

Karini Jahangir, Halhal Ağızlarında İktidari Fiilin Olumsuzunda Kullanılan –AmmA – Eki, Turkish Studies, V.3-7 , 2008

Kərimov Ş.M., Ermənistan SSR Krasnaselo və İncevan rayonlarında Azərbaycan şivələri, namzədlik dissertasiya, Bakı, 1970

Koichi Haneda, Ali Ganjelu,Tabrizi Vocabulary an Azeri-Turkish Dialect in Iran, Institute for the study of languages and cultures of Asia and Afica,Tokyo,1979

Kowalski Tadeosz, Die altersten Erwahnungen der Türken in der arabischen literatur و Les Turcs dans le Sah-name,1926

Layos Ligeti, Sur la langue des Afchars d Afghnistan (AOH VII,)

Mehmet Gece K., Güney Azerbaycan Ağızlarından Serap Ağzı, G.Ü., Yüksek lisans tezi, Ankara, 1985

Memmedli M. (2003) *Azerbaycan Dili ve Şivelerinde İsmin Grammatik Kategoriyaları,* Bakı: Elm.

Memoires de la Commission Orientaliste No.18,Krakoü , 1935,XİİI,

Menges K. H., *"Einige Bemerkungen zur Vergleichenden Grammatik des Turkmenischen," Acta Orientalia 11, 1939*

Menges Karl Heinrich , Research in the Turkic dialects of Iran (preliminary report on a trip to Persia) Oriiens 4, 1951

Minorrski V., Das Chorasanturkische, (TDAY 1977)

Minorrski Valadimir, Chorasanturkisch aus dem Turkenkessel, (CAJ 36,1992)

Minorrski Valadimir, Das Sonqor-Turkische"(StO 47,1977)

Minorrski Valadimir, Ein turkischer Dialekt aus der Gegend von Hamadan(AOH XXXVI, 1982, p/99-124)

Minorrski Valadimir, The Turkish dialect of the Khalaj, BSOS, X/2, 1940-1942

Monteil V. , Sur le dialecte turc de l Azerbajdjan iranien, 1956

Noah Lee Sooman, A Grammar of Iranian Azerbaijani, University of Sussex, 1996

Olcay Selahattin, Eecilasun A.B., Aslan Ensar, Arpaçay köylerinden derlemeler, Ankara, 1998

Romaskovich A.A. Pesni kashkaitse v Zbornik Muzeya antropoloji I etnografi Petra Velikovo pri Akademi Nauk SSSR Lningrad 1925 pp. 573-610

Sarikaya M. (1998) *Güney Azerbaycan Türkçesi Grameri,* Erciyes Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yayımlanmamış Doktora Tezi, Kayseri, 1998.

Sonmez İshiq, Untersuchungen zu den Aserbaidschanischen Dialekten von Qaradağ, Mugan, Zäncan,1998

Szapszal S., Proby literatury ludowej turkow v Azerbajdzanu perskiego, 1935

Şirəliyev M. Ş.. Azərbaycan Dialektologiyasının Əsasları, Maarif, Bakı , Bakı, 1968

Şirəliyev M. Ş.. Bakı dialekti, Bakı, 1949

Şirəliyev.M., 40 ildə Azərbaycan dilçiliyinin inkişafı- Elm 40 ildə,Bakı, AEA, 1960

-***Turcica et Orientalia***. Studies in honour of Gunnar Jarring on his eightieth birthday 12 Oct. 1987

Vambery Armin, A török-tatar nyelvek etymologiai szotara, 1877

Vambery Armin, Die primitive Cultur des turko-tatarischen Volkes (Leipzig 1879)

Vambery Armin, Etymologisches Wörterbuch der turko-tatarischen Sprachen,1878

Vəliyev Z.M., Basarkeçər rayon şivələri, nam.dis., İrəvan, 1954

Zenker J.th., Allgemeine Grammatik der türkisch-tatarischen Sprache,1848

Бабаев Ф., Азербайджанскте говори Масстского района Арьмярской ССР. Фв.Дис.кан. фидол наук.Баку .1988

Гусейнов А.А., Говоры Вартащенского района, Москва, 1952

Джангидзу В.Т., Дмантского говора казахского диалекта Азербайджанского языка, Баку, 19565

Джангидзу В.Т.,Особености дмантского говора Азербайджанского языка, Баку, 1955

КаземьБек М.А. , Грамматика турецко-татарского языка, Казань,1893

Майзель, Соломон Сергеевич, Изафет в турецком языке, ред., предисл. и примеч. А. Н. Кононова ; АН СССР, Ин-т востоковедения. - Москва ; Ленинград : Издательство АН СССР, 1957

Мамедов И., Карягинские говоры Азербайджанского языка, Москва, 1958

Сравнительно-исорическая грамматика тюркских языков- фонетика, наука,1984,с.29

Ширалиев М.Ш. Диалекты и говоры Азербайджанского языка,Издательство элм, Баку, 1983

Ширалиев М.Ш. К вопросу об изучении и классификации фзербайджанского диалектов- Изв. Аз. Филтала АН СССР. 1941. №. 4

www diyalecktolog.com

www.filologiyameseleri.com

www.turkologiya.org

www.mutarjim.com

www.doguedebiyat.com/doguarastirmalari.htm

www.altaica.ru

www.orientalstudies.ru

www.iranonline.org/ turkic languages of Persia. htm

At chapter five phonological processes of vowels in compare with standard language has been compared. Processes like assimilation, dissimilation, deletion, conversion etc. specific for oral form of languages has been studied.

Chapter six follows the same phonological processes for consonants.

All examples and indicators are selected from the oral sources and reference books available.

We hope that such study shall help students and all interested parts in their future efforts for studying other features of dialects in Iran.

Firuz Refahi Alamdari
Tehran
2015

mother tongue or those who look for a guidebook to search Azeri Turkic dialects, written in Persian.

This book tries to put forward the regulations and rules of phonological changes of oral language of Azeri people. Here we have looked into phonemic changes of dialects in compare with Standard Language.

At first chapter of this book we have focused on the historical background of Azeri Turkic dialect survey in Iran and out of Iran. All the attemps done by Turkologist have been gathered in this chapter.

At second chapter classification of Azeri Turkic dialects done by famous dialectologists have been put forwards. Although current dialects of Azeri Turkic people in Iran have been neglected so far ,but a few attemps has been studied here.

At chapter three methods of studying Azeri Turkic dialects has been reseached.

Chapter four of the book reveals phonology structure of dialects. Consonants and vowels and their types have been classified.

Introduction

For houndreds of years people called their language Turki and now they call it Azeri Turkic or as internationally known Azerbaijani. It is common language of millions of citizens in Iran where , so far, they haven`t got the opportunity to learn it officially at schools or higher education centers.

Azeri Turkic is popular not only in Iran , but in Turkey, Azerbaijan Republic, Russia, Iraq, Syria, Afghnistan and Georgia. There were hundreds of thousands Azeri Turkic speaking population in Armenia , but because of Language Genocide, now they are all forced to evacualte their fatherland and scatter around.

Azeri Turkic has different dialects and semi-dialects existing in above-mentioned countries. The densiest populated lands of Azeri turk people is in Iran. But, unfortunately their language and dialects have rarely been reseached by men of knowledge.

This is the first attemp to prepare a guide for those who like to learn about dialect changes in their

An İntroduction to Phonological Structure
Of Azeri Turkic Dialects of İran.
Author: *Firuz Refahi Alamdari*
Email: Firuzrefahi@gmail.com
First published at Tehran 2015
İSBN: 978-600-0431-86-0

Firuz Refahi Alamdari

An Introduction to Phonological Structure of Azeri Turkic Dialects in Iran

Tehran

2015